

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

# آموزش‌استدایی

رشد

۲

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان تربیت معلم و کارشناسان آموزشی

دوره‌ی پانزدهم / آبان ماه / ۱۳۹۰ / شماره‌ی پی‌درپی ۱۱۹

ماه‌نامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات کمک آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری

سردبیر: مرتضی مجذفر

شورای برنامه‌ریزی:

شکوه تقیدی‌سیان

فاطمه رمضانی

لیلا سلیقه‌دار

یدالله رهبری نژاد

ابراهیم اصلانی

مدیر داخلی: اصغر ندیری

طراح گرافیک: فریبا بندی

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۳۳۳۱

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸

۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۹ (داخلی ۳۷۵)

نمبر: ۸۸۳۰ ۱۴۷۸

ویگاه:

[www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)

رایانامه:

[ebtedayi@roshdmag.ir](mailto:ebtedayi@roshdmag.ir)

تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:

۸۸۳۰ ۱۴۸۲

• کد مدیر مسئول: ۱۰۲

• کد دفتر مجله: ۱۰۹

• کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین:

۷۷۳۳۶۶۵۵ - ۷۷۳۳۶۶۵۶

شمارگان: ۴۵۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

عکس روی جلد: اعظم لاریجانی

## آموزش‌استدایی

دوره‌ی ۱۵ - شماره‌ی ۲

آبان

## پژوهش ۱ تجزیه‌آنالیز

۲۲ تا ۱۷

ویژه‌نامه‌ی آموزش

ضمن خدمت

۱۵

ضمن خدمت

# چند نکته‌ی مهم دربارهٔ کتاب و کتاب‌خوانی



## اشاره

همه ساله ۲۴ آبان‌ماه، در سراسر کشور با برگزاری برنامه‌های ویژه، «کتاب» گرامی داشته می‌شود. در این روز و هفته‌ی منتهی به آن، سال‌هاست با عنوان «روز و هفته‌ی کتاب و کتاب‌خوانی»، بر اهمیت توجه به کتاب و ایجاد فرهنگ مطالعه‌ی کتاب‌های غیردرسی و بالا بردن ساعت مطالعه در میان مردم تأکید می‌شود. امروزه هم‌چنین پژوهش‌های تربیتی، مشخص ساخته‌اند که در مدرسه‌های موقق، جریان قبل تשבیخی از برنامه‌های گستردگی کتاب و کتاب‌خوانی وجود دارد. به مناسب تقارن هفته‌ی کتاب و کتاب‌خوانی با شماره‌ی ۲ مجله، یادداشت سردبیر این شماره را به این موضوع اختصاص داده‌ایم. این یادداشت با همکاری ابراهیم اصلاحی و لیلا سلیقه‌دار (اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله)، و در قالب نکته‌هایی مجزا تدوین شده است.

## مرتضی مجدر

نوجوان در ایران، از رویه‌ی مشخصی تبعیت نمی‌کنند. بعضی از ناشران در کتاب به گروه سنی اشاره نکرده‌اند و این کار را به مخاطب واگذار می‌کنند. تعدادی هم با عنوانی کلی مانند: «کودک»، «پیش‌دبستانی»، گروه سنی را مشخص می‌کنند. گروهی از ناشران در تعیین گروه سنی، از نظام طبقه‌بندی دو بخشی رایج توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استفاده می‌کنند.<sup>۱</sup>

■ علاوه بر گروه سنی مشخص شده، توانایی دانش‌آموز در انتخاب گزینه‌ی مناسب مهم است. کودکانی که زیاد با کتاب مأمور بوده‌اند و یا از استعداد بهتری برخوردارند، می‌توانند با کتاب‌های گروه سنی بالاتر نیاز ارتباط برقرار کنند. والدین باید مراقب باشند در این زمینه، منطقی و به دور از افراط رفتار کنند.

■ کتاب خوب را می‌توان از طریق نویسنده و ناشر آن هم شناخت. نویسنده‌گان و مترجمان معتبری در حوزه‌ی کتاب‌های کودکان وجود دارند که اگر کمی باحوصله و بی‌گیر باشید، می‌توانید آن‌ها را بشناسید. نویسنده‌گان و مترجمان شاخص، به‌طور معمول اثر خود را به هر ناشری نمی‌دهند. خوش‌بختانه در دو دهه‌ی گذشته، در ایران ناشران فعالی در حوزه‌ی کتاب‌های کودک و نوجوان، پا به عرصه گذاشته‌اند که به تدریج بر اعتبار خود افزوده و توانسته‌اند اعتماد مخاطبان را جلب کنند. اگرچه در این یادداشت نمی‌توانیم اسمی نویسنده‌گان، مترجمان و ناشران معتبر و قابل اطمینان را بیاوریم، اما شناخت آن‌ها هم کار چندان سختی نیست؛ به‌ویژه اگر به همه‌ی ملاک‌های انتخاب کتاب توجه کنیم.<sup>۲</sup>

■ محتوای کتاب، باید متناسب با گروه سنی موردنظر باشد. در رعایت

■ در دنیای امروز، یادگیری به کتاب‌های درسی و مدرسه محدود نمی‌شود. از همه‌ی انسان‌ها در همه‌ی سنین انتظار می‌رود به دنبال یادگیری و دانش‌افزایی باشند. در فرایند تربیت هم، از والدین خواسته می‌شود تا در خانه فضایی به وجود آورند که در آن میل به یادگیری وجود داشته باشد. کتاب، یکی از بهترین ابزارهای ایجاد جو یادگیری در خانواده است.

■ کتاب‌های درسی هر چقدر هم که در آموزش مؤثر باشند، از محدودیت‌هایی برخوردارند. از جمله، مطالب آن‌ها جنبه‌ی رسمی دارند، تفاوت‌های فردی کودکان را لاحظ نمی‌کنند و پاسخ‌گویی همه‌ی نیازهای کودکان نیستند. به این ترتیب، ضرورت‌های زیادی برای مطالعه‌ی کتاب‌های غیردرسی یا آزاد به وجود می‌آید. این نوع کتاب‌ها، اگر شرایط و معیارهای لازم در تهیه‌ی آن‌ها رعایت شده باشد، بهترین منبع برای تحریک کنجکاوی و گسترش دایرۀ تفکر کودکان بوده و به ایجاد و تقویت عادت مطالعه در آنان کمک خواهد کرد.

■ انتخاب کتاب برای دانش‌آموز دوره‌ی ابتدایی، آن‌گونه که به نظر می‌رسد، همیشه کار راحتی نیست. برای انتخاب کتاب مناسب آموخته شود و مبتنی بر تجربه است. برای انتخاب کتاب شناخت کودکان، باید از طرفی کودک و از طرف دیگر کتاب‌ها را شناخت. برای شناخت کتاب‌های مناسب، توجه به این چند نکته می‌تواند راه‌گشای باشد: شناخت گروه سنی، ویژگی‌های مربوط به نویسنده و ناشر، تناسب محتوای کتاب، جاذبه‌های هنری و تصویری کتاب.

■ درباره‌ی شناخت گروه سنی، همه‌ی ناشران کتاب‌های کودک و

که از حداقل ویژگی‌های یک کتاب مناسب، چه از نظر محتوا و چه از منظر هنری و تصویری برخوردار نیستند. این کتاب‌ها، به طور معمول در جاهایی فروخته می‌شوند که مکان اصلی و تخصصی فروش کتاب نیستند. کتاب‌هایی با قطع غیرعادی و بسیار بزرگ، کتاب‌هایی براساس داستان‌ها و متل‌های معروف و کتاب‌های بی‌ارزش و متفرقه کتاب‌هایی هستند که توسط افراد غیرمتخصص نوشته یا ترجمه می‌شوند و بهوسیله ناشران غیرمعتبر به چاپ می‌رسند و مبنای اصلی انتشار آن‌ها فرستاد طلبی و سودجویی است. این کتاب‌ها تلاش دارند نیازهای آنی و لحظه‌ای کودکان را محصور قرار دهند و موجب جلب توجه آنان شوند. کتاب‌هایی که با قطع غیرعادی و بسیار بزرگ چاپ می‌شوند، آن‌هایی که داستان‌های معروف ایرانی و خارجی را اساس قرار می‌دهند و به صورت تحریف شده به چاپ می‌رسند و کتاب‌هایی که متل‌ها را با محتوا و تصاویر ناشیانه عرضه می‌کنند، نمونه‌هایی از کتاب‌های کم‌ارزش هستند.

و اما چند نکته‌ی مهم دیگر:

■ دفتر انتشارات کمک‌آموزشی وزارت آموزش و پرورش، از سال ۱۳۸۰ با اجرای طرح سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی، تلاش کرده است با تعیین ملاک‌ها و استانداردهای مشخص برای کتاب، به معروفی کتاب‌های مناسب نیز پردازد. برای این منظور، این دفتر هر ساله کارهای متعددی را انجام می‌دهد و سال به سال بر کیفیت این کارها می‌افزاید. از جمله: \*

\* کلیه‌ی کتاب‌های منتشر شده در طول یک سال در حوزه‌های گوناگون، جمع‌آوری و توسط کارشناسان برسی می‌شوند. بسیاری از کتاب‌ها به دلیل مناسب نبودن برای دانش‌آموزان، معلمان و خانواده‌ها کار گذاشته می‌شوند. برای کتاب‌هایی که باقی می‌مانند، سه اتفاق زیر رخ می‌دهد:

- تعداد قابل توجهی از این کتاب‌ها با اطلاعات

کتاب‌شناختی کامل و عکس کوچکی از روی جلد کتاب، همراه با نمایه‌های گوناگونی که امکان جست‌وجو و کارهای تحقیقاتی را می‌سرمی‌سازد، در کتاب‌هایی به نام «کتاب‌نامه‌های رشد» به تفکیک دوره‌های تحصیلی منتشر و در اختیار عموم قرار می‌گیرد. با

مراجعته به این کتاب‌نامه‌ها

این تناسب، برانگیخته شدن کنیکاوی کودکان، داشتن موضوع‌های هیجان‌انگیز، داشتن نظم منطقی در ارائه مطلب، هم‌خوانی و هم‌آهنگی بین تصاویر و متن و انتشار متن با حروف درست و خوانا باید مدنظر قرار گیرد.

■ جاذبه‌های هنری و تصویری نیز عامل مهمی در انتخاب کتاب است. شایسته است یک کتاب کودک دارای تصاویر زنده، گیرا و زیبا باشد، به ویژگی‌های فرهنگی مخاطب در تصویرسازی و طراحی توجه کند، با کاغذ خوب به چاپ برسد و کیفیت چاپ نیز مناسب باشد و از صحافی مطلوب و مناسب با حجم کتاب برخوردار باشد.

■ امروزه کتاب‌های جالب و جذاب برای کودکان چاپ می‌شوند. شاید اشاره به همه‌ی آن‌ها در این یادداشت ممکن نباشد، اما به دو نمونه اکتفا می‌کنیم:

● کتاب‌های دانشنامه یا دایره‌المعارف (که با عنوانین فرهنگ، کتاب مرجع و... نیز منتشر می‌شوند)، مجموعه‌ای از اطلاعات جالب توجه را به کودکان ارائه می‌دهند.

● کتاب‌های مجموعه‌سازی شده که به‌طور معمول با یک یا چند شخصیت ثابت، در قالب مجلات متعدد و به موضوعات متنوع می‌پردازند.

■ گاهی در فرآیند تربیت با مسائلی مواجه می‌شویم که کتاب‌ها می‌توانند به حل آن‌ها کمک کنند. به اعتقاد کارشناسان، کتاب‌ها گاهی ارزش درمانی دارند و در حل تعارض‌ها و مشکلات روان‌شناختی مؤثر واقع می‌شوند. به این ترتیب، اگر شناخت درستی از نیازهای کودکان مدرسه داشته باشیم، می‌توانیم کتاب‌های مناسبی را برای آنان انتخاب کنیم. نیازهای عاطفی، ایجاد وابستگی یا تعلق خاطر، محبت مقابله (دوست‌دادشتن و دوست داشته‌شدن)، نیازهای عقلی و زیبایی دوستی از جمله نیازهایی است که کودکان دارند. بدیهی است هر یک از این نیازها، کتاب‌های خاص خود را می‌طلبند.

■ کتاب‌هایی که برای دانش‌آموزان خود تهیه می‌کنید، می‌تواند شامل انواع داستان‌ها، مطالب علمی، آموزش ارزش‌ها یا مهارت‌های زندگی و غیره باشد. اما در بین آن‌ها، کتاب‌های شعر را هم فراموش نکنید.

شعرهای زیبا، جذاب و مناسب، با نیازها و علائق کودکان هم‌آهنگ

است و در جنبه‌های گوناگون می‌تواند برای آنان مؤثر باشد.

■ از خرید کتاب‌های کم‌ارزش و متفرقه هم برای فرزندانتان و هم

برای دانش‌آموزان اجتناب کنید. گاهی کتاب‌هایی عرضه می‌شوند



گفت و گو با حجت‌الاسلام و المسلمین  
دکتر محبی‌الدین محمدیان

کارشناس تعلیم و تربیت قرآنی

# ترپی در قرآن

## اشارة

آشنا ساختن معلمان با اصول اساسی تعلیم و تربیت، از وظایف و کارکردهای اصلی مجلات رشد است. یکی از زمینه‌های بسیار مهمی که لازم است همه‌ی دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت کشورمان به‌طور ویژه با ابعاد گوناگون آن آشنا شوند، تربیت قرآنی و مکتب تربیتی مستتر در آیه‌ها و سوره‌های قرآنی است. هم‌زمان با اعیاد مبارک قربان و غدیر و در جست‌وجوی ویژگی‌های تربیت در قرآن، در این شماره با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محبی‌الدین محمدیان، نه در مقام معاون پژوهشی وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، بلکه به عنوان فردی که بیش از سه دهه در حوزه‌ی تعلیم و تربیت قرآنی فعالیت علمی و عملی داشته است، گفت و گویی انجام داده‌ایم که در پی می‌آوریم.

می‌توان با کتاب‌های مناسب فراوانی آشنا شد.

- تعدادی از این کتاب‌ها که از ویژگی‌های ممتازتری برخوردارند، در پایان کتاب‌های درسی دانش‌آموزان معرفی می‌شود. بنابراین شما می‌توانید با مراجعه به صفحه‌های انتهایی کتاب‌های درسی دانش‌آموزان و فرزندان خود، با این قبیل کتاب‌ها آشنا شوید.

- هر ساله جشنواره‌ای با نام «جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد» برگزار می‌شود و به برترین کتاب‌های حوزه‌های گوناگون جایز و تقدیرنامه‌هایی اعطا می‌شود. بدیهی است کتابی که به این رتبه می‌رسد، حتماً پیشتر در کتابنامه معرفی شده است.

■ توسط ستاد طرح سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی، تاکنون حدود ۴۰ سند در قالب کتابچه‌های مستقل منتشر شده است که در آن‌ها استانداردهای تولید کتاب‌های آموزشی برای موضوعات گوناگون آمده است. نویسندهان و ناشران تولیدکننده‌ی آثار ویژه‌ی کودکان و نوجوانان می‌توانند با مراجعه به این اسناد، کتاب‌های با کیفیت‌تری تولید کنند.

■ در بخش سامان کتاب پایگاه اطلاع‌رسانی رشد کتاب‌های آموزشی از قبیل معرفی آخرین اطلاعات مربوط به کتاب‌های برگزیده، استاد و مدارک مربوط به تولید کتاب‌های آموزشی و برخی نکته‌های خواندنی دیگر آشنا شد.

■ علاوه بر کتاب‌ها، مجله‌های خواندنی و جذابی نیز برای کودکان چاپ می‌شوند. معروف‌ترین مجلات مناسب کودکان که در مدارس نیز توزیع می‌شوند، مجلات رشد هستند. این مجلات توسط دفتر انتشارات کمک‌آموزشی وزارت آموزش و پرورش تهیه می‌شوند. در هر سال تحصیلی، هشت شماره (از مهر تا اردیبهشت‌ماه) از مجلات رشد به چاپ می‌رسد. در دوره‌ی دبستان این مجلات چاپ می‌شوند:

\* **رشد کودک:** ویژه‌ی آمادگی و پایه‌ی اول دبستان

\* **رشد نوآموز:** برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دبستان

\* **رشد دانش‌آموز:** برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دبستان

برای آشنایی بیشتر با مجلات رشد و کسب اطلاعات می‌توانید به پایگاه اطلاع‌رسانی [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir) مراجعه کنید.

مجله‌های دیگری مانند **دوسـت**، **سروش** کودکان، **سلام** بچه‌ها، **کیهان بچه‌ها**... نیز برای کودکان چاپ می‌شوند که آن‌ها را می‌توانید از باجه‌های روزنامه‌فروشی بخواهید. بعضی از روزنامه‌ها هم در روزهای خاصی از هفته، ویژه‌نامه‌ای برای کودکان چاپ می‌کنند.

● **پی‌نوشت**  
۱. کروههای سنتی کودک و نوجوان شامل: (الف) آمادگی و سال اول دبستان، (ب) سال‌های دوم و سوم دبستان، (ب) سال‌های چهارم و پنجم دبستان، (ت) دوره‌ی راهنمایی و (ث) سال‌های دبیرستان. ۲. اولیای تربیتی کودکان و نوجوانان. مجلات رشد هم از همین طبقه‌بندی استفاده می‌کنند.

# میراث

○ آیا می‌شود در جای جای قرآن دنبال مکتب تربیتی گشت یا می‌شود گزاره‌ها و الگوهای تربیتی را صرف نظر از این که خود قرآن به عنوان کتاب هدایت و تربیت است، از آن استخراج کرد؟

● همان طور که همه می‌دانیم اساساً قرآن کریم به عنوان متقن ترین سند و پیام‌های توحیدی اسلامی بوده و اسلام یک مکتب تربیتی برای هدایت همه انسان‌ها است. قرآن، کتاب هدایت و کتاب تربیت انسان‌هاست. پیامبران الهی سه مأموریت مهم را در رسالت خودشان تعقیب می‌کنند. یکی «یتلوا علیهم آیاته»، مرتبه‌ی بعدی «یزکیهم» و در مرحله‌ی دیگر «و یعلمهم الكتاب و الحكمه» است. اگر پیامبر اسلام(ص) آمده‌اند که مکارم اخلاق را به انعام برسانند و انسان‌ها را هدایت کنند، مسیر هدایتی آن‌ها تلاوت آیه، تزکیه‌ی نفوس و تعلیم کتاب و حکمت است. با یادآوری این مقدمات، می‌خواهیم عرض کنم که قرآن کریم کتاب هدایت و کتاب تربیت است. ما از قرآن کریم می‌توانیم آموزه‌های مورد نیاز زندگی را به طور مستقیم استخراج کنیم. یعنی قرآن کریم ناظر به کلیه‌ی حیات انسان است. هم به شئون تربیتی انسان و هم به شئون اقتصادی و فرهنگی انسان‌ها توجه می‌کند و از قرآن می‌شود آیات احکام و درایت‌های حکمی را استخراج کرد. همه‌ی این‌ها در قرآن موجود است. یعنی قرآن ظرفیت استخراج چنین گوهرهایی را دارد. یعنی از بسم الله الرحمن الرحيم «فاتحه الكتاب» تا من الجنه و الناس سوره‌ی ناس می‌توان پیام تربیتی استخراج کرد.

در تک تک آیات قرآن کریم، این روح کلی دمیده شده است. یعنی این کتاب، کتاب هدایت بوده و هدایت انسان‌ها را بر عهده دارد. برخی از آیات به دلالت تطبیقی و برخی از آیات به دلالت التزامی این چنین است. گاهی اوقات آیات به وجوده گوناگون اشاره می‌کنند که یک وجه از آن‌ها، وجه تربیتی است.

○ یکی از سوره‌های قرآن کریم که به طور مستقیم دلالت‌هایی را بر مقام موعظه و تربیت دارد، سوره‌ی لقمان است. در این ارتباط توضیح دهید.

● برخی از سوره‌های قرآن، معروف و مشهور هستند به این که پیام‌های تربیتی در آن‌ها تموج زیادی دارد. مثل سوره‌ی مبارکه‌ی لقمان و سوره‌ی مبارکه‌ی حجرات. البته سوره‌ی مبارکه‌ی حمد و سوره‌ی مبارکه‌ی بقره که آن‌ها هم همین ویژگی‌ها را دارند. ولی گاهی ظهور، ظهور تطبیقی است و گاهی ظهور التزامی. باید به نوعی در قرآن تأمل و تدبیر کرد، چرا که با تدبیر می‌شود پیام‌های تربیتی قرآن را استخراج و استنباط کرد. اگر با رویکرد تربیتی قرآن را تفسیر کنیم، از تک تک آیات قرآن کریم می‌توان این پیام‌ها را دریافت کرد، اما سوره‌ی مبارکه‌ی لقمان همان‌طور که بیان شد پیام‌های مستقیمی را در باب تربیت ارائه می‌دهد.

در این سوره از همان «بسم الله الرحمن الرحيم» اگر بخواهیم آغاز کنیم؛ به نام خداوند بخشنده و بخشایش‌گر. خداوندی که رحمت عام و خاص او شامل مؤمنان و بندگانش می‌شود. مستحضر هستید که بسم الله الرحمن الرحيم نسبت به هر سوره و آیات بعدی که به آن تعلق پیدا می‌کند، معنای خاصی را افاده می‌کند. به همین جهت است که برخی از علماء و فقهاء و مفسرین اعلام‌نظر کرده‌اند که باید در هر سوره، «بسم الله» را به قصد همان سوره قرائت و تلاوت کرد. برخی از فقهاء نیز به همین جهت، حکم کرده‌اند وقتی بعد از سوره‌ی مبارکه‌ی حمد، بسم الله را بیان می‌کنیم، اگر قصد سوره‌ی بعدی را نکرده باشیم. باید اعاده کنیم، الا در سوره‌ی مبارکه‌ی توحید که بسم الله می‌تواند کلید افتتاح آن سوره باشد. «به نام خداوند بخشنده و مهربان» که اگر از «با» بخواهیم پیام تربیتی بگیریم، پیام تربیتی این حرف به تعبیری حرف «جر» بوده و بر آن معانی زیادی است. یکی از معانی این است که تربیت باید با نام خدا شروع شود.

○ آیا این که در اولین سوره‌ی نازل شده (علق) امر می‌کند که اقرأ باسم ربک، این همان معنی استعانت از پروردگار است؟

● بله. درست است و به همین جهت است که گفته‌اند اولین سوره هم که نازل شد یعنی «بسم الله الرحمن الرحيم. اقرأ باسم ربک الذي خلق»، می‌فرمایید که قرائت، تلاوت و خود تربیت باید با استعانت از ربویت خداوند باشد. به عبارتی، تربیت باید هم به نام او و هم به کمک نام او صورت گیرد. یک معنی اش هم که در صفات رحمان و رحیم آمده، این است که رب العالمین بنددهایش را دوست دارد، یعنی تربیت و ربویت و خلق و ایجاد با مهروزی همراه است. از این‌رو او محبوب است. بنابراین تربیت مطلوب بدون عشق و محبت و مهروزی محقق نمی‌شود. ظهور حق تعالی در اسماء الحسنی است و اسماء الحسنی همیشه پیام تربیتی دارد. اسماء الحسنی خداوند متعال سازنده و تربیت‌کننده

### ○ بهره‌گیری به چه معناست؟ آیا بهره‌گیری، به این معنا است که متخلق به این صفات شده و سهمی از آن در زندگی روزمره‌ی خود داشته باشیم؟

- انسان دارای مراتبی بوده و لایه‌های وجودی انسان متعدد و متکثر است. به تعبیری، انسان شئون بسیاری در حیات خودش دارد. انسانی کامل و متعادل است که بتواند همه‌ی این شئون را در خودش پرورش دهد. یعنی به یک تربیت متوازن دست پیدا کند. کسانی هستند که شما می‌بینید در دایره‌ی زهد موفق هستند، ولی در دایره‌ی جهاد، یک مجاهد نیستند. اهل عرفان بوده و امور رقیقه را کسب می‌کنند اما اهل شداد و غلاظاً با دشمنان خدا نیستند. بعضی‌ها هم در امور علمی، آدمهای موفق و محکمی هستند، اما از حس و عاطفه بهره‌ی کمی برداشتند. هیچ‌کدام

از این انسان‌ها، متوازن و متعادل اسلامی نیستند. انسان‌های اسوه، نمونه و الگو که انبیای الهی و پیامبر خاتم(ص) که نمونه‌ی اعلا می‌باشد، کسانی هستند که همه‌ی این وجهه را در خودشان دارند. در میدان نبرد مجاهدند. در میدان علم عالم هستند. در میدان تفکر، متفکر و عاقلاند. در میدان حس و عاطفه، خلیق و مهربانند. در اجتماع، یک انسان اجتماعی هستند و در خلوت یک عارفند. وقتی دعای کمیل امیرالمؤمنین علی(ع) را می‌شنوید یا می‌خوانید، فکر می‌کنید که گوینده‌ی این سخن، کاری نداشته جز این که در زاویه‌ی طریقت نشسته باشد و با خداوند مناجات کند. در حالی که امیرالمؤمنین علی(ع) را در میدان کار و تلاش و مجاهدت می‌بینید که یک انسان محکم است. اگر کسی از همه‌ی ابعاد وجودی امیرالمؤمنین علی(ع) باخبر نباشد، او را به درستی نشناخته است. وقتی ایشان را در میدان نبرد می‌بینید، کسی است که فقط زور بازو داشته و دل شیر دارد. اما وقتی با یک یتیم صحبت می‌کند، اشک می‌ریزد. این‌ها همان توازن روحی را نشان می‌دهد. انسان وقتی در چنین مکتبی تربیت شد، باید این روحیه‌ی توازن را داشته باشد. مربی این مکتب تربیتی «الله» است که جمیع صفات کمالی را دارد.

### نتیجه‌های عملی چنین تفكیری چه خواهد بود؟

• انسان‌هایی که می‌خواهند از سوی خداوند متعال خلافت کنند، یعنی از طرف خداوند مدیریت تربیتی و معلمی و مربی‌گری کنند، باید این برجستگی‌ها را داشته باشند و این صفات در وجودشان به اندازه‌ی ظرفیت و طاقت‌شان ظهرور بیدا کند. درباره علی(ع)، هر انسان عاقلی می‌گوید، «متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را». یعنی می‌ماند. چرا؟! چون وقتی خودش را نگاه می‌کند، می‌بیند خودش متوازن و متعادل نیست، پس با همه‌ی دانش و بینشی که دارد، در مقابل امیرالمؤمنین علی(ع) حیران می‌شود. این سخن را یک فرد عادی و عامی نمی‌گوید. عارف شامخی که این جمله را برای امیرالمؤمنین علی(ع) می‌گوید، یک انسان عادی نیست. وقتی ابعاد وجودی حضرت علی(ع) را حلاجی می‌کند و شخصیت این معلم بزرگ را ورق به ورق مطالعه می‌کند، احساس می‌کند که برجستگی‌های ویژه‌ای در امام علی(ع) وجود دارد. این برجستگی‌ها در تعبیر مکتب تربیتی اسلام، تجمیع صفات الهی در وجود حضرت علی(ع) است. هر کس مقام کمالی بالاتری دارد، یعنی کمالات الهی زیادتری دارد، نسبت به دیگران اعجاب‌آور است.

در مکتب تربیتی، تربیت انسان‌ها باید به دست این انسان‌ها اتفاق بیفتد که ولی الله اعظم هستند. چرا که صفات الهی را که از آن بهره گرفته‌اند به دیگران هم منتقل کنند. و الا اگر آدم‌هایی که کامل نیستند، عهددار تربیت انسان‌ها باشند؛ نمی‌توانند آن‌ها را تربیت کنند. گوهرشناس می‌خواهد تا وجود انسان‌ها را تراش دهد و اگر گوهرشناس نباشد و این جنس را نشناسد، به جای تراشیدن، می‌خرشد. لذا تربیت به اعتقاد من مانند زرگری است. مسگر و زرگر هر دو چکش می‌زنند. اما مسگر می‌کوبد و زرگر با لطفت می‌سازد. تربیت یک کار ظرفی است.

### به مصداق قرآنی این موضوع اشاره می‌کنید؟

• در آیه‌ی دوم از سوره‌ی مبارکه‌ی لقمان، اشاره به خود قرآن کریم می‌کند: «تلک آیات الكتاب الحكيم». این‌ها آیات کتاب حکیم است. حکمت یا حکیم بودن کتاب قرآن را توصیف کرده است. یعنی در برنامه‌ی انسان‌ساز خداوند هیچ گزافی نیست. بیهودگی و سستی وجود ندارد. هرچه بیان شده است، محکم است. خودش هم آیات و کتاب است. کتاب هم به معنای مکتوب، یک معنای تقبیث شده است. تربیت انسان‌ها با آیات و نشانه‌های قرآن کریم اتفاق می‌افتد. نشانه‌های تثبیت شده و قطعی شده‌ای که تردیدی در آن نیست. با نسخه‌ها و فرضیه‌ها یا تئوری‌هایی که هنوز خودشان را ثابت نکرده‌اند، نمی‌شود انسان را تربیت کرد. کدام مکتب تربیتی می‌تواند با این قطعیت خودش را تثبیت شده اعلام کند. مگر می‌شود با حرف و حدیث‌های تردید‌آمیز شری، آینده‌ی انسان‌ها را تباہ کرد. انسان‌ها مگر چندبار زندگی می‌کنند که به فرضیه‌های بشری دل خوش کرده و به مسیری بروند که پایان آن ظلمت است.

برنامه‌های تربیت شده، مکتوب و محکم و مستحکم نباشند، چگونه می‌توان بر پایه‌ی آن حیات را بنا کرد. مگر می‌توان به ارائه‌ی برنامه‌های تربیتی غلط میاردن و زرید و یا کوکد کی را به امید این که خودش راه هدایت را تجربه می‌کند، رها کرد. مثلاً برای این که بچه‌ی ما به پشت‌بام برود، هندوانه‌ای به پشت‌بام برد و قاچی از آن را به فرزندمان می‌دهیم تا خورده و بفهمد چقدر لذیذ و شیرین است. حالا به او می‌گوییم: «آدم نباید برود پشت‌بام و گرنه می‌افتد و می‌میرد» و سپس هندوانه را از آن جا به پایین پرتاب می‌کنیم و به بچه بگوییم، آدم هم همین است. باید به پشت‌بام برود، اگر بیفتند مانند این هندوانه از بین می‌رود. مگر می‌شود به این بچه بگوییم خودت از پشت‌بام به پایین بپر تا تجربه کنی که از بین می‌روی؟ مگر هر تجربه‌ای قابل برگشت است؟! اصلاً کودک زنده نمی‌ماند. ما چگونه دستمن را به دست آدمی بدھیم که برای بار دوم این کار را انجام ندهد؟

چگونه می‌شود دستمن را به کسی بدھیم که برنامه‌های تربیتی محکمی ندارد و نمی‌تواند ما را به مقصد برساند؟ آیا عمری برای برگشتن و شروع دوباره داریم؟ به همین دلیل است که هدایت انسان‌ها باید براساس کتاب و آن هم کتاب حکیم باشد.

# پژوهش پردازش آموزی!

## آشنا

از جام پژوهش و مجهزبودن به تفکر پژوهشی برای هر یک از اصحاب تعلیم و تربیت، امری روشن است و ضرورت آن پیش از هر امر دیگری مود قبول است. در این میان، صاحب نظران مناسب‌ترین آغاز را در راه آموزش، پژوهش دوران کودکی دانسته‌اند تا خمیر مایه‌ی تفکر پژوهشی در آن ایجاد شده و شکل گیرد. چگونه می‌تواند نقش خود را به درستی به مهارت‌های پژوهشی مجهز کرد؟ مناسب‌ترین فعالیت‌ها در این زمینه، چگونه باید شکل بگیرد؟ خانواده در این میان چه نقشی دارد و چگونه می‌تواند نقش خود را به درستی ایفا کند؟ این سؤالات و دهه نمونه از این دست، تشکیل دهنده دوین بخش از سلسله مطالب دانش آموز، خانواده و تفکر پژوهشی است.

«روز سختی را پشت سر گذاشته بودم. جاهای بسیاری باید می‌رفتم و دست آخر هم با یک تلفن از عمه‌ی دخترم، قرار شد امشب مهمان داشته باشیم. دوست داشتم کمی استراحت کنم، ولی از ترس این که مبادا زمان لازم برای تهییه کردن غذا و پذیرایی از مهمانان را از دست بدهم، فوراً شروع به کار کردم. دخترم که از مدرسه آمد، کلی تعریف و تمجید از مدرسه داشت. بعد هم با افتخار اعلام کرد تابلوی را که من در آن تحقیقی در مورد سه رابطه‌ی سپهری انجام داده‌ام و او به مدرسه برد بود، اول شده است.

خوب، خوشحال شدم. فکر می‌کردم قضیه به همینجا ختم شده است. اما او ادامه داد، حالا قرار است فردا برنامه‌ای در سطح منطقه برگزار شود و خانم معلم از من خواسته است تا تحقیق را کامل کنم و آن را در یک جزوی حدائق ۲۰ صفحه‌ای ارائه دهم. با نگرانی و ناراحتی گفتمن: «فردا؟ ولی این که ممکن نیست!»

درست یاد روزهای مدرسه‌ی خودم افتادم و دلشورهایی که برای انجام تکالیف داشتم، دخترم از ناراحتی من تعجب کرد و جواب داد: «خوب، این که کاری نداره. مگه شما برای درست کردن تابلو، تحقیق نکرده بودید؟ حالا باید همان‌ها را روی کاغذ بنویسی.» می‌خواستم بگویم که من مطالب را به صورت حاضر و آماده از اینترنت گرفته بودم، حالا بهتر است خودت این کار را انجام دهی. ولی یاد آمد که او هنوز کار با اینترنت را نگرفته است.»

شاید شما هم حالت و احساس این مادر را تجربه کرده باشید. و البته ممکن هم هست که مادران و پدران دانش‌آموزان شما از این نوع تجربه‌ها داشته باشند. در هر حالت، امروزه انجام پژوهش‌های دانش‌آموزی از این نوع به محضی تبدیل شده است که گریبان هر خانواده‌ای را می‌گیرد. در این شرایط، پژوهش دانش‌آموزی به پژوهش غیردانش‌آموزی تبدیل می‌شود. چرا چنین شرایطی فراهم شده است؟ آیا راههایی برای مهار این وضعیت وجود دارد؟ در این صورت مناسب‌ترین راه چیست؟

## عوامل مؤثر در ایجاد شرایط پژوهش غیردانش‌آموزی

عوامل بسیاری در ایجاد این شرایط دخیل هستند. تعدادی از این موارد به معلم مربوط است و تعداد دیگری به دانش‌آموز، و البته انتظارات نظام آموزشی هم در شکل‌گیری چنین رویدادی بی‌تأثیر نیست. گاهی هم برخلاف انتظار، این خانواده‌ها هستند که موجب چنین موقعیت‌هایی می‌شوند. در زیر به طور خلاصه مهتم‌ترین عوامل ذکر می‌شود:

### ۱. عدم تناسب تکلیف در نظر گرفته شده با توانایی دانش‌آموز

دانش‌آموزی را تصور کنید که برای جمع‌آوری اطلاعات در یک موضوع خاص، از مهارت بالایی برخوردار نیست. برای مثال از او خواسته شده است تا برای نمایش مشاهدات خود از تابلوی مغناطیسی استفاده کند و اونمی‌داند که چگونه باید این کار را انجام دهد. یا این که درباره‌ی موضوعی از کتاب‌های گوناگون اطلاعاتی را گرد آورده، در حالی که با راه جمع‌آوری اطلاعات آشنا نیست. هنگامی که دانش‌آموز با چنین موقعیت‌هایی مواجه می‌شود، بدیهی است



غیردانشآموزی  
تبدیل شود.

است که برای این کار به افرادی مراجعه می‌کند که بتوانند این کار را برای او انجام دهند.

البته خانواده‌هایی نیز هستند که بیش از فرزندان خود به نحوی انجام فعالیت‌های درسی وی حساس هستند و با تصور این که ممکن است او نتواند به شایستگی از پس انجام آن برآید، پیش از او اقدام می‌کنند



#### ۲. عدم تناسب پژوهش با علاقه‌ی دانشآموز

طبعی است که بسیاری از فعالیت‌هایی که ما در طول زندگی خود انجام داده و می‌دهیم چندان مطابق میل ما نیستند، اما برای رسیدن به هدف، گریزی از انجام آن‌ها نیست. برای مثال، شاید انجام فعالیتی که زمان زیادی را می‌طلبد، به تنها یک کار جذابی برای دانشآموزان نباشد، یا این که ممکن است رفتن به مکانی ناشاخته و یا مصاحبه با فردی که دانشآموز سابقی آشنایی با او را ندارد؛ برای وی جالب نباشد. در چنین مواردی ایجاد انگیزش‌های دیگر و نیز فراهم ساختن شرایطی دلنشیں در انجام کار می‌تواند تأثیرگذار باشد. در صورتی که این راههای تکمیلی رعایت نشوند، غیر از سربازشدن از انجام فعالیت تنها گزینه‌ی پیش روی می‌تواند کمک گرفتن از خانواده و یا حتی جای‌گزین کردن آنان برای انجام تکلیف پژوهشی باشد.



#### ۵. ظاهر غول‌آسای تکلیف پژوهشی

وقتی تکلیف پژوهشی به گونه‌ای در کلاس معروفی می‌شود که دانشآموز تصور می‌کند انجام آن، کار هر کسی نیست و فقط عده‌ای می‌توانند آن را به درستی انجام دهند، در این حالت کمک گرفتن از دیگران معقول به نظر می‌رسد. در حالی که اگر فقط یک بار امکان انجام آن تکلیف و یا فعالیت مورد انتظار در کلاس وجود داشته باشد،



#### ۳. عدم تناسب وسائل و امکانات موردنیاز برای انجام فعالیت با امکانات دانشآموز

ممکن است انجام فعالیت، نیازمند وسائلی باشد و یا شرایطی را بطلید که استفاده از آن‌ها تحت اختیار دانشآموز نبوده و با امکانات او تناسب نداشته باشد. برای مثال فعالیتی باید در یک محیط باز و با استفاده از مشاهده‌ی درختان انجام شود، در حالی که دانشآموز نمی‌تواند در چنین محیطی قرار گیرد. یا این که دانشآموز باید با کمک ابزار نجاری ساده تخته چوبی آماده کرده و با بهره از پارچه، تابلوی نمایشی را بسازد، اما امکانات مورد نیاز را در دسترس نداشته باشد. در هر صورت هنگامی که دانشآموز نتواند به وسائل و امکانات لازم برای انجام فعالیت دسترسی داشته باشد، ناگزیر از دیگران می‌خواهد تا این کار را برای او انجام دهند و تکلیف پژوهشی دانشآموز به تکلیف

## ۷. دخالت نمره در انجام فعالیت پژوهشی

گاهی برای این که نتیجه‌ی بهتری از انجام فعالیت پژوهشی خارج از کلاس به دست آید، معلمان نمره‌ای را برای آن در نظر می‌گیرند. این کار هر چند می‌تواند به انجام مطلوب فعالیت منجر شود، اما از آن جا که مقصود از تکلیف، ایجاد بستری مناسب برای تعمیق، گسترش و یا آماده‌سازی یادگیری دانش آموز است و همراهی نمره با آن، اضطراب کسب نمره‌ی بالاتر را در دانش آموز ایجاد می‌کند؛ لذا انجام فعالیت موردنظر را با این شیوه از دست‌یابی به هدف تکلیف دور می‌کند و در برخی موارد برای ایجاد آرامش و اطمینان از کسب نمره‌ی بالا، دانش آموز را به کمک گرفتن از سایرین وادار می‌کند.

## ۸. رقابتی کردن و مسابقه‌ای بودن تکلیف پژوهشی

در برخی موارد نیز انجام فعالیت پژوهشی به منظور شرکت در یک مسابقه و یا به منظور برگزاری نمایشگاه و یا کافرانس‌های دانش آموزی است که رقابت بین آن‌ها هدف نهایی است. در چینی‌خانه اولین آسیب به تمرکز فعالیت‌های بر کمیت، بیشتر از کیفیت است. اغلب آثار جمع‌آوری شده در این مسابقات در دانش آموزان با سینمای پاپیون‌تر، از ظاهری پرفریب برخوردار است در حالی که در بسیاری از آنان یادگیری و یا مهارت‌ورزی خاصی در دانش آموز اتفاق نیفتاده است. به طور کلی رقابتی کردن هر نوع فعالیت که با مقصود یادگیری انجام می‌شود، می‌تواند لطمہ‌ی بزرگی به همراه داشته باشد و آن، عدم ایجاد یادگیری در دانش آموزان است. در اینجا ایجاد رقابت در انجام فعالیت‌های پژوهشی، قوی‌ترین انگیزه را برای کمک‌گرفتن از سایرین به منظور کسب رتبه‌های بالاتر ایجاد می‌کند. معمولاً فعالیت‌هایی از این دست بنا به درخواست مسئلان و بیشتر موقع به منظور نمایشی از فعالیت‌های دانش آموزان برای افراد خارج از مدرسه انجام می‌شود. این در حالی است که آثار فعالیت‌های انجام شده به این ترتیب، به هیچ عنوان نمایان گر فعالیت‌های دانش آموزی نیستند. زیرا به تدریج و طی زمان آموزش و یادگیری، جمع‌آوری نشده‌اند و در واقع کارهای سفارشی هستند که تنها می‌توانند توجه عده‌ای را به خود جلب کند.

از آن‌چه مطرح شد، می‌توان نتیجه گرفت که بسیاری از آسیب‌های مربوط به انجام تکالیف پژوهشی به مواردی مربوط می‌شود که تحت کنترل مدرسه و معلم است و بنابراین برای رفع آن‌ها، نیازمند توجه ویژه برای شناسایی دلایل و عوامل هستیم. روشن است که عوامل مربوط به این مسئله تنها به عوامل ذکر شده محدود نمی‌شود و بنا به شرایط گوناگون می‌توان به ده‌ها عامل دیگر اشاره کرد. در این میان پرقدرت‌ترین عامل برای رفع موانع مربوط به یادگیری دانش آموزان از راه انجام تکلیف پژوهشی، معلم است. او می‌تواند فارغ از هرگونه ظاهرسازی فریبنده و تنها با تکیه با هدف والا یادگیری دانش آموز، از انجام فعالیت‌هایی که از این هدف به هر علتی دور هستند، پرهیز کند و به این ترتیب شاهد تأثیرگذاری بیشتر تکالیف پژوهشی در دانش آموزان باشیم.

در این صورت این ظاهر ناممکن آن از بین خواهد رفت. برای مثال از داشت آموزان خواسته می‌شود با دو نفر از اطرافیان خود درباره‌ی موضوعی معین مصاحبه کنند. بدیهی است برای افرادی که تجربه چنین فعالیتی را نداشته‌اند، انجام این کار چندان ساده به نظر نمی‌رسد.

## ۶. عدم ایجاد جذابیت یادگیری از راه‌های گوناگون در دانش آموزان

گاهی یک راه و یا چند راه محدود توسط معلم به دانش آموزان معرفی شده و همواره از همان راه‌ها برای گسترش مهارت‌ها و یادگیری دانش آموزان استفاده می‌شود. در این صورت دانش آموزان با شیوه‌های گوناگون یادگیری کمتر آشنایی پیدا می‌کنند و به همین دلیل هنگامی که راه تازه‌ای برای انجام تکلیف پیش‌روی خود می‌بینند، رغبت چندانی به انجام آن نشان نمی‌دهند و به این ترتیب پای نفرات بعدی به میان می‌آید. برای نمونه، دانش آموزانی که همواره برای انجام تکلیف درس ریاضی به حل کردن نمونه سوالات دعوت می‌شوند، هنگام مواجهه با این تکلیف که باید برای حل مسئله، زیرسؤال رفته و تلاش کنند دست کم اولین تجربه‌ها را با بزرگ‌ترها تجربه کنند. این در حالی است که دانش آموزانی که همواره در معرض روش‌های متعدد قرار می‌گیرند، به مراتب چنین احساسی را کمتر تجربه می‌کنند.



# دست در دست هم



## دھیم به مهر

گزارش: فاطمه خرقانیان

### گزارشی از بازارچه خیریه بنیاد رشد در تهران

#### اشاره

وقتی از مدرسه‌سازی سخن به میان می‌آید، خیران مدرسه‌سازی به ذهنمان متبار می‌شوند که با نیات گوناگون اقدام به انجام چینین امر نیکی می‌کنند. شاید بتوان از مجموعه‌ی مدارس رشد (بنیاد رشد) با این عنوان یاد کرد، که با نیتی آموزشی پای در این مسیر نهاده است. بنیاد رشد، مجتمع غیردولتی در منطقه‌ی یک تهران است که از پیش‌دبستان تا پیش‌دانشگاهی دانش‌آموز دارد. اما آن‌چه این مهم را محقق ساخته، بیش از هر چیز خواست مسئولان مدرسه و گام‌نهادن در مسیر تجمیع توان‌مندی‌های موجود و بهره‌گیری از امکانات بالقوه‌ای است که به واسطه‌ی فعالیت در این منطقه از تهران میسر گردیده است. آن‌چه در این مجتمع خودنمایی می‌کند، هدایت فعالیت‌های خیریه برای تعلیم و تربیت و رشد مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموزان است. بنیاد رشد «انسان» ساختن و «انسانی» تربیت کردن را بر صدر هدف‌های خود نشانده است، هدفی که از دستانی کوچک و خالی، همتی عالی و متعالی می‌سازد.

است، پوشک می‌آورد. فرد دیگری در کار فرش است، فرش می‌آورد و بقیه کالاهای هم با همین شیوه تأمین می‌شود. پس از فروش، بعضی



خانواده‌ها سرمایه‌ی اولیه‌ی خود را برمی‌دارند و سود فروش را برای کار خیر می‌پردازند و بعضی دیگر کل مبلغ را به خیریه اهدا می‌کنند. در



خانواده‌ها در این طرح مشارکت جدی دارند

بیاران می‌بارید، گاه تند و گاه نهنم، داخل حیاط دویدم تا کمتر خیس شوم. در پی بازارچه‌ی خیریه‌ای بودم که بنا بود به مدت سه

روز در بنیاد رشد بريا شود و عواید آن صرف مدرسه‌سازی شود. وقتی وارد چادرهای تودرتونی بازارچه شدم، همه سخت مشغول کار بودند، هر کس گوشه‌ای از کار را گرفته بود، از مادرانی که اغلب جوان بودند،

تا بچه‌های دبستانی، راهنمایی و دبیرستانی و البته تعدادی از پدرها.

پرس‌وجو کردم تا بیکی از دست‌اندرکاران بازارچه گپوگفتی داشته باشم. دوستی با اشاره فردی را به من نشان داد و گفت: «این آقا

را که می‌بینی، مهندس راه و ساختمان و صاحب یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های راه‌سازی کشور است، اما این روزها کارش را رهای کرده

و در تدارک بازارچه می‌کوشد.» بنابراین از آقای بهبودی، درباره‌ی چگونگی شکل‌گیری بازارچه پرسیدم. او گفت: «به یاری خدا و همت

دوستان و کمک آقای خوش‌دست - مدیر مدرسه - خیریه‌ی مهر و دوستی پیش‌دبستان را راه انداختیم و با انتشار فراخوان در ابتدای سال

تحصیلی، والدین علاوه‌نداز را به همکاری دعوت کردیم. از همان زمان نیز برنامه‌ریزی کردیم و برنامه‌های متنوعی داشتیم که از جمله آن‌ها بازارچه خیریه است.»

خانم حاج کاظم از مادرانی است که در شکل‌گیری بازارچه نقش دارد، او درباره‌ی سرمایه اولیه‌ی کار، خاطرنشان می‌کند که: «سرمایه‌ی اولیه کار را خانواده‌ها تأمین می‌کنند. هر کس بنا به شغلی که دارد، اجنس اولیه را تهیه می‌کند. مثلاً کسی که در کار پوشک

اعتقادی کار ماست. اما فضای فعالیت‌های اجتماعی نیز منجر به رشد برخی مهارت‌ها در بچه‌می شود. ارتباط با هم‌سالان، گروه‌ها، تجربه‌ی



مدیریت، رهبری، مسئولیت‌پذیری، همه از مهارت‌هایی است که در روند انجام امور خیر، درون بچه‌ها شکل می‌گیرد، در بازارچه، بچه‌ی دبستانی خود، غرفه‌دار است. پول می‌دهد، پول می‌گیرد، هر لحظه، جمع، تفرقی، ضرب و تقسیم می‌کند. در چنین شرایطی می‌فهمد نباید سر مردم کلاه بگذارد، باید جنس خوب بفروشد، و همه‌ی این‌ها یعنی آموزش مکارم اخلاق.»

### در تکاپوی انسانیت

مسکنی با تأکید بر این که فعالیت‌های خیریه مدرسه در حمایت والدین نیز هست، خاطرنشان کرد: «ما معتقدیم همه‌ی ابعاد رشد، رشد فرهنگی، هنری، مذهبی، ورزشی، اخلاقی، اجتماعی، علمی و سیاسی باید با هم در دانش‌آموز تجلی یابد. فرض کنیم دانش‌آموزی تبدیل به مهندسی ماهر شد اما به خاک کشورش تعلق خاطر نداشت، تعهد به کار نداشت یا به هنگام نیاز دست پدر و مادر خود را نگرفت. حاصل این



مدرک مهندسی چیست؟! ما فکر می‌کنیم، امروز خانواده‌ها این نیاز را احساس کرده‌اند و می‌خواهند که فرزندانشان انسان تربیت شوند، لذا به اقدامات مدرسه علاقه‌مندند و استقبال می‌کنند.»

**هر کس به اندازه‌ی سهمش می‌لاد و حمتو** یکی از فارغ‌التحصیلان بنیاد رشد، که اکنون

بازارچه انواع گوناگونی از کالاهای از قبیل، وسائل منزل، وسایل ورزشی و بهداشتی نیز موجود است. بسیاری از مادران هم خودشان آشپزی می‌کنند و غذای تهیه شده را برای فروش به بازارچه می‌آورند.»

### گام اول: اطلاع‌رسانی

خانم مهرانه عبداللهی (آگهی) کارشناس مدیریت و برنامه‌ریزی و نماینده‌ی امور خیریه‌ی رشد است. او که سومین سال فعالیت در مؤسسه‌ی رشد را می‌گذراند، با شور فراوان از صرف هزینه‌های بازارچه در سال‌های گذشته می‌گوید: «با درآمد بازارچه‌ها، یک مدرسه در مراوه تپه‌ی استان گلستان ساختیم، با پدرها و مادرها به آن جا رفتیم و مدرسه را افتتاح کردیم. هنوز یاد آن جا که می‌افتم، حال خوبی پیدا می‌کنم. دوست دارم همیشه آن جا باشم،» به این جای کلام که رسید، برق اشکی را دیدم که از سر نوع دوستی در چشمانش می‌درخشید. او با محبتی خاص ادامه داد: «در روستایی در اطراف میناب استان هرمزگان مدرسه‌ی دیگری ساختیم که به زودی برای افتتاح، به آن جا خواهیم رفت. برنامه داریم تا در روستایی به نام یکه توک و چند روستای دیگر هم مدرسه بسازیم.»

«ایا واقعاً با درآمد یک بازارچه خیریه می‌توان مدرسه ساخت؟»

این پرسشی بود که از خانم آگهی داشتیم. وی گفت: «با درآمد بازارچه، همکاری بنیاد رشد و کمک والدین به هدفمان می‌رسیم. اولیایی بودند که چنین کاری را قبول نداشتند، ولی به واسطه‌ی سفرهایی که صورت گرفت و مشاهده‌ی شرایط و محیط از نزدیک، خود متقبل ساخت یک مدرسه شدند. فکر می‌کنم در این راه، تبلیغات و فرهنگ‌سازی خیلی مهم است، بعضی افراد در جریان نیستند. اما وقتی مطلع می‌شوند، از هیچ کمکی مضایقه نمی‌کنند.»

حاشیه‌ی این بازارچه با برنامه‌های دیگری همراه بود، جنگ شادی، جشنی بود که برای ایجاد روحیه‌ی نشاط و شادی در جم جم دانش‌آموزان دبستانی فراهم شد تا پس از پایان جنگ بچه‌ها به همراه والدین خود وارد بازارچه شوند. هم‌چنین یکی از پیگاه‌های انتقال خون در حیاط مدرسه مستقر شده بود تا اهدا کنندگان خون بگیرد.

### رویکرد مهارتی

بنیاد رشد دارای مؤسسه‌ی خیریه‌ای است که مجموعه‌ی مدارس آن از دبستان تا پیش‌دانشگاهی، سیاست‌های فرهنگی خود را از این مؤسسه می‌گیرند. آقای مسکنی که مدیریت مؤسسه‌ی خیریه را به عهده دارد، در ارتباط با راهبرد مدرسه از بی‌گیری امور خیریه گفت: «ما بدبال کردن امور خیریه، به دنبال رویکرد تربیتی و آموزشی هستیم. همواره اعتقاد ما بر این بوده که وقتی به کسی کمک می‌کنیم، قبل از هر چیز به خودمان کمک کرده‌ایم. وقتی دانش‌آموزی کنار والدیش کار خیر می‌کند، آموزش خودبه‌خود درون او شکل می‌گیرد. این بعد

## وقتی انار شیرین می‌شود...

از دیگر فعالیت‌های خیریه‌ی دوره‌ی ابتدایی می‌توان جشن قلک‌ها



و هدیه‌ی شب یلدا را نام برد.

**جشن قلک‌ها:** دستان رشد، قلک‌هایی را در اختیار بچه‌های ابتدایی قرار داده است تا از پول توجیبی خود، روزانه مبلغی برای کمک به محرومان پس انداز کنند. در پیان سال تحصیلی در یک روز معین، همه‌ی بچه‌ها قلک‌ها را به مدرسه می‌آورند و می‌شکنند. بچه‌ها شکستن قلک‌ها را جشن می‌گیرند، قلک‌های شکسته‌ای که، دل شکسته‌ی کودکانی را پیوند خواهد زد.

**هدیه‌ی شب یلدا:** سال قبل به مناسبت شب یلدا، هر یک از داش آموزان ابتدایی مقداری آجیل تهیه کردند. پول جمع کردن و انار خریدن. سپس نمایندگان آن‌ها خوارکی‌ها و نامه‌های بچه‌ها را به مدرسه‌ای در شهرستان ورامین برداشتند تا تعدادی از همسن و سالان خود را در شادی شب یلدا سهیم کنند. گویا که سال قبل برای داش آموزان ابتدایی رشد ترشی طعم انار، شیرین می‌نمود.

## آرزوی من، خوشبختی توست!

می‌خواستم بدانم که در نهایت، فعالیت‌های مدرسه چقدر روی داش آموزان اثرگذار است، که **میلاد رحمتی** از تجربه‌هایشان در این خصوص گفت: «چند سال پیش به منطقه‌ای محروم رفتم و مستندی ساختم. از یک بچه روستایی مصاحبه گرفتم. در آن فیلم کیف، دفتر، نمره‌ها و فضای زندگی او را دیدیم. سپس مستند را به بچه‌های رشد نشان دادم و مشابه همان سوال‌ها را از بچه‌های رشد پرسیدیم. وقتی دیدند که همسن و سالانشان با چه وضعیتی زندگی می‌کنند، در پاسخ به سوال من که پرسیده بودم: «آرزوی تان چیست؟» گفتند: «آرزویمان

این است که همه‌ی بچه‌ها بتوانند مثل ما خوب زندگی کنند.»

یکی از بچه‌ها گفت: «آرزویم این است که بتوانم به آن‌ها کمک کنم تا بهتر زندگی کنند.» به نظر می‌رسید بلندنظری و خیش انگیزه‌های انسانی از خروجی‌های عملکرد مدرسه باشد. شاید روزی بررسد که هر داش آموز جاری‌کننده شمیم تعالی و سازندگی و بالندگی در فضای کشور شود.

در مؤسسه‌ی خیریه مشغول به فعالیت است، از شیوه‌های اقدامات گوناگون بنیاد خیریه رشد، به قرار زیر نام می‌برد:



**اکرام ایتمام:** بنیاد رشد شناسنامه‌ای از یتیمان دارد که بچه‌های مدرسه از میان آن‌ها افرادی را برمی‌گزینند و ماهیانه به آن‌ها کمک‌هایی اهدا می‌کنند و یا این که واسطه می‌شوند تا خانواده‌ها، اقوام و آشنايان سرپرستی این کودکان را به عهده گیرند. گاه دانش‌آموزی که خود سرپرست یتیم نیست با پخش کردن برگه‌ها و معرفی ایتمام باعث درگیر شدن تعداد زیادی از افراد می‌شود و این یعنی، تعداد زیادی یتیم تحت پوشش هم‌چنین بچه‌ها سالانه با یکدیگر نامه‌نگاری دارند و میانشان ارتباط عاطفی شکل می‌گیرد. در این نامه‌نگاری‌ها که داش آموزان ابتدایی با اندوه کودکان یتیم هم‌دلی می‌کنند،طعم محبت والدین برایشان چشیدنی تر خواهد بود.

**بازدید از مناطق محروم:** با فراخوان مدرسه، اولیای داوطلب داش آموزان ابتدایی به همراه فرزندان خود به بازدید از مناطق محروم می‌روند. این بازدیدها اغلب از مناطقی صورت می‌گیرد که بچه‌های تحت تکلف خانواده‌ها در آن‌جا حضور دارند و یا سفر برای افتتاح



مدارسی است که با حمایت خانواده‌ها ساخته شده است. در این سفر پدر و مادر دو شادوش فرزند، محرومیت را المحس می‌کنند و در اوج اندوه، انگیزه‌های روشن ساختن و همدلی درو نشان ریشه می‌داند. پزشکان، بیماران را طلبات می‌کنند، مهندسان نقشه طراحی می‌کنند و همه به ساختن می‌اندیشند. هر کس به اندازه‌ی سه‌مش، حتی بچه‌های دبستانی!

# یاددهی- یادگیری فعال در آموزش محیط‌زیست

زری آقاجانی

## اشاره

در شماره‌ی گذشته، نخستین بخش از سلسله مطالب فقط یک زمین داریم را خواندید. در مطلب قبلی، بیشتر به بیان کلیات پرداختیم و سرفصل‌هایی را که می‌تواند در آموزش محیط‌زیست مدنظر قرار گیرد، بررسی کردیم. در این شماره چگونگی استفاده از روش‌های فعال یاددهی- یادگیری در آموزش محیط‌زیست به بحث گذاشته شده است.

تا آن‌جا که بزرگان تعلیم و تربیت اذعان می‌دارند، کودکان زمانی یاد می‌گیرند که انگیزه‌ی یادگیری در آن‌ها به وجود آید، در این صورت است که به گونه‌ای فعال به یادگیری می‌پردازنند.

## یادگیری نیازمند مشارکت فعال و سازنده‌ی یادگیرنده است

هوش بدنی- جنبشی  
هوش برون‌فردي  
هوش درون‌فردي.  
گاردنر اخیراً به ابعاد دیگری نیز در هوش دست یافته است و موجب شده است عبارت هوش‌های هفت‌گانه، جای خود را به هوش‌های چندگانه بسپارد تا مقوله‌ی هوش از جوانب گوناگون بررسی شود.  
از لازم است بدانیم که بسیاری از مشکلات معلمان، امروزه بر اثر به کار نگرفتن فناوری‌های آموزشی در برنامه‌های درسی است. اگر در محیط‌های آموزشی، غنی‌سازی صورت گیرد و موجبات پژوهش توانایی کودکان فراهم شود، به طور قطع از مشکلات یادگیری کاسته می‌شود و حتی توانایی‌های بالقوه‌ی دانش‌آموزان رشد می‌کند.  
هدف از عنوان کردن هوش‌های چندگانه، پی‌بردن به تفاوت‌های فردی و رشد توانایی‌هast و معلمان باید مراقب باشند که به دانش‌آموزان برچسب تعلق داشتن به هوش ویژه‌ای را نزنند. به قول گاردنر، در نظام‌های آموزشی که شیوه‌ی یادگیری فرآگیرندگان منطقی- ریاضی و زبان شناختی است، هوش‌ها مرتبط با هم عمل می‌کنند و نه جدا از هم. به همین دلیل، توصیه می‌کند که تغییراتی در طراحی برنامه‌ی درسی و نحوه‌ی

آن‌ها به اجرای روش تلفیقی رأی می‌دادند، اما به دلیل وقت کم و عده‌ی زیاد دانش‌آموزان، اذعان می‌کردند که در کاربرد این روش کمتر موفق بوده‌اند. البته عده‌ای از معلمان هم فقط با نام این شیوه آشنای بودند و در عمل هیچ مهارتی در اجرای آن نداشتند.  
قبل از پیشنهاد شیوه‌ی تدریس، لازم است از به کارگیری هوش‌های چندگانه در تدریس و فوائد آن نکاتی بیان شود. اگرچه رشد تکنولوژی و پیشرفت جامعه‌ی بشری، مضراتی برای محیط‌زیست به همراه داشته است، اما در حیطه‌ی تحقیقات علمی و پژوهشی این رشد بسیار قابل تحسین است. پیش از این، تعبیر علمای تعلیم و تربیت از هوش، منحصر به افرادی بود که موقوفیت‌های لازم را از نظر علمی، به ویژه دانش‌ریاضی کسب می‌کردند. ولی **هاوارد گاردنر**، در تعریف هوش دگرگونی ایجاد کرد و با معرفی هوش‌های هفت‌گانه، نظر استادان تعلیم و تربیت را به چند مقوله‌ای بودن توanایی‌های انسانی جلب کرد.  
در ابتداء هفت نوع هوش مطرح شد، مانند:

- هوش لفظی- زبانی
- هوش منطقی- ریاضی
- هوش بصری- فضایی
- هوش موسیقیایی- موزون

البته نباید این موضوع گذشت که برخی از مسائلی که کودکان در مدارس می‌آموزند، در زندگی روزمره‌ی آن‌ها کاربرد زیادی ندارند. بنابراین زمانی یادگیری معنادار می‌شود که یادگیری‌های درسی در موقعیت‌های واقعی زندگی به کار گرفته شوند. در این میان کسی که می‌تواند این انطباق را برقرار کند، معلمی آگاه و مطلع است.

خوش‌بختانه موضوع محیط‌زیست به گونه‌ای است که با زندگی آدمی عجین شده است و مثال‌های زیادی برای تفهیم مطالب آموختنی وجود دارد.

برای تألیف این بخش از مطلب و برای آگاهی از نظرات آموزگاران تهرانی، به برخی مدارس ابتدایی سرزدیم. از میان روش‌های تدریس فعال، با استناد به کتاب‌های علمی و دانشگاهی و معرفی آن‌هادر میان معلمان، اکثر

## \* هدف از عنوان کردن هوش‌های چندگانه، پی‌بردن به تفاوت‌های فردی و رشد توانایی‌هاست

ورزش کاران، جراحان و مکانیک‌ها بیشتر مشهود است. کودکانی که چنین قابلیتی را دارند، با لمس کردن و دست‌ورزی و تعییر شکل اشیا و طرح‌های پیرامون خود بهتر یاد می‌گیرند.

یکی از هوش‌هایی که اشر زیادی در یادگیری و گسترش آموزش دارد، هوش جسمانی حرکتی یا جنبشی- حرکتی است. زیرا بیشتر کودکان از طریق لمس کردن و دست‌ورزی یادگیری عمیقی پیدا می‌کنند. بهتر است آموزگاران نیز ضمن آموزش به کودکان از این قابلیت استفاده کنند و در آموزش از نمایش، نمادها و حرکت‌های ارتباطی مناسب استفاده کنند تا در آموزش به نتیجه‌ی خوبی برسند.

**\* هوش بروون فردی:** اشخاصی با این مشخصه‌ی هوشی، می‌توانند حالات روحی، مقاصد، انگیزه‌ها و احساسات دیگران را درک کنند و تشخیص دهند. کودکانی که دارای این هوش هستند، می‌توانند به راحتی ارتباط برقرار کنند. این افراد مسئولیت‌پذیر هستند، از فعالیت‌ها و مشارکت‌های کلاسی و

دیداری بپردازنند. تجلی این هوش در معماران، طراحان، راهنمایها و سفال‌گران دیده می‌شود. کودکانی که این توانایی را دارند، فیلم‌ها و اسلامایدها، نمودارها، نقشه‌ها و طراحی را دوست دارند. این کودکان توانایی خاصی در درک ابعاد سه بعدی، حجم و شکل‌ها دارند. آنان به راحتی تفکر‌شان را به تصویر تبدیل می‌کنند و مفاهیم را هم از این طریق سریع به‌خارطه می‌سپارند.

**\* هوش موسیقیابی - موزون:** این توانایی به افرادی که قابلیت آن را دارند، کمک می‌کند تا ضمن درک شکل‌های موسیقی، آن را تغییر دهند. شاگردانی که چنین توانایی دارند، از طریق شعر و موسیقی و وزن و قافیه بهتر یاد می‌گیرند. این شاگردان هنگام مطالعه نیز از موسیقی بدون کلام استفاده می‌کنند. تجلی این هوش در هنرمندان آهنگ‌ساز، متقدان هنری و خوانندگان بیشتر است.

**\* هوش بدنه - جنبشی:** افرادی که این نوع هوش را دارند، می‌توانند از اعضای بدن خود برای بیان افکارشان استفاده کنند. این هوش در کسانی مانند هنرپیشه‌ها،

ارائه آن صورت گیرد تا همه‌ی هوش‌ها، به‌طور متوازن مورد توجه قرار گیرند. با شرحی مختصر درباره‌ی هوش‌های هفت‌گانه با توجه به موضوع بحث یعنی محیط‌بیست، پی‌می‌بریم که چگونه می‌توان از هوش‌های چندگانه‌ی دانش‌آموزان و توانایی‌های آنان برای نجات کره‌ی زمین استفاده کرد.

**\* هوش زبان‌شناختی یا کلامی:** این شیوه بیان گر بهره‌گیری اثرگذار از لغات به صورت کلامی و نوشتاری است. تجلی این هوش در کسانی مانند داستان‌سرایان، شاعران، روزنامه‌نگاران، سخن‌رانان مشهود است. بنابراین دانش‌آموزانی که دارای این توانایی هستند، به اصطلاح خوش سر و زبانند. این کودکان در توصیف کردن و ارائه محتويات ذهنی در لفظ و زبان بسیار توانا هستند و در درس‌های املاء، انشا و فارسی رشد قابل توجهی دارند. آنان می‌توانند در فعالیت‌هایی مانند بحث و گفت‌و‌گو و سخن‌رانی بسیار پیشرفته عمل کنند.

**\* هوش منطقی - ریاضی:** افرادی که از این توانایی بهره‌مند هستند، قابلیت استفاده از اعداد و استدلال را دارند. این هوش در کسانی مانند ریاضی‌دانان، برنامه‌ریزان و برنامه‌نویسان رایانه‌ای و منطق‌دانان مشهود است. دانش‌آموزانی که این توانایی را دارند، الگوها و مسائل انتزاعی را درک می‌کنند، پیش‌قدم در حل معماها و علاقه‌مند به سازمان‌دهی در امور و کارها هستند.

**\* هوش بصری - فضایی:** کسانی که این قابلیت را دارند، می‌توانند دنیای اطراف خود را به درستی درک کرده، در ذهن خود تحولاتی ایجاد کنند و به‌طور ذهنی به تغییر اشیاء



**و پرسش بیشتر بر می‌انگیزد!**  
**در آموزش تلفیقی هدف همه‌ی آموزگاران، تربیت شاگردانی است که در آینده چه در زندگی شخصی و چه در زندگی اجتماعی، انسان‌های موفقی باشند، اما ابزار این تربیت بسیار اهمیت دارد. با پیشرفت علم و فناوری دیگر، شیوه‌های آموزش سنتی، پاسخ‌گوی مسائل جدید و مشکلات فردا نیستند. با استفاده از شیوه‌ی تدریس مناسب که برای شاگرد و معلم مطلوب باشد، هر دو لذت آموختن را تجربه خواهند کرد.**

در این روش آموزشی محیطی بسیار شاد و فعال و پرانگیزه برای یادداهن و یادگیری مهیا می‌شود، البته اگر اجازه‌ی کاربرد این روش به آموزگاران مجبور ما داده شود!

در این روش آموزشی دانش‌آموز با استفاده از چند موضوع درسی، اطلاعات متتنوع و گوناگونی را درباره‌ی یک موضوع مشخص می‌آموزد. به عنوان مثال موضوع محیط‌زیست را می‌توان از جنبه‌های هنری، اجتماعی، بهداشتی، ریاضی، فیزیک و شیمی بررسی کرد.

تلفیق مفاهیم و موضوعات درون مدرسه‌ای و حتی آموزش‌های برون مدرسه‌ای، موجب صرفه‌جویی در تحلیل ساعت آموزشی و یادگیری عمیق‌تر و تحصیل مهارت‌های عملی می‌گردد. از آن جایی که دانش‌آموزان تمايل بیشتری برای این روش نشان می‌دهند، بنابراین افت تحصیلی هم کمتر خواهد بود.

چون در روش تلفیقی معلم و شاگرد به زمان بیشتری نیاز دارند، آموزگاران عزیز می‌بایست برنامه‌ریزی کاملی داشته، طرح خود را از قبیل آماده سازند و تدبیر لازم برای ارزش‌بایی آن را در نظر بگیرند. با تقبل چنین زحماتی، این روش به شاگردان کمک می‌کند تا از مهارت‌های خود استفاده کنند، یادگرفته‌های قبلی خود را دوباره محک زده و بازخوانی کنند، دانش‌پایه‌شان تقویت شود، نگرش مثبت و رغبت بیشتری برای یادگیری بیاموزند.

تحت عنوان «توجهی به مسائل زندگی» مطرح شده است، به تازگی از سوی گاردنر بیان شده است و توانایی تأمل در عالم و نهایت هستی و درک معنای مرگ و معنای زندگی، سرنوشت نهایی جهان مادی و معنوی از شخص‌های آن است.

عنوان چکیده‌ای از هوش‌های چندگانه، فقط برای یادآوری به آموزگاران عزیز و خاطرنشان ساختن تفاوت‌های فردی بهویژه در کودکان است. اگرچه هوش‌های چندگانه به صورت نظریه مطرح شده و تحقیقاتی هم در قطعیت برخی از آن‌ها انجام شده است، اما مریبیان خلاق و زیرک می‌توانند از این مقولات در جهت اعتلای تدریس و یادگیری بهره‌بگیرند.

قبل از بیشنهاد روش تدریس مورد نظر درباره‌ی آموزش محیط‌زیست، بی‌فائده نخواهد بود، اگر به تیپ‌های یادگیری دانش‌آموزان نیز جستاری بزنیم.

### یادگیری جنبشی - حرکتی، یادگیری دیداری، یادگیری شنیداری

بیشتر کودکان در گروه سنی پیش‌دبستان تا دبستان بیشتر از طریق یادگیری جنبشی - حرکتی می‌آموزند. در این میان آموزگاران مطلع می‌توانند اکثریت کلاس را پیدا کنند، بدین ترتیب که شاگردان آن‌ها جزو کدام گروه از یادگیری می‌باشند، تا آموزش نتیجه‌ی اثربخش تری داشته باشد.

روش تدریس پیشنهادی برای موضوع محیط‌زیست، روش تلفیقی است. البته این به معنی غفلت از روش‌های فعال دیگر نیست. این مهم به عهده‌ی معلم است که با توجه به شرایط کلاس، وضعیت فرهنگی و اقلیمی کودکان، روشی مناسب را اتخاذ کند. با اتخاذ روش تدریس مناسب، آموزگاران نقش بهسزایی در تعالی کودکان حافظه‌زمن خواهند داشت.

به قول دکتر شعاری نژاد: معلمی خوب است که دانش‌آموزان را به کنجدکاوی

گروهی لذت می‌برند و علاقه به یادگیری‌های گروهی دارند. آنان عکس‌العمل‌های دوستان خود را به خوبی می‌فهمند. این هوش در فروشنده‌گان، مشاوران، درمان‌گران بیشتر دیده می‌شود.

**\* هوش درون فردی:** کسانی که درای این هوش و توانایی هستند، افرادی خودآگاه هستند که درک درستی از خود و ارزش‌های خود دارند. به عبارت دیگر آنان خود هوشی دارند و درک خوبی از توانمندی‌ها و ارزش‌ها و افکار خود دارند. بنابراین دانش‌آموزانی با این توانایی بیشتر به کارهای انفرادی می‌پردازند و آنان خودآموزند و حتی از بازی‌های انفرادی لذت می‌برند. این هوش بیشتر در اشخاص خودمندکی و خلاق در حل مسائل و اندیشه‌مندان و حتی فیلسوفان مشهود است.

هوش‌های چندگانه اکنون با تغییراتی، کشف ابعاد دیگری از هوش را به منصبه ظهره رسانده است، مانند هوش طبیعت‌گرا.

**\* هوش طبیعت‌گرا:** اشخاصی که مهارت شناخت و طبقه‌بندی گونه‌های گیاهان - جانوران و محیط فردی را دارند، دارای هوش طبیعت‌گرا هستند. البته موضوع فقط به جانداران مربوط نمی‌شود، بلکه طبقه‌بندی‌های دیگر مانند ابرها و کوهها و ماشین‌ها را نیز در بر می‌گیرد.

شاید بتوان گفت یکی از مفاهیم هوش که برای ما با توجه به موضوع اهمیت دارد، همین هوش طبیعت‌گر است. همه‌ی افراد به طور ذاتی و خدادادی به محیط خود و گونه‌های متفاوت، به اندازه‌ی درک‌شان توجه دارند. اما هدف ما جلب توجه عمیق به محیط، به منابع طبیعی و جان‌داران و گیاهان است. شاید بتوان گفت که این هوش در طبیعت‌گرایان و حافظان زمین و منابع، دوست‌داران حیوانات و طبیعی‌دانها و زیست‌شناسان بیشتر باشد. برای حفظ محیط‌زیست، بهتر است این توانایی بالقوه را در همه‌ی آدم‌ها تقویت کنیم و سطح آن را بالا ببریم.

**\* هوش وجودی:** این هوش که



## آموزش‌استانی

رشد

دووهی ۱۵ - شماوهی ۲

شروع خوب معركه‌ای به پا می‌کند... ۱۸ /  
سیدعلی عبداللهی حسینی - سیدعلی لطفی  
تدریس همه چیز در یک روز ۲۱ / حسن رضا ترابی  
شنیدن کی بود مانند دیدن ... ۲۲ / طاهره شیرخانی  
املا روی ماسه ۲۲ / شهین دیواندری  
آموزگار عشاير باید همه فن حرفی باشد ۲۴ / مصطفی عبدالی  
این دو جدول مهم! ۲۶ / فاطمه ملکی جبلی  
دارت الفبا ۲۸ / طاهره جهانگیری  
نفس کشیدن با خرس ۲۸ / مهین شیران  
ترس ۲۸ / فرج بانو قائمی  
دیروزی‌ها، امروزی‌ها ۲۹ / ثریا امینی  
خیاط در کوزه افتاد! ۳۰ / سعیده اصلاحی  
امان از این «!» ۳۲ / سمانه ملکزاده  
سیرشدن با مرغ همسایه! ۳۲ / لیلا بزرگمهر

آبان ماه سال تحصیلی ۹۱-۹۰

# شکر های

# شروع خوب مدرسه‌ای به پا می‌زند

مرواری دوباره درباره  
مهارت‌های انگیزه‌ساز آغازین

## اشاره

لازمه‌ی هر شروعی، ایجاد ارتباط مطلوب و فضاسازی است. فرآیند یاددهی – یادگیری امری دوسویه است و به توافق هر دو طرف نیاز دارد. به این ترتیب معلم نمی‌تواند بدون توجه به انگیزه و علاقه‌ی دانش‌آموز تدریس را شروع کند، زیرا تدریس تزریق نیست. با این حساب، مهارت داشتن معلم در این مرحله بسیار مهم است و نقطه‌ی شروع تدریس به هنرمندی خاصی نیاز دارد تا انگیزه‌ای توأم با هدفمندی و نشاط در دانش‌آموزان به وجود آورد. جان‌دیویی دانشمند معروف تعلیم و تربیت نیز در مورد علاقه و انگیزه‌ی درونی فراگیران می‌گوید: «علاقه جرقه‌ای است که بدون آن شعله‌ی یادگیری فروزان نمی‌شود.»

و به جرئت می‌توان گفت: «رمز موفقیت هر معلمی به مهارت او در ایجاد ارتباط و انگیزه‌سازی بستگی دارد.» چند سال پیش در شماره‌ی نخست مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی در مهرماه ۱۳۸۴، از مهارت‌های آغازین سخن گفتیم. در این شماره نیز، تعدادی از روش‌های مهارتی انگیزه‌ساز آغازین معرفی شده است. البته باید در نظر داشت همواره بهترین آغازین‌ها، مهارت‌ها و فعالیت‌هایی هستند که بیشتر با متن درس و موضوع موردنظر تناسب و ارتباط داشته باشند.

- یک تخته‌ی سفید و کوچک تهیه کنید و دو طرف آن را با ناخ بیندید. سپس به هنگام شروع تدریس موضوع درس جدید مانند درس «وحدت» از کتاب مدنی پایه‌ی پنجم را روی تخته بنویسید. سپس به زیر میز بروید و تخته را به گردن خود آویزان کنید و با پریدن از یک طرف به طرف دیگر کلاس و رفتن به مکان‌های غیرقابل انتظار و

## ۱. نشان دادن چیزی جذاب

- برای معرفی درس جدید، به عنوان مثال درس «خبر مهم» از کتاب «علیمات اجتماعی» پایه‌ی سوم، موضوع درس را به اندازه‌ای کوچک بنویسید که با چشم قابل خواندن نباشد. سپس از دانش‌آموزان بخواهید تا با استفاده از ذره‌بین موضوع درس را بلند بخوانند.

کاغذی را گرفت، باید پس از باز کردن، پیام نوشته شده را بلند بخواند.  
 ● پیامها و عنوان درس را روی کاغذ بنویسید. سپس آن‌ها را تا کرده و هواپیمایی کاغذی درست کنید. هواپیمایی کاغذی را که حامل پیام درس است، به سوی دانشآموزان پرتاب کنید. هر دانشآموزی که هواپیما را گرفت، باید پس از باز کردن، پیام را با صدای بلند بخواند.

### ۳. استفاده از شعر

● برای معرفی درس «ماهی‌ها» از کتاب «علوم» پایه‌ی سوم، می‌توان این شعر را خواند.

یک روز رفتم به رودخونه  
دیدم ماهی چه می‌کنه  
می‌پرید رو آب آبی  
شیرجه می‌زد زیر آبی  
به به چقدر قشنگه  
باله‌هاش چه رنگارنگه  
چه ماهی جالبیه  
شناگر قابلیه

● برای معرفی صدای «ج» از کتاب «بخوانیم» پایه‌ی اول، می‌توان این شعر را خواند:

جوچی من چه ماهی سفیدی و سیاهی  
پرهات چه رنگارنگه راه رفتنت قشنگه  
جیک‌جیک تو چه خوبه نوک می‌زنی به دونه  
چه جالبه سر تو چه خوش گله پرتو  
توجه: ممکن است اجرای برخی از این شعرها، فقط در کلاس ما عملی باشد و شاعران کودک و نوجوان، آن‌ها را از لحاظ قابلیت‌های شعری زیاد مناسب تشخیص ندهند.

### ۴. پوشش تحریک‌آمیز (چیستان)

● معرفی پرگار، درس «ریاضی» برای رسم نیم‌ساز زاویه آن چیست که پر دارد، ولی نمی‌پرد. پا دارد، ولی همیشه بر روی یک پا راه می‌رود؟

● معرفی «ساعت»، کتاب «ریاضی» پایه‌ی دوم آن چیست که ۱۲ تماشاجی دارد و سه بازیکن؟

● معرفی «آن وقت‌ها»، کتاب «هدیه‌های آسمان» پایه‌ی سوم

چه درختی است که ۱۷ شاخه دارد، هشت تای آن در آفتاب، نه تای آن در سایه است و میوه‌ی آن در بهشت است؟

● معرفی «سایه چگونه درست می‌شود»، کتاب «علوم» پایه‌ی دوم

آن چیست که اگر در آب بیفتند، خیس نمی‌شود؟

همراه با اجرای حرکات نمایشی، دانشآموزان را متحیر کنید.

● یک ماشین کنترل دار با خود به کلاس بیاورید. سپس موضوع و پیام‌های درس را روی کاغذ بنویسید و در داخل ماشین قرار دهید. ماشین را در کلاس به حرکت درآورید و از دانشآموزان بخواهید که پیام‌ها را برداشته و بخوانند.

به نمونه‌ی پیام توجه کنید:

**درس «اسراف» از کتاب هدیه‌های آسمان پایه‌ی پنجم**

با مصرف درست و بجا، چگونه می‌توان از نعمت‌های خدا بهتر

استفاده کرد؟

مصرف صحیح به چه معناست؟

چه پیشنهادی برای جلوگیری از اسراف می‌دهی؟

● پیامها و موضوع درس را در کارت‌هایی به اندازه‌ی ۱۰×۲۰ سانتی‌متر بنویسید. سپس کارت‌ها را در جریان تدریس به لباس خودتان نصب کنید. اجرای این فعالیت در دانشآموزان ایجاد هیجان و نشاط می‌کند.

### ۵. یک اقدام غیرعادی

● ابتدا تکه پارچه‌های رنگی غیرقابل استفاده تهیه کنید و سپس عنوان درس و پیام‌ها را روی آن‌ها بنویسید. تکه پارچه را در جیب‌های لباستان، زیر یقه، داخل کیف جیبی و یا در آستین خود پنهان کنید و در جریان تدریس به‌طور ناگهانی هر تکه را ببرون آورید.

● پیامها و عنوان درس را روی کاغذ بنویسید. سپس آن‌ها را مچاله و به صورت توب کاغذی درآورید و در جریان تدریس مطالب مچاله شده را مانند توب به سمت بچه‌ها پرتاب کنید. هر دانشآموزی که این توب



یک تکه لبوی داغ هم داد.

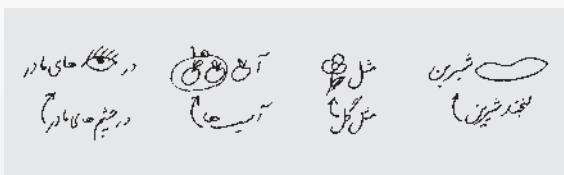
- برای تدریس آهن ربا در کتاب «علوم» پایه‌ی چهارم، می‌توان یک جفت دست‌کش به دست کرد. در حالی که یک آهن ربا در داخل دست‌کش پنهان کرده‌اید، برآده‌های آهن را که از قبل آماده کرده بودید، پایین بریزید. سپس با یک تردستی جالب برآده‌های آهن را جمع کنید.

## ۶. طریقه‌ی نوشتتن

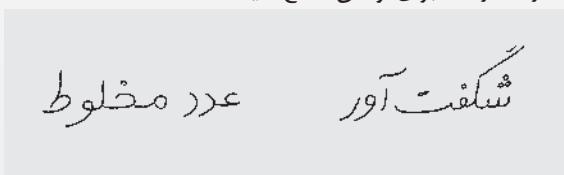
از روش‌های نوشتاری متفاوت استفاده کنید. خط شما باید روی تخته برانگیز اندنه باشد تا بنوادن شما را در رساندن پیام کمک کند.

- حروف و کلمات را در اندازه‌های متفاوت بنویسید.  
خسته سیب

- کلمات را طوری بنویسید که دانش‌آموز، معنی کلمه را از طراحی کلمه پیدا کند.



- از خط راست برای نوشتتن امتناع کنید.



- از حروف بالونی استفاده کنید.



علاوه بر مهارت‌های مطرح شده، از مهارت‌های دیگری مانند نمایش‌دادن یک فیلم، نقل داستان کوتاه، بهره‌گیری از افراد خارج از کلاس، تغییر زمان و مکان تدریس، صحبت کردن به صورت ایما و اشاره و استفاده از پازل نیز می‌توان استفاده کرد.

- **منابع**
  ۱. فضلوی خانی، متوجه‌ر. (۱۳۷۹). راهنمای عملی روش‌های مشارکتی و فعال در فرآیند تدریس. انتشارات: آزمون نوین.
  ۲. بهرنگی، محمد رضا. (۱۳۸۳). راه‌آوردهای نظری و تجربی، انتشارات: مؤسسه‌ی فرهنگی منابع تربیت، چاپ دوم.
  ۳. رندی موبیرگ، (۱۳۷۸). روش‌های انفجاری تدریس، ترجمه‌ی پرویز امینی، انتشارات مدرس، چاپ اول، بهار.
  ۴. حیدریان، م. (۱۳۷۱). چیستان‌ها، معنایها و دانستنی‌ها، نشر نوئند، چاپ دوم.
  ۵. مجذفر، مرتضی (۱۳۷۹). مهارت‌های آغازین در تدریس. نشر چاپار فرماگان، تهران.

## ● معرفی صدای «ق»، کتاب «بخوانیم» پایه‌ی اول

آن چیست که در یک دقیقه دو بار می‌آید، در سال اصلاً نمی‌آید ولی در یک قرن یک بار می‌آید؟

## ● معرفی درس «حلزون»، کتاب «بخوانیم» پایه‌ی اول

من کیستم که همیشه می‌روم به گردش، ولی از خانه‌ام بیرون نمی‌آیم؟

## ● معرفی قاره‌ی آفریقا، کتاب «جغرافیا» پایه‌ی پنجم

قاره‌ای هستیم فقیر و بی‌پناه  
شاخ آن مشهور و رنگ آن سیاه  
می‌کند دریای سرخ آن را جدا  
در میان قاره‌ها از آسیا  
هست در من کشوری چون آنگولا  
مصر و مغرب و لیبی و نامیبیا  
رود نیل در خاک من دارد شتاب  
فکر کن نام قشنگم را بیاب  
گر توانستی بیابی نام من  
دستت بالا بگیر و بگو فرزند من

## ● معرفی رسم مثلث، کتاب «ریاضی» پایه‌ی پنجم

در کوه و دره و رود  
یا در تمدن روم  
در ساختمان و قالی  
یا اهرام فرعونی  
در ساخت قایق و بیل  
یا شیشه‌ی اتموبیل  
در تابلوی شهرها  
با دیدن ستاره‌ها  
در میان سینه‌ها  
هم سه گوش است قلب ما  
سه پاره خط سه زاویه  
از هر طرف چسبیده  
به من بگو چی هستم؟  
به من بگو چی هستم؟

## ● معرفی نقشه‌ی چیست؟، کتاب «جغرافیا» پایه‌ی چهارم

آن چیست که استان‌ها و شهرهایی دارد بی‌خانه، جنگل‌ها و مراتع دارد بی‌درخت، دریا و دریاچه دارد بی‌آب؟

## ۵. اجرای یک نمایش کوتاه

● برای معرفی صدای «لو» در کتاب «بخوانیم» پایه‌ی اول، با یادی از استاد مرحوم نیززاده، می‌توان لباس یک لبو فروش دوره‌گرد را در حالی که یک سینی بزرگ لبو روی سرش قرار دارد، پوشید و وارد کلاس شد و جمله‌ی: «لبو، لبو داغه، لبو» را تکرار کرد و در عین حال به هر کدام

# تل ریس همه چیز در یک روز

حسن رضا ترابی

آموزگار دبستان حضرت قاسم(ع)، بیرجند

## گزارشی از آموزش تلفیقی در یک گردش علمی - مذهبی

در روستای تقی آباد بید از منطقه خوسف، در کلاس چندپایه مشغول تدریس بودم. یک روز با هماهنگی اداره و دریافت رضایت‌نامه از اولیای محترم و هم‌چنین تدارک مواد لازم، تصمیم گرفتم دانش‌آموزان را به محل دیدنی امام‌زاده شاه سلیمان علی(ع) از نوادگان امام موسی کاظم(ع) در نزدیکی این دبستان ببرم.

روز موعود فرا رسید و همراه دانش‌آموزان به مقصد امام‌زاده به راه افتادیم. اولیا ما را بدرقه کردند. بچه‌ها در حین پیمودن راه، حرکات ورزشی انجام می‌دادند. بعضی از آن‌ها شعر می‌خواندند و بعضی هم در حال گفتن قصه و یا لطیفه به هم‌دیگر خوارکی تعارف می‌کردند. به کنار یک زمین کشاورزی که رسیدیم، مبحث هکتار و سپس واحدهای اندازه‌گیری (کیلومتر و متر) را تدریس کردم. در ادامه‌ی راه از خاطرات معلمی ام تعریف کردم تا این‌که به امام‌زاده رسیدیم. پس از وضو و بهجا آوردن آداب زیارت خادم مزار، تاریخچه زندگی امام‌زاده را برایمان بازگو کرد. برای صرف صحبانه که شامل پنیر محلی، گردو و سبزی بود زیر سایه‌ی درختان نشستیم و بعد از آن درس گیاهان سبز و اهمیت آن را تدریس کردم.

سپس به محل آیشان رفتیم و به تماسی حیوانات اهلی نشستیم. در همین هنگام صدای همیاری محیط پیرامون را ضبط کردیم و عکس‌های زیبایی گرفتیم و درس روستا از کتاب «مدنی» و درس آب از کتاب «بخوانیم» اول را یادآوری کردم. برنامه بعدی ما کوهپیمایی ساده بود. بچه‌ها در کوه چند نمونه از داروهای گیاهی و چند نمونه سنگواره پیدا کردند. این‌جا بود که به بحث تاریخچه‌ی زمین و خاک زندگی بخش و تاریخچه‌ی جانداران اشاره کردم.

وقت اذان که شد، حسین با صدای زیبایش اذان داد. همراه بچه‌ها، نماز را به جماعت خواندیم و سپس برای صرف ناهار سبزه‌زمینی‌ها را در آتش زغالی ریختیم و تخم مرغ‌ها را آب پز کردیم. علی گفت: «آقا شما نگفتید که پختن سبزه‌زمینی و تخم مرغ، تغییر شیمیایی است» و بچه‌ها که از این حضور ذهن‌علی شگفت‌زده شده بودند، او را تشویق کردند.

بعد از استراحتی کوتاه به سمت تقی آباد به راه افتادیم. در این‌حین علی که دستش زخمی شده بود، از من کمک خواست. من در کیفم باند و چسب زخم داشتم. دست علی را پس از ضد عفونی کردن، بستم و به مبحث باکتری‌ها و ویروس‌ها پرداختم.



کم کم به روستا نزدیک شدیم و اولیا از ما استقبال گرمی کردند. این گونه بود که درس‌های ریاضی، علوم، هدیه‌های آسمان، طرح کرامت، ورزش، هنر و اجتماعی را در امام‌زاده تدریس کردم.

# شنیدن کی بود مانند دیدن...

## مروری بر تأثیر افزایش حافظه‌ی بینایی در تقویت املا

طاهره شیرخانی

آموزگار مرکز درمان اختلال یادگیری سنجش، بابلسر

حافظه‌ی بینایی به قدرت ذخیره‌ی اطلاعات از طریق چشم و بینایی و نیز به توانایی بازخوانی آن اطلاعات به هنگام نیاز گفته می‌شود.  
ضعف حافظه‌ی بینایی در املا موجب می‌شود که دانش‌آموز نتواند شکل صحیح حروف چند شکلی (ث، ص، س، ز، ظ، ض) را که قبل‌اً در یک کلمه دیده، به‌خاطر آورد و این فراموشی موجب ضعف در املا می‌شود.  
کوکی که ناتوان از یادآوری یا تجسم حروف و ترتیب و توالی آن در کلمات باشد، بی‌تردید در املا ضعیف خواهد بود. حافظه‌ی دیداری در یادگیری برای بازشناصی و به‌یادآوردن حروف الفبای نوشته شده، به اندازه‌ی تکامل هجی‌کردن و مهارت‌های زبان نوشتاری مهم است.  
مهارت املانویسی یکی از مهارت‌های مهم زبان نوشتاری است که نوشتن نیمه‌فعال محسوب می‌شود. املای یک کلمه پیچیده‌تر و دشوارتر از خواندن آن است، چرا که در خواندن، نشانه‌ها و حروف الفبا در بازشناصی کلمه، شخص را یاری می‌کنند، اما در نوشتن دانش‌آموز باید بر روابط آواها و نشانه‌ها، تجزیه‌ی واژه‌ها و نحوه‌ی ترکیب عناصر مشکله‌ی آن آگاهی و مهارت کامل پیدا کند. علت عدمه‌ی غلط‌های دیکته، ضعف حافظه‌ی دیداری است. یعنی کوک قادر نیست تصویر حروف موردنظر را در کلمه به‌خاطر بیاورد. رونویسی کردن درست این واژه‌ها می‌تواند به دانش‌آموز کمک کند، اما این کمک‌الزاماً به سایر موارد انتقال نمی‌یابد. بهتر است حافظه‌ی دیداری کوک را تقویت کنیم تا نه تنها دیکته‌ی درست واژه‌ای را که غلط نوشته است، فراگیرد بلکه با خواندن و دیدن هر کلمه‌ی جدید، توانایی به‌خاطر سپاری آن را داشته باشد.

تقویت ادراک دیداری موجب می‌شود که دانش‌آموزان با دقت بیشتری نگاه کنند و به درک بهتری از دیدن اشیا، شکل‌ها و کلمات برسند و هم‌چنین موجب یادگیری بهتر درس‌ها و اعتماد به نفس بیشتر در آن‌ها خواهد شد.  
بسیاری از تکنیک‌های موفق در آموزش املا به‌طور عملی به تقویت حافظه‌ی توالی بینایی تأکید دارند. برای مثال **فرنالد** فن ردگیری را برای

شهین دیواندری

آموزگار دیستان دکترعلی شریعتی  
سرگروه پایه‌ی اول شهرستان سبزوار

# املا روی ماسه

## فعالیتی برای یادگیری سریع‌تر نشانه‌ها و کلمه‌های فارسی

در هر کلاس دانش‌آموزانی وجود دارند که در نوشتن بعضی از کلمات مشکل دارند و همین امر، ممکن است به روحیه و روان آن‌ها صدمه وارد کند.

در تجربه‌ای که شرحی از آن را ارائه می‌دهم، به چگونگی آماده‌کردن دانش‌آموزان برای دیکته‌نویسی با استفاده از حسن لامسه و بازی اشاره می‌کنم.

بعد از تدریس نشانه‌ی (ای، ی، ای، ای) تعدادی از دانش‌آموزان کلاسم بعضی از کلمه‌ها را در املا غلط می‌نوشتند برای همین با همکاری و تبادل نظر با مدیریت مدرسه، تعداد ۳۰ طرف لبه‌دار و یک کیسه ماسه تهیه شد و یک زنگ دیکته به املا روی ماسه اختصاص یافت.

در این ساعت کلمه‌های مشکل تر را به دانش‌آموزان می‌گفتم و آن‌ها با انگشت روی ماسه می‌نوشتند و بعد از ارزش‌یابی فرآیندی، باز کلمه‌ی

# ب ت ش ح ح خ ذ ر س ش ص ط ظ ع غ ف ق ل م ن د و ي

هـ

آموزش املات تأکید نموده است. این شیوه با به کارگیری دو مسیر حس حرکتی و لامسه، تصویر بصری کلمه را در ذهن کودک تقویت می‌کند، چرا که برای درستنویسی یک کلمه علاوه بر ضبط آن در حافظه باید توانست همان کلمه را به طور کامل به هنگام نوشتن به خاطر آورد. چنان‌چه کودکی به مشکل یادگیری شدید مبتلا است، استفاده از روش فرنالد در یادگیری کلمه توصیه می‌شود. این روش، یک روش شناختی است، زیرا کلماتی که از این طریق یاد گرفته می‌شوند همواره از سوی خواننده ابداع می‌شوند و تداعی بافتی یا معنایی دارند. درک یک کلمه به عنوان یک کل، پایه و اساس روش فرنالد را تشکیل می‌دهد. برای افزایش حافظه‌ی بینایی، می‌توان از بازی‌های گوناگون استفاده کرد. انواع بازی بهترین راه یادگیری است، زیرا که همه بازی را دوست دارند، خسته نمی‌شوند و در ذهن بهتر نقش می‌بنند. بازی‌هایی چون دومینوی کلمات، انواع پازل‌ها، مکعب‌ها، شکل‌های هندسی، جهت ساختن طرح‌های گوناگون، بازی تانگو، پومین‌های متنوع برای تقویت حافظه، پیداکردن تفاوت‌ها و شباهت‌ها، از جمله بازی‌هایی هستند که می‌توانند در تقویت حافظه‌ی دیداری دانش‌آموزان مؤثر باشند. افزایش حافظه‌ی دیداری موجب تقویت سایر درس‌ها و همچنین موجب تقویت مهارت نوشتن و هم‌آهنگی بین چشم و دست می‌شود. این افزایش، برای یادداشت کردن مطالب مهم بهویژه در سال‌های بالاتر، می‌تواند مفید باشد. می‌توان گفت: «بیشتر مشاغلی که افراد تحصیل کرده در اجتماع دارند به صحیح و دقیق نوشتن نیاز دارد. اگر املای دانش‌آموزان تقویت شود، می‌توانند به نتایج مهمی دست یابند.»

## منابع

۱. فریار، اکبر، رخshan، فریدون. (۱۳۶۷)، ناتوانی‌های یادگیری. انتشارات نیما، چاپ اول.
۲. چگونه غلط‌های املایی دانش‌آموزان را کاهش دهیم؟ برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی: <http://gorouh4.parsiblog.com>

بعدی نوشته می‌شد. نکته‌ی قابل توجه این بود که اکثربت دانش‌آموزان کلماتی را که روی ماسه نوشته بودند، در دفتر املاء غلط نمی‌نوشتند. در همان زمان تصمیم گرفتم در سال آینده از ابتدای سال و شروع آموزش نشانه‌ها، این کار را در کلاس انجام دهم و از این روش حتی برای آموزش و نحوه نوشتن اعداد نیز استفاده کنم.

اصولاً بعضی از دانش‌آموزان از این که روی مسئله‌ای تمرکز و تفکر کنند و به نتیجه نرسند یا راهی را اشتباه بروند و یا کلمه‌ای را اشتباه بنویسنند، می‌ترسند. با این روش چون فرصت دوباره نوشتن را به آسانی در اختیار دارند، ترس آن‌ها از بین می‌رود و فرصت آزمایش و خطای پیدا می‌کند و اعتماد به نفس می‌یابند.

تفکر فرآیندی زمان‌بر، اما نتیجه‌بخش است و حال اگر با عمل همراه شود و کودک از حواس پنج‌گانه‌ی خود در این فرآیند استفاده کند، بهترین نتیجه و بیشترین لذت عاید او خواهد شد.

استفاده از این روش بهویژه برای دانش‌آموزان دیرآموز و یا کم‌توان بسیار مفید خواهد بود.

(تصویرهای رنگی این فعالیت را در صفحه‌ی ۳ جلد بینید.)

## یادداشت‌های آموزگار عشايری از منطقه‌ی پشتکوه لرستان - ۱

مصطفی عبدالی

آموزگار عشاير، کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی

اشارة

سال گذشته، در پنج بخش در سلسله مطالبی راجع به معلمان چندپایه، کوشیدیم راهکارهای علمی- عملی کار در این کلاس‌ها را بروزی کنیم. برخلاف آن که آن مطالب مورد استقبال آموزگاران قرار گرفت؛ ولی گروهی از مخاطبان در تماس با دفتر مجله اعلام داشتند، بهتر است مطالبی را منتشر کنید که با ویژگی‌های فرهنگی- اجتماعی کشورمان تطابق بیشتری داشته باشد. در این میان، آقای دکتر عطاران، سردبیر مجله‌ی رشد مدرسه‌ی فردا و استاد دانشگاه تربیت معلم، یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد خود به نام مصطفی عبدالی را معرفی کرد که هم‌ضمن تدریس در منطقه‌ی پشتکوه لرستان، با تحقیقات گستره‌ده، یادداشت‌های قابل توجهی از کار آموزشی در میان عشاير این منطقه را به تحریر درآورده بود. امکان انتشار نوشه‌های مذکور، به رغم جامعیت، از طریق مجله ممکن نبود. از این‌رو، از طریق دکتر عطاران، از آقای عبدالی خواستیم که برای رشد آموزش ابتدایی، چهار یادداشت بنویسد تا آن‌ها را در شماره‌های آبان، دی و اسفند ۹۰ و نیز اردیبهشت‌ماه ۹۱ منتشر کنیم. این یادداشت‌ها، که نخستین بخش آن را در این شماره خواهد خواند، سرشار از نکته‌هایی است که می‌تواند در مطالعات مردم‌شناسی و نیز فعالیت‌های آموزشی در میان عشاير، به عنوان خمیرمایه‌ی اولیه مورد استفاده‌ی محققان قرار گیرد. زیرسقف آسمان دوره‌ی پانزدهم مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، با عشاير خون‌گرم منطقه‌ی پشتکوه لرستان قدم خواهیم زد و از تجربه‌های آن‌ها خواهیم آموخت.

# باید همه فن



نداشید؟» چون دیدم فایده ندارد، در حد فهم خودم جواب را گفتم، ولی سفارش کردم باز پرسید تا مدیون نشوم.<sup>۳</sup> در میان عشاير این انتظار از معلم می‌رود که توانایی خواندن دعاها و ذکرها ویژه‌ای را داشته باشند. مثلاً روز عید قربانی یکی از خانواده‌ها یک قریانی داشت. یک کتاب دعا (مفاتیح الجنان) برایم آوردند تا من هم دعای ذبح قربانی را برایشان بخوانم. من هم رفتم و دعا را برایشان خواندم.



بدون شک معلم در تمام فرهنگ‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد و دلیل داشتن این جایگاه برمی‌گردد به وظیفه‌ی بسیار حساس تربیت افراد جامعه. البته متناسب با هر فرهنگ انتظارات مردم از معلم نیز شکل‌های متفاوتی به خود می‌گیرد. این تفاوت انتظارات به حدی گستره است که حتی در بین مناطق شهری، روستایی، عشايری کشور خودمان نیز قابل تأمل است؛ بهنحوی که در شهرها انتظارات مردم از معلم صرفاً به امر تربیت دانش‌آموزان محدود می‌گردد ولی در مناطق عشايری مردم علاوه بر تربیت دانش‌آموزان در مدرسه انتظارات دیگری نیز از معلم دارند. البته دلیل انتظارات متفاوت مردم عشاير از معلمان، شرایط و ویژگی‌های محیطی زندگی مناطق عشايری است که علاوه بر مشکل کم‌سروادی به کمبود امکانات منابع کسب اطلاعات موردنیاز در زندگی مربوط می‌شود.

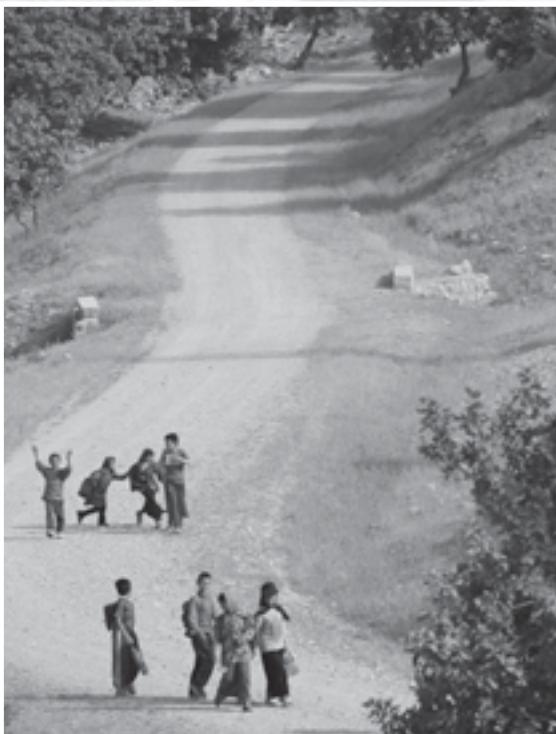
برای مثال تعدادی از انتظارات عشاير از معلمان به شرح زیر است:

۱. عموماً اینجا انتظار از معلم وظیفه‌ی تربیت دانش‌آموز است. بهطوری که اوایل سال پدر یکی از دانش‌آموزان به من گفت: «مهمتر از درس خواندن بچه‌مان این است که او را خوب تربیت کنی، به صورتی که حتی در منزل منظم و بالدب باشد.»
۲. این که معلم به مسائل و احکام شرعی سلط داشته باشد. چرا که گاه از احکامی می‌پرسند و انتظار دارند که حتماً جواب درست به آن‌ها بدهم. یک بار پرسیدند اگر ماهی روی تور ماهی گیری بمیرد، حکم‌ش چیست؟ چون مطمئن نبودم، گفتم نمی‌دانم، ولی آن‌ها با تعجب پرسیدند: «پطور می‌شود که شما



در صورت بروز درگیری و اختلاف بین اهالی سعی کنم که به هیچ وجه دخالت نکنم.

۸. آن‌ها درباره‌ی هر چیزی سؤال می‌کنند. سؤال درباره‌ی موتور برق، اصلاح کردن موی سر و حتی خرابی گوشی تلفن همراه. به همین دلیل یک بار خیلی هنر به خرج دادم و گوشی یکی از اهالی را به نام تعمیر، خراب کردم در نتیجه‌هاش با وجودی که نمی‌خواست اما من با اصرار زیاد گوشی دوم خودم را به او دادم و البته او به این شرط قبول کرد که بعداً به من پس دهد. خلاصه بگوییم که هر کس معلم عشایر شود، باید اطلاعات جامعی را در موارد بالا و حتی کمک‌های اولیه و تعمیر ماشین بداند. چرا که با توجه به کمبود امکانات در محل مردم انتظارات خیلی زیادی از شخص معلم دارند و البته به نظر خودم با توجه به شرایط‌شان باید به آن‌ها حق داد.



۴. در طول سال‌های تدریس داروهای مربوط به دام‌هایشان را نزد من می‌آوردند تا کاربرد و نحوه‌ی مصرف آن‌ها را برایشان بگوییم، این کار اغلب به علت نبودن بروشور و یا خارجی‌بودن داروها برایم غیرممکن بود. گاه اسم داروها را یادداشت می‌کردم و می‌آمدم شهر می‌پرسیدم. ولی یک بار که یکی از آن‌ها یک داروی خارجی بدون بروشور آورده بود، گفتم: «نمی‌دانم.» مراجعه‌کننده خیلی ناراحت شد و گفت: «پس این همه درس خواندی که چی؟» من هم که دیدم چاره‌ای نیست، گفتم بیشتر از این چیزی ننوشته، برو بروشور را بیاور تا بگویم کاربردش چیست، که الحمد لله گفت: آن را پرت کرده است بیرون. اگر بروشور را هم می‌آورد باز هم نمی‌توانstem کمکی به او بکنم.

# حریف پاش

۵. با توجه به این که در بین عشایر بازار داستان‌گویی (دینی و اخلاقی) و بیان سرگذشت و ماجراهای جالب طرفداران بسیار زیادی دارد، در صورتی که معلم از این بابت داستان‌های زیادی بداند؛ به طور حتم مردم عشایر دید بهتری نسبت به او خواهد داشت. من هم از این بابت وضع اطلاعاتم بدنبود و در ضمن هر موقع به خانه می‌رفتم درباره‌ی داستان‌ها و ماجراهای قیمتی مطالعه می‌کردم تا چیزی برای گفتن داشته باشم. این در حالی بود که هر گاه داستانی را تعریف می‌کردم، دانش‌آموزانم همان داستان را از قول من برای دیگر دانش‌آموزان بیان می‌کردند و حتی گاهی اصرار داشتند تا خودم دوباره آن داستان را برای آن‌ها هم تعریف کنم.

۶. از جمله موارد دیگری که پیش می‌آید، سؤالاتی درباره‌ی بیماری‌های انسان و داروهای آن است.

۷. همواره از معلم انتظار می‌رود که در صورتی که نزاعی بین اهالی بیش بیاید، او نقش میانجی را داشته باشد. همچنان که یک بار بین دو نفر از اهالی اختلافی ایجاد شده بود. من در این خصوص بی‌تفاوت عمل کردم و چون مدرسه نزدیک محل درگیری بود از ترس کشیده شدن دامنه‌ی درگیری به مدرسه سی دقیقه زودتر کلاس را تعطیل کردم. اما دید اهالی به عمل من این بود که ترسیده‌ام و برای همین دخالت نکرده‌ام. آن‌ها انتظار داشتند وارد عمل شو姆 و جلوی درگیری را بگیرم. لازم به ذکر است که قبلًا معلمان قدیمی تر توصیه کرده بودند که

# این دو جدول مهم!

آشنایی با جدول‌های یکان-دهگان و یکی-دهتایی در ریاضیات دوره‌ی ابتدایی

فاطمه ملکی جبلی

کارشناس ارشد آمار و مدرس تربیت معلم زینبیه، پیشوای

و عبارت زیر غلط است.

دهتایی	یکی
۱۸	۱۹

## دلیل معرفی این دو جدول

جدول یکی-دهتایی برای انجام عمل تفریق باید استفاده شود.

$$\begin{array}{r} 45 \\ - 29 \\ \hline \end{array} \quad \text{چون به عنوان مثال در تفریق} \quad \text{داریم:}$$

دهتایی	یکی
۳	۱۵
۴	۵
- ۲	۹
۱	۶

پس یک دسته‌ی دهتایی را باز کرده و آن را از جنس یکی‌ها کرده و آن‌ها را کنار یکی‌ها ۱۵ می‌بینیم، که انجام این کار در جدول یکان-دهگان غلط است.

برعکس، برای انجام عمل جمع  $\begin{array}{r} 29 \\ + 25 \\ \hline \end{array}$  داریم:

دهگان	یکان
۱	۵
۳	۹
+ ۲	۶
۶	۴

می‌دانیم در این جدول، جمع «۵» و «۹» برابر ۱۴ می‌شود، که

نکته: این مطلب صرفاً برای آگاهی بیشتر آموزگاران چاپ می‌شود. لذا استدعا دارد از ارائه‌ی محتوای آن به صورت تدریسی به دانش‌آموزان خودداری شود.

یکی از مطالب مطرح شده در کتاب‌های دوره‌ی ابتدایی، وجود دو جدول «یکی-دهتایی» و «یکان-دهگان» است. جدول یکی-دهتایی از کتاب پایه‌ی اول شروع می‌شود، ولی جدول یکان-دهگان از اواسط کتاب پایه‌ی دوم معرفی می‌شود.

## تفاوت دو جدول

در جدول یکی-دهتایی، هر ستون نشان‌دهنده‌ی تعداد اشیای یکی است، که این اشیا ممکن است از نه عدد هم بیشتر باشند و ستون دهتایی، تعداد دسته‌هایی دهتایی را نشان می‌دهد که باز هم ممکن است تعداد آن‌ها از نه عدد بیشتر باشد. به عبارت دیگر در جدول یکی-دهتایی عبارت‌های زیر، عبارت‌های صحیحی هستند.

دهتایی	یکی	دهتایی	یکی
۷	۴	۱۷	۱۴

ولی در جدول یکان-دهگان، هر ستون نشان‌دهنده‌ی رقم‌های یک عدد است. به عبارت دیگر ستون یکان نشان‌دهنده‌ی رقم یکان و ستون دهگان، نشان‌دهنده‌ی رقم دهگان است و می‌دانیم ارقام یک عدد از نه بیشتر نمی‌شود. پس عبارت زیر در جدول یکان-دهگان صحیح است.

دهگان	یکان
۸	۹



دانش آموز ده تایی ایستاده است و کارت ها را نیز به همین ترتیب بر روی تابلو نصب می کنند.) سپس معلم به داش آموزان خواهد گفت: «برای جلوگیری از ایجاد اشتباه، یک خط بین این دو کارت و یک خط زیر این ده تایی به این صورت جدول شکل خواهد گرفت.

چون در ستون های این جدول نمی توان عدد بیشتر از «۹» نوشت، مجبور می شویم «۴» را که از جنس یکان است، در ستون یکان نگه داشته و یک را که از جنس دهگان است با دهگان جمع کنیم. اگر این جمع در جدول یکی - ده تایی انجام شود، داش آموز می تواند جواب عبارت را به صورت زیر بنویسد:

دستایی	یکی
۳	۵
+ ۲	۹
۵	۱۴

زمانی که در پایه هی دوم قرار شد تفاوت دو جدول دیده شود، معلم به داش آموز یکی تأکید می کند که وسائل را یکی بگیر و هیچ محدودیتی برای نگهداری وسائل نداری، ولی اگر دوست داشته و قادر به نگهداری وسائل نبودی و توانستی با استفاده از دانه های یکی، بسته های ده تایی بسازی، می توانی از دوست ده تایی خودت خواهش کنی مه تو کم کنی.

وی برای معرفی جدول یکان - دهگان دو نفر دیگر از داش آموزان را آورده و به آن ها نامهای یکان و دهگان را می دهیم و برای هر یک از آن ها یک دسته کارت ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ می کنیم (برای یکان کارت های آبی رنگ و برای دهگان، کارت های قرمزرنگ) و به آن ها نذکر می دهیم که هر یک از شما در یک زمان، فقط می توانید یک کارت در دست خود داشته باشید. سپس این ۲ نفر به جدول یکی - ده تایی نگاه می کنند. اگر نفر یکی مثلاً پنج وسیله در دست داشت، یکان کارت آبی رنگ شماره ۵ را در دست می گیرد. اگر ده تایی مثلاً هفت بسته ده تایی در دست داشت، نفر دهگان کارت قرمزرنگ شماره ۷ را در دست خواهد گرفت. پس جدول یکان - دهگان نشان می دهد که تعداد ۷۵ وسیله در دست داش آموزان است.

ولی اگر ۱۵ وسیله در دست یکی ها بود، یکان مجبور می شود یک کارت آبی رنگ شماره ۵ و کارت قرمزرنگ شماره ۱۰ را در دست بگیرد، ولی چون اجازه دارد فقط یک کارت آبی رنگ در دست بگیرد، کارت ۵ آبی رنگ را در دست می گیرد و کارت ۱۰ قرمزرنگ را که نشان دهنده یک بسته ده تایی است را به دست دهگان می دهد.

حالا اگر در دست ده تایی هفت بسته ده تایی باشد دهگان قصد دارد کارت ۷ قرمزرنگ را در دست بگیرد. ولی چون کارت ۱۰ قرمزرنگ در دستش است، آن کارت را زمین گذاشته و به جای هر دوی آن ها کارت ۸ قرمزرنگ را در دست می گیرد. پس جدول یکان - دهگان نشان می دهد که تعداد ۸۵ وسیله در دست داش آموزان است.

چون نوشتند عدد ۱۴ در ستون های جدول یکی - ده تایی غلط نیست پس معرفی هر دو جدول در پایه های ابتدایی لازم است.

### روش عملی برای معرفی تفاوت این دو جدول به داش آموزان

برای معرفی هر یک از این دو جدول به دو داش آموز احتیاج داریم. برای معرفی جدول یکی - ده تایی، یکی از داش آموزان وسائل را یکی از دست معلم گرفته و وقتی تعداد آن ها به ۱۰ عدد وسیله رسید، به کمک معلم دور آن را بسته و به دوستش می دهد که به او در نگهداری وسائل کمک کند.

معلم از داش آموز اول سؤال می کند: «وسائل را چندتا چندتا تحويل گرفتی؟»

دانش آموز: یکی یکی.  
معلم: «پس اسم تو یکی است.» و یک کارت یکی به دست داش آموز می دهد.

معلم از داش آموز دوم سؤال می کند: «وسائل را چندتا چندتا تحويل گرفتی؟»

دانش آموز: «ده تا، ده تا.»  
معلم: «پس اسم تو ده تایی است.» و یک کارت ده تایی به دست این داش آموز می دهد.

معلم از هر داش آموز خواهد خواست تا کارت خود را بر روی تابلو نصب کند. (البته در موقع ایستادن داش آموز، یکی در سمت راست

# دارت الفبا

طاهره جهانگیری

آموزگار دبستان شاهد میرزا هاشم معمار، کاشمر



شناخت حروف الفبا در درس فارسی پایه‌ی اول، لازمه‌ی خواندن و نوشن است و برای تحقق این امر و همچنین لذت‌بخش کردن زنگ فارسی با الهام از ورزش دارت، وسیله‌ای تهیه کردم که نتایج استفاده از آن شناخت حروف و کلمه‌سازی و در نهایت پیشرفت در خواندن همراه با شادی است.

نام وسیله: دارت الفبا

وسایل لازم برای ساخت دارت: ورقه فلزی در اندازه دلخواه یک عدد  
مقوایی که حروف الفبا روی آن نوشته شده باشد و دارت آهن ریابی یک عدد.  
هدف بازی: شناخت حروف، مهارت در خواندن و کلمه‌سازی و جمله‌سازی.  
شرح بازی: در ابتدا صفحه‌ی دارت در مکانی مناسب نصب می‌شود. دانش‌آموز از فاصله‌ی مشخص، دارت را پرتاپ می‌کند؛ به هر نشانه که برخورد کرد با آن کلمه می‌سازد و بعد جمله می‌گوید و روی تخته می‌نویسد. با این بازی، گنجینه‌ی لغات دانش‌آموز افزایش پیدا کرده و لحظات شادی را سپری خواهد کرد.

# ترس

انتخاب: فرح بانو قائمی

آموزگار از ساری

- ✓ خیلی جالب است. برخی از ما از سوسک می‌ترسیم، ولی از له کردن شخصیت دیگران مثل سوسک نمی‌ترسیم.
- ✓ از عنکبوت می‌ترسیم، ولی از این که تمام زندگی مان تار عنکبوت بینده، نمی‌ترسیم.
- ✓ از شکستن لیوان می‌ترسیم، ولی از شکستن دل آدمها

✓ از این که به ما خیانت کنند، می‌ترسیم، ولی از خیانت به دیگران نمی‌ترسیم.  
در واقع، گاهی اوقات برای فرار از تمامی کلیشه‌ها، آنقدر برخلاف جهت حرکت می‌کنیم که خود، کلیشه می‌شویم.

مهین شیران

آموزگار دبستان مسلم، اصفهان

در پایه‌ی دوم در ساعت جمله‌سازی، مستطیلی در گوشی تخته کشیدم و دو کلمه‌ی «بینی» و «جنگل» را داخل آن نوشتم. سپس دو جمله نوشتم و به یکی از دانش‌آموزان گفتم: «به جمله‌ها نگاه کن و آن‌ها را با کلمات داخل مستطیل کامل کن.» دانش‌آموز که هول کرده بود، این گونه نوشت:

خرس در بینی زندگی می‌کند.  
ما با خرس نفس می‌کشیم.

کامل شدن غیرطبیعی دو جمله، موجی از شادی را در کلاس پدید آورد و تا مدت‌ها بچه‌ها در حال خنده‌یدن بودند.

نمی‌ترسیم



# دیروزی‌ها، امروزی‌ها

ثريا اميني

آموزگار دبستان هاجر هجرت، مریوان

در سال ۱۳۶۲ در کلاس اول ابتدایی بودم، به خاطر جنگ تحمیلی عراق علیه ایران آواره شدم و برای زندگی به یکی از روستاهای نزدیک «گویزه کویره»، در سه کیلومتری شهر مریوان رفتیم. فصل پاییز بود. با ذوق و شوق کودکانه خود به مدرسه می‌رفتم و با دوستانم بازی می‌کردم. روزی بعد از نوشتن املا من و دوستم مریم - که همیشه روی یک میز می‌نشستیم - دفتر املا را تحویل دادیم. معلم هم شروع کرد به تصحیح. بعد یکی کی دفترهایم را تحویل می‌گرفتیم. در ضمن نمره‌ها با صدای بلند قرائت می‌شد. نمره‌ی من همیشه خوب بود و از این بابت همیشه خیالم راحت بود، اما منتظر دفتر مریم شدم. از چشمان نگران و غمگینش فهمیدم که نمره‌ی بدی گرفته، به همین خاطر چیزی نپرسیدم. زنگ تفريح به صدا درآمد. دست مریم را گرفتم و برای بازی به حیاط دبستان رفتیم. زنگ بعد آقای معلم با صدای بلند گفت: «فردا باز هم املا می‌گیرم و اگر کسی نمره‌ی بد بگیرد، تنبیه می‌شود!». فردای آن روز باز دفترها به روال قبل باز شد و شروع به نوشتن کردیم. دلم می‌خواست به مریم کمک کنم، اما با حضور آقای معلم از من کاری ساخته نبود.

همه‌ی دفترها بعد از تصحیح تحویل داشت آموزان شد. آقای معلم اسامی دانش آموزانی را که نمره‌ی بد گرفته بودند، خواند. مریم در بین آن‌ها بود. حلقه‌ای از بچه‌ها درست شد. آقا معلم وسط آن‌ها ایستاده بود. با چوبی که در دست داشت آن‌ها را نگران‌تر از قبل می‌کرد. من هم به خاطر معلم ما چوب را بالا و بالاتر گرفت و او لین ضربه را به دست مریم زد. چشمان مقصوم و صورت اشکبار مریم به سوی دستان کوچکش خم شد، مثل کبوتری محروم در میان خون دستانش می‌غلتید. صدای گریه‌ی او هنوز در گوش‌هایم هست و مرا آزار می‌دهد. با سروصدای او معلم کلاس پنجمی‌ها که مدیر مدرسه هم بود به کلاس آمد، ما را به حیاط فرستادند و مریم کوچلو را به دفتر مدرسه بردن. ساعتی و شاید کمتر گذشت. مادر مریم با پسر کوچکش که روی دوشش بود، آمد. گویا سادگی و معصومیت مریم از مادر به او رسیده بود. همه جلوی دفتر بودیم. سعی می‌کردیم حرف‌های همه را بشنویم. شنیدیم که مادر، مریم را دل داری می‌داد و می‌گفت: «اشکالی ندارد. به خاطر خودت تو را کنک زده‌اند. بزرگ شدی یادت می‌رود.»

\*\*\*\*\*  
هفتم اردیبهشت سال ۱۳۹۰ در دفتر آموزشگاه نشسته بودم. زنگ ورزش بود و مشغول خواندن روزنامه‌ی «نگاه» بودم که مادری با عصبانیت وارد دفتر شد. دخترش کلاس چهارم بود و گویا مری بهداشت شامپویی را برای نظافت بهتر موهای سرش به او داده بود. مادر از این کار مری ناراحت شده بود و نمی‌خواست قبول کند که موهای فرزندش آلوه است. او شامپو را با شدت هرچه تمام‌تر روی میز کویید و اظهار ناراحتی کرد. مری بهداشت جرئت وارد شدن به اتاق دفتر را نداشت. او از دور شاهد ماجرا و حرف‌های زشتی بود که به معلمان زده می‌شد. توجیه و حرف‌های معلمان برای او سودی نداشت. او همه را تهدید و حرف‌های نامریوط خود را تکرار می‌کرد.

با دیدن این منظره و شنیدن قضایت اولیا، ناخداگاه به یاد برخورد و رفتار مادر مریم افتادم ...



تصویرگر: میثم موسوی



# خط در کوژ افتاد!

تنگناهای یک آموزگار کلاس اولی در آموزش الفبا به کودک خود

سعیده اصلاحی

آموزگار کلاس اول، دبستان شهید محرب مدنی، منطقه ۱۵ تهران

## اشاره

گاهی مطالبی از خاطرات و تجربه‌های همکاران به دست‌مان می‌رسد که دارای نکات جالبی است و بیان گر علاقه‌مندی و حساسیت آموزگاران نسبت به دانش آموزان و مسائل آموزشی است. بد نیست یادآوری کنیم که اگر این مطالب با آموزه‌های روان‌شناسی بیشتر همراه شود، نتایج مؤثرتری خواهد داشت. در تجربه‌ای که آمده است به نظر می‌رسد دغدغه‌ها و نگرانی‌های مادر بسیار بیشتر از فرزند است. یک توصیه‌ی مهم روان‌شناسی این است که به کودکان اجازه بدھیم اثرات موافقیت‌ها و شکست‌هایشان را لمس کنند.

افزایش دانش تربیتی معلمان و والدین موجب خواهد شد تا رفتار آن‌ها در موقعیت‌های گوناگون، منطقی و مؤثرتر باشد.

آموزشی را زیرورو کردم، جز حرف‌های تخصصی و ناکارآمد، عایدم نشد. مطالبی هم که کاربردی بودند به درد کار من نمی‌خوردند. رفتم سراغ تجربه‌های شفاهی همکاران و یک به یک شروع به اجرا کردم:

- \* چند روز، حروف را کمرنگ نوشتیم تا او پرزنگ کند... به این کار عادت کرد و دیگر به خودی خود چیزی نمی‌نوشت، دیدم کار دارد بدتر می‌شود.

\* خمیر بازی خریدم. آن را روی یک بشقاب پهن کردم. حروف را بزرگ روی آن نوشتیم و از او خواستم با چاقوی پلاستیکی دورش را مثل کیک تولد ببرد و از من جایزه بگیرد. اما دست او هنوز مهارت برش نداشت، خمیر در یک گوشه جمع می‌شد و شکل حروف به هم می‌ریخت، عسل هم آن را مچاله می‌کرد و با آن یک چیز دل خواه درست می‌کرد مثل مار... گل و...؛ این راه هم به جایی نرسید.

- \* چون نقاشی را خیلی دوست داشت، حروف را بزرگ و توخالی

سه سال پیش وقتی که دخترم عسل به کلاس اول رفت، هیچ وقت فکر نمی‌کردم با وجود سابقه‌ی چندین ساله‌ی تدریس در پایه‌های گوناگون ابتدایی، برای آموزش به او با مشکل مواجه شوم. عسل، دختری بسیار بازیگوش بود و تخیل‌گرایی و علاقه‌ی مفرطش به بازی سبب می‌شد سر کلاس تمرکز لازم برای دریافت مطالب را نداشته باشد و یادگیری اش مختل شود. از همان روزهای اول، کتاب «بنویسیم» اش ناقص و مشق‌های کلاسیش درهم و به اصطلاح «خرچنگ، قوریاغه»! بود. هرچه تلاش می‌کرد مثل سایر بچه‌ها حروف را یاد بگیرد و از بقیه عقب نماند، فایده‌ای نداشت. یک صفحه رونویسی و نیم صفحه دیگته‌اش را هر روز به زور می‌نوشت و تا از او غافل می‌شدم، به سراغ عروسک‌ها و لوازم خاله‌بازی اش می‌رفت. اخم و بی‌اعتنایی من هم دیگر چندان کارساز نبود.

هر هفته بر تعداد حرف‌های آموزش داده شده، افزوده می‌شد و کار من برای تفہیم به او سخت‌تر. هرچه کتاب‌ها و مجلات و بروشورهای

## \*پنج تا بوس آب دار، یک بار کولی از این ور تا آن ور اتفاق پذیرایی و... این ها نمونه هایی از جایزه های غیرمنتظره من به عسل بود

یک سینی دادم به عسل تا بعد از نوشتن تکلیف شن، با آن ها بازی کند. این روش جواب داد بهویژه که او می توانست غیر از حروف، اعداد را هم به این شکل بنویسد. البته گاهی سنگریزه ها از سینی بیرون می ریختند و زیر پا می رفتند و صدای اهل خانه را در می آوردند! کار شناسایی و تشخیص حروف، خوب پیش رفته بود، اما هنوز در ترکیب آن ها مشکل داشتم.

### حروف آهن ریایی

شکل که های جور و اجور روی یخچال مرا به فکر فرو برد. حروف را روی مقواهای رنگی کشیدم، بعد آن ها را ببرید و پشت شان، آهن ریاهای کوچک چسباندم. اول چند حرف متعدد و ساده و بعد هم آن ها را به صورت درهم ریخته، روی یخچال چسباندم.

وقتی عسل، طبق معمول رفت سر یخچال تا به قول خودش - آب یخچالی! - بخورد آن ها را دید و شروع کرد به بازی. با این که حروف درهم ریخته بودند، آن ها را کنار هم چید و این جمله های معروف را نوشت: «بایا آب داد!» آنقدر ذوق زده شدم که ببریدم و بغلش کردم و بوسیدمش. طفلک اولش ترسید، بعد هاج و اجاج نگاهم کرد. بعد با هم زدیم زیر خنده. از آن به بعد تا مدتی کار من شده بود، پُر و بچسبان و کار عسل؛ بچین و بخوان. کم کم عدد ها و نشانه های جمع و تفرقه هم اضافه شد و من توانستم به مدد همین روش، ریاضی را هم به او تهییم کنم. هنوز هم گاهی از این روش برای آموزش جدول ارزش مکانی، خواندن اعداد چند رقمی و جدول ضرب استفاده می کنم.

### جای من کجاست؟

حالا دیگر عسل از مرحله‌ی «تاتی تاتی» گذشته بود و نوبت تمرین جمله سازی بود. از باقی مانده مقواهای رنگی، چندین کارت هم اندازه ببریدم و با خط درشت، کلمات کلیدی هر درس را روی آن ها نوشتم. او کلمه ها را تک تک می خواند و از چیدن کلمات کارت های مرتبط، یک جمله های معنادار می ساخت. هر بار هم که مهمان به خانه می آمد، عسل هم سبد کارت هایش را بر می داشت و شروع به هنرنمایی می کرد. گاهی هم جایزه های غیرمنتظره ای می گرفت. مثلاً:

«پنج تا بوس آب دار، یا یکبار کولی از این ور تا آن ور اتفاق پذیرایی!» ... از آن روزها، سه سال می گذرد. حالا عسل بزرگتر شده، به سن تکلیف رسیده و می تواند مجله و کتاب بخواند. حالا وقتی جمله های پشت ماشین، نوشته های روی بَنرهای تبلیغاتی یا زیرنویس های تلویزیون را به سرعت می خواند، سر به آسمان بلند کرده و با تمام وجود زمزمه می کنم: «خدایا شکرت.»

روی کاغذ کشیدم و از او خواستم تا داخلش را رنگ کند و نامش را بگوید، ولی چون قرار بود نامش را حفظ کند و بگوید، با اکراه رنگ می کرد یا طفره می رفت. این کار، هم وقت گیر بود و هم بازدهی نداشت. \*

روی شیشه و آینه بخار گرفته داخل حمام، حروف را با انگشت می نوشتم و بلند بلند نامشان را تکرار می کردیم. اما بخار روی آن ها به سرعت محو می شد و آموزش من هم نیمه کاره می ماند!

\* برایش یک تابلوی مغناطیسی خریدم تا با قلم مخصوص، حروف را روی آن ها بنویسد، اما او شروع به کشیدن گل و ببل و کوه و درخت می کرد و همین که من اعتراض می کردم و می گفتم: «خب، بنویس،»

تابلو را به من تقدیم می کرد و می رفت سراغ بازی.

\* گفتن قصه و خواندن شعر هم فایده های نداشت، چون نمی شد در آن ها حروف را نوشت و تمرین کرد.

حروف به ترکیب رسیده بودند و کار بسیار سخت شده بود. نشانه های مشابه چند شکلی، ترکیبات صامت و صوت، جمله سازی و کاربرد صحیح کلمات. واویلا... همه روی هم تلنبار شده بود. عسل نمی خواست یاد بگیرد. نمی خواست به مدرسه برود. می گفت: «منو بیرون پیش دبستانی، اونجا خوب بود.» می گفتم: «تو بزرگ شدی، باید خوندن و نوشتن یاد بگیری، پیش دبستانی مال کوچک تر هاست.»

با گریه می گفت: «منم کوچک ترم، بین داداش چه قدر بزرگتره!» خلاصه، بماند که چقدر با اخم و قهر و هوار، اشک هم را درآوردم. آموزگار نازنینش، خانم زرچینی پا به پای من، با مهربانی و دل سوزی آن چه را که باید، به او می آموخت و در برابر همه نگرانی های من می خنده و می گفت: «خوب می شه، یاد می گیره. حرص نخور.» باید فکری می کدم. فکر و ذکر شده بود پیدا کردن یک راه حل. راه حلی که در آن بازی، پر رنگ تر باشد و آموزش، محو تر و پنهان تر. راهی که پیچ و خم نداشته و نتیجه بخش باشد. یک راه خوب که نیازمند هل دادن نباشد.

### سینی معجزه گر

یک روز عصر که مشغول پاک کردن عدس بودم و عسل هم در کنارم هی انگشت اش را تویی ظرف عدس می چرخاند، ناگهان فکری به خاطرم رسید. سینی را تکان دادم و کفش را با عدس پوشاندم، بعد با انگشت نوشتیم: «آ». عسل داد زد: «... این آ اوی ماما.» با خنده گفتم: «خب تو هم بنویس آ غیر اوی بیینم.» نوشت. دوباره سینی را تکان داد تا او بقیه هی حروف را به همین روش در سینی بنویسد. آن روز حسابی بازی کردیم.

چند روز بعد، یکی دو بسته سنگریزه هی رنگی خریدم و با

# امان از این «۵»!

سمانه ملکزاده

کارشناس ابتدایی، آموزگار منطقی ۱۰ تهران



در انتهای کتاب کار «هدیه‌های آسمان» پایه‌ی سوم، از بچه‌ها خواسته شده است خاطره‌هایشان را برای معلم‌شان بنویسند. مطلبی را که دانش‌آموز ساغر رسولی نوروزی نوشته بود، صادقانه و متفاوت‌تر از بقیه‌ی دوستانش باقتم، بهتر است شما هم با من در لذتی که از خواندن این نامه بردگام، شریک شویید. متن ویرایش نشده است، بنابراین حدس خواهید زد که منظور از حرف «ه» چیست:

به نام خدا. سلام بچه‌های عزیز. من می‌خواهم یک خاطره از کلاس سوم خود بگویم. یعنی یک خاطره که نه، یک داستان واقعی. من معلم کلاس سوم خود را زیاد دوست دارم. معلم‌هم فکر می‌کنم مرا دوست داشته باشد. من از کلاس اول هم که حروف الفبا به بچه‌ها یاد می‌دادند، در حرف «ه» خیلی غلت داشتم. مثلاً کلمه‌ی «کنار» را در دیکته این جوری می‌نوشتیم: «کناره». یا مثلاً در یک امتحان خیلی مهم دیکته، من «دست کم» را این جوری نوشته بودم: «دسته کم» و معلم من از دست من عصبانی می‌شد و به من می‌گفت: «وقتی ریاضی تو خیلی خوب است، چرا باید دیکته‌ات هم مثل ریاضی‌ات باشد.»

من هم خیلی دوست داشتم که دیکته‌ام هم خوب باشد، ولی نمی‌دانم چرا نمی‌شد. شاید هم من سعی زیادی نمی‌کردم. ولی خلاصه خانم ملکزاده، به من این حرف «ه» را یاد داد. من خیلی خوشحال بودم که «ه» را یاد گرفته بودم. من نمی‌دانم خانم ملکزاده به من این حرف را آسان یاد داده بود یا خیلی سخت، من این را نمی‌دانم. ولی می‌دانم که من سر این حرف، خیلی معلم خود را اذیت کرده بودم.

من خانم ملکزاده را زیاد دوست دارم و از زحماتی که در طی سال برای ما کشیده بود، ممنونم.

## سیر شدن با مرغ همسایه!



لیلا بزرگمهر

معاون آموزشی دیستان ۵ آذر، رامشیر خوزستان

یکی از دانش‌آموزان پیش‌دبستانی پیش من آمد و از دل درد شکایت کرد. پشت سر هم از او پرسیدم: «صبحانه خوردی؟ با خودت تعذیه آورده‌ی؟ به خانواده‌ات تلفن بزن...؟ مريض که نيسني؟»

با معصومیت کودکانه‌اش گفت: «نه خانم! فقط اگر از تعذیه‌ی دوستم بخورم، حالم خوب می‌شه. فکر می‌کنم تعذیه‌ی دوستم خیلی خوش‌مزه است!»

از این بیان صادقانه‌اش خنیدم و از دوستش خواستم با هم‌دیگر تعذیه‌شان را بخورند. چند لحظه بعد شادمانی را در چهره‌ی هر دوی آن‌ها می‌دیدم.



# از کتاب‌های کودکان تا کتاب‌های نکته‌ای برای آموزگاران

نورمحمد خادمی فرد

## آشنایی با مؤسسه انتشارات قدیانی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

### اشاره

از شماره‌ی گذشته، معرفی ناشران برگزیده‌ی جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد را که براساس نتایج طرح سامانی‌بخشی کتاب‌های آموزشی در زمستان ۸۹ انتخاب شده‌اند؛ آغاز کردیم. در شماره‌ی قبل انتشارات مدرسه‌ی برهان را معرفی کردیم. در این شماره با فعالیت‌های مؤسسه‌ی انتشارات قدیانی آشنا می‌شویم که در جشنواره‌ی مذکور حائز رتبه‌ی دوم شده بود. رتبه‌بندی ناشران براساس کسب عنوان‌های برگزیده، عنوان‌های تقدیری، راهیابی کتاب‌ها در فهرست نامزدها و ورود عنوان‌هایی از کتاب‌های ناشر به فهرست کتاب‌نامه‌های رشد و براساس استناد جشنواره‌ی ذکر شده صورت پذیرفته است.

### تاریخچه

مؤسسه‌ی انتشارات قدیانی از سال ۱۳۴۸ فعالیتش را با تأسیس کتاب‌فروشی قدیانی در تهران آغاز کرد و از سال ۱۳۵۶ با عضویت در اتحادیه‌ی ناشران و کتاب‌فروشان و انتشار کتاب‌هایی با موضوعات دین، ادبیات و علم وارد حوزه‌ی نشر شد. از سال ۱۳۶۲ موضوع ادبیات کودکان و نوجوانان نیز به فعالیت‌های مؤسسه افزوده شد و در مجموع تا پایان اردیبهشت سال ۱۳۹۰ حدود ۱۵۴۱ عنوان کتاب در این واحد به چاپ رسید.

### مروری سریع بر فعالیت‌ها

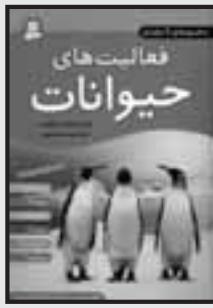
نادر قدیانی، مدیر مسئول انتشارات است. وی می‌گوید به‌خاطر علاقه‌اش به کتاب، از سال ۱۳۴۸ به کتاب‌فروشی رواورد. آن سال‌ها علاوه بر تحصیل، در مغازه‌ای که پدرش در اختیار او گذاشته بود، به خرید و فروش کتاب‌های دست دوم نیز مشغول بود. علاقه‌ی مفرط به کتاب باعث شد که در سال ۱۳۵۴ کتاب‌فروشی بزرگی را در غرب تهران دایر کند. در آن زمان کتاب‌فروشی رونق زیادی پیدا کرده بود. قدیانی کتاب‌های مناسب نسل جوان را از شهر قم - از انتشارات پیام اسلام و انتشارات نسل جوان - خریداری می‌کرد و در تهران به فروش می‌رساند. وی علاوه بر کتاب‌های غیردرسی در زمینه‌ی فروش کتاب‌های درسی و لوازم التحریر هم فعالیت داشت.

قدیانی می‌گوید: «در سال ۱۳۵۶ برای اولین بار دو عنوان کتاب به چاپ رساندم و در همین زمان از نزدیک با مشکلات اقتصادی نشر آشنا شدم. به همین دلیل، تا ۱۳۶۱ به‌طور حرفة‌ای کار نشر را دنبال نکردم و تا سال ۱۳۶۵ فقط حدود ۳۰ عنوان کتاب از سوی این انتشارات به چاپ رسید. با توجه به جوان بودن کشورمان، در سال ۱۳۶۵ واحد کودکان و نوجوانان مؤسسه (کتاب‌های بنفشه) را راه‌اندازی کردم. با دعوت از کارشناسان این حوزه، شورای برسی کتاب مؤسسه فعال شد و تاکنون پابرجا مانده است. از سال ۱۳۶۹ استفاده از نظرات شورای برسی کتاب مؤسسه، بیشتر و جدی‌تر دنبال شد، به‌طوری که اکثر این کتاب‌ها به چاپ‌های سوم و چهارم یا حتی به چاپ بیستم و بیست و پنجم رسیدند. به‌خاطر خیر و برکت این کار، خدا را شکر می‌کنم. هیچ وقت خود را از کتاب‌هایم جدا نمی‌دانم و با انتشار هر کتابی، حس می‌کنم که خداوند اولادی به من عطا فرموده است.»



## قدیانی و کتاب سال

تاکنون چهار عنوان کتاب از آثار مؤسسه‌ی انتشارات قدیانی از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است. این کتاب‌ها عبارتند از: «آخرین گودال» (ترجمه‌ی حسین ابراهیمی‌الوند)، «رمان‌های سه گانه‌ی چرخ گردون» (ترجمه‌ی حسین ابراهیمی‌الوند)، «۳۶۵ قصه برای شب‌های سال» (مزگان شیخی) و «گرگ‌ها از برف نمی‌ترسند» (محمد رضا بایرامی). هم‌چنین ۳۹۸ اثر ناشر به عنوان کتاب‌های مناسب و مرتبط با محتوای کتاب‌های درسی، در کتاب‌نامه‌های رشد آموزش و پرورش برگزیده و معرفی شده‌اند.



## کتاب‌های در دست تولید برای دوره‌ی ابتدایی

پیرو بررسی‌های انجام شده برای گروه کودک، ناشر به این نتیجه رسید که به موضوعاتی مانند ادبیات کهن و زندگی و سیره‌ی ائمه‌ی معصومین، کمتر توجه شده است. بر این اساس ۱۴ مجموعه‌ی ۱۰ جلدی در دست تولید دارد که در هر کدام از این مجموعه‌ها به زندگی یک معصوم پرداخته می‌شود. یکی از این مجموعه‌ها که در حال حاضر چاپ و منتشر شده است، ۱۰ قصه‌ی عاشورایی است.

در حوزه‌ی ادبیات کهن نیز حدود ۲۰ مجموعه برای انتشار پیش‌بینی شده که مجموعه‌ی ۱۰ جلدی قصه‌های تصویری «کلیله و دمنه» یکی از مجموعه‌های منتشر شده‌ی آن‌هاست.



## برترین کتاب‌های ویژه‌ی آموزگاران ابتدایی

- راهنمای آموزش و تدریس زیبا بنویسیم
- ۱۲۲ نکته‌ی آموزشی برای تدریس ریاضیات
- ۱۰۰ نکته‌ی آموزشی برای تدریس مهارت‌های تفکر
- سه کتاب با عنوان ۱۰۰ نکته برای تدریس علوم، تاریخ و جغرافی
- آموزش تفکر و حل مسئله در ریاضی
- ۵۰۰ نکته: چگونه آموزش گر بهتری باشیم
- ۵۰۰ نکته: چگونه امور تحصیلی را ارزش‌یابی کنیم
- ۵۰۱ نکته برای معلمان
- ۵۰۰ نکته: چگونه کیفیت آموزشی را بهبود بخشیم
- از مجموعه‌ی تفکر سریع مدیر: ۱. انضباط. ۲. افراد مشکل دار

### ۳. تصمیم‌گیری

- روش‌های ارزش‌یابی آموزش
- ۶۰ نکته برای موفقیت در امتحان
- ۶۰ روش کاربردی برای اتکا به خود
- ۱۰۰ نکته در شناخت دنیای دختران
- ۱۰۰ نکته در شناخت دنیای پسران
- رویکردی نمادین به تربیت دینی با تأکید بر روش‌های اکتشافی

- راهنمای عملی برنامه‌ریزی درسی
- اردوی تربیتی چگونه و با کدام برنامه؟
- رشد، پرورش و فعالیت‌های محرك برای کودکان خردسال

- ۳۶۵ پیشنهاد برای شادکردن بچه‌ها
- ۱۸۰ روش برای تقویت عزت نفس بچه‌ها از تولد تا سالگی
- چگونه در اردو زندگی کنیم؟

## حوزه‌های کاری

این ناشر متناسب با نیازهای جامعه و در زمینه‌ی نشر کتاب‌های متنوع مذهبی، دفاع مقدس، ادبیات، روان‌شناسی، اقتصاد، تعلیم و تربیت، علمی و تحقیقی فعالیت دارد. لکن به دلیل اهمیت ویژه کودکان و نوجوانان، واحد کودک و نوجوان این مؤسسه با عنوان کتاب‌های بنفسه به صورت اختصاصی به موضوع کودک و نوجوان می‌پردازد.

# اعتراض به شیوه‌ای خاص!

مرتضی طاهری

کارشناس آموزشی و معاون پژوهشی سابق شهر تهران

سال ۳۹ یا ۴۰ بود و من در کلاس سوم دبستان درس می‌خواندم. یکی از روزها، آموزگار ما که آقای جوان و محترمی بود، با صلابت پای در کلاس گذاشت و محکم گفت: «ساخت!» ما همه جا خوردیم که چطور آموزگار خوش‌اخلاقمان، امروز خشن شده است. حتی بعد تهدید کرد که اگر کسی حرف نزند، او را تنبیه خواهم کرد! آن گاه شروع به قدم زدن در کلاس کرد. سکوت عجیبی در کلاس برقرار شده بود. فقط صدای برخورد کفش سنگینی می‌گذشت. هم کلاسی مجاورم که در نیمکت ردیف سوم از سمت راست نشسته بود، آهسته از من پرسید: «چرا آقا درس نمی‌دهد؟» من که آن روز جسته گریخته، بهویشه از پدرم، چیزهایی در مورد اعتصاب معلمان به‌خاطر کمی حقوقشان سنیده بودم، با صدایی که بیشتر به نفس زدن شبیه بود، درگوشی به او گفتم: «مثل این که آقا معلم برای حقوقش اعتصاب کرده است.» درست است که این حرف را از روی حدس و گمان زدم، ولی بعدها که بزرگ‌تر شدم، متوجه شدم که سکوت و عدم انجام وظیفه نیز نوعی اعتصاب محسوب می‌شود.

هنوز حرفی تمام نشده بود که ناگفهان ضربه‌ی سنگینی از سمت چپ به صورتم وارد شد. این ضربه چیزی نبود جز سیلی محکم معلم عصبانی و به دنبال آن احساس سنگینی در سر و برق زدن در چشم چپ. آن روز به خانه که آمدم، جرأت نکردم موضوع را به پدر و مادرم بگویم و چون جای آن سیلی سنگین بر صورتمن نمانده بود، آن‌ها متوجه ماجرا نشدند. ولی حدود ۲۰ سال بعد که خود معلم شدم، از این زمزمه‌ی محبت استناد آموختم که با شاگردانم صبوری کنم و مشکلات خود را در کار و برخورد با دیگران بروز ندهم و البته اکنون که ۵۰ سال از آن واقعه می‌گذرد، از خداوند مهریان برای آن معلم عزیز غفران می‌طلبم.

تصویرگر: میثم موسوی



## پیشنهادهایی برای توسعه‌ی کتاب و کتابخوانی در مدارس

به گفته‌ی مدیر مسئول قدیانی، برای توسعه‌ی فرهنگ کتابخوانی در مدرسه، باید اقداماتی به شرح زیر صورت گیرد:

- انتشار کتاب‌هایی برای کودکان و نوجوانان که تاکنون چاپ نشده‌اند یا تعداد آن‌ها کم است.
- پرداختن به موضوعاتی که هنوز کتابی راجع به آن‌ها به چاپ نرسیده است.
- ارتباط مستمر با مراکز فرهنگی کشور به منظور اطلاع از خلاصه‌ی کاستی‌های فرهنگی و تلاش در جهت بطرف کردن آن‌ها
- به کارگیری بهترین نیروهای فرهنگی کشور، از جمله مؤلفان، ویراستاران و طراحان و تصویرگران نمونه برای ارائه‌ی بهتر کمی و کیفی کتاب‌هایی که در دست تولید هستند.

## افتخارات

قدیانی تاکنون ۱۵۵۰ عنوان کتاب به بازار کتاب عرضه کرده و بارها از طرف مراکز گوناگون به عنوان ناشر برگزیده و برتر انتخاب شده است که برخی به شرح زیر است:

✓ هفت دوره ناشر نمونه‌ی کشور (۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۴) به انتخاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و چهار دوره ناشر تقديری کشور در نمایشگاه بین‌المللی کتاب در سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۵

✓ ناشر تقدير شده در سومین دوره‌ی انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس در سال ۱۳۷۶، ناشر تقدير شده در مراسم کتاب پایداری به‌خاطر نشر رمان‌های پرمخاطب در زمينه‌ی دفاع مقدس در سال ۱۳۸۵ و ناشر تقديری جشنواره‌ی ربع قرن کتاب دفاع مقدس در سال ۱۳۸۸

✓ ناشر برتر اولين جشنواره‌ی کتاب خانواده از سوی وزارت آموزش و پژوهش در سال ۱۳۸۶

✓ ناشر برگزیده سومین جشنواره‌ی کتاب کانون پژوهش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۷۱ و تقدير شده در ششمین دوره‌ی همین جشنواره در سال ۱۳۷۴

✓ دومین ناشر برگزیده در چهارمین نمایشگاه بین‌المللی آثار تصویرگران کتاب کودک در سال ۱۳۷۸

✓ ناشر برگزیده (رتبه‌ی اول)، دومین (رتبه‌ی دوم) سومین، (رتبه‌ی اول) ششمین و رتبه‌ی دوم هشتمین جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد آموزش و پژوهش در سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۹

# موزه‌هایی در دل طبیعت



حمید دهقان

## آشنایی با موزه‌های شیراز و استان فارس

### اشاره

سرزمین فارس از سه هزار سال پیش زیستگاه آریایی‌ها بوده و آثار بسیار ارزشمندی در گوشه و کنار آن به یادگار مانده است.

تخت جمشید، نقش رستم، پاسارگاد، تپه سیز، تپه مالیان، کورنگون ممسنی، قصر اردشیر، قلعه دختر، بیشاپور، قصر ابونصر، بند بهمن و قصر ساسانی و دهدزا اثر فاخر دیگر در این سرزمین که از روزگار باستان با تلاش و کوشش مردمانی هنرمند و اندیشه‌مند محقق یافته است، میراث جاودانی برای همه نسل‌های بشر به شمار می‌آیند. آثاری که نشان از خلاقیت و ابتکار نیاکان ایرانیان و بازگوکننده‌ی زندگی آنان است؛ اکنون در موزه‌های استان فارس به نمایش گذاشته شده است.

دیگر اشیای موجود در موزه‌ی هخامنشی است.

### موزه‌ی ساسانی

موزه‌ی ساسانی در سال ۱۳۱۷ تأسیس شد و بعدها به عنوان مقر هیئت حفاری نیز مورد استفاده قرار گرفت. ضرورت ایجاد موزه‌ای برای معرفی ارزش‌های عصر ساسانی از سوی پروفسور گریشمن مطرح شده بود.



قدمت ساختمان این موزه در دو بخش به سال ۲۶۰ میلادی می‌رسد. یک بخش آن سالنی به مساحت ۹۱ متر دارد و بخش دیگر بنای تاریخی است.

آثار موجود در این موزه که حاصل ده فصل کاوش کارشناسان میراث فرهنگی است، شامل قطعاتی از موزائیک‌های ایوان، سنگ‌های حجاری شده، موزائیک‌ها و گچ‌بری‌های کاخ‌ها و سفال‌های عصر ساسانی و دوره‌ی اسلامی است.

### موزه‌ی کریم خان زند

در این موزه اشیا و آثار مربوط به دوران پیش از تاریخ، تاریخی و دوره‌ی اسلامی تا دوره‌ی معاصر جمع‌آوری شده است. سفال‌های هزاره‌ی دوم پیش از میلاد که از حفاری‌های علمی «تل ضحاک» شهرستان فسا به دست آمده و مفرغینه‌هایی به شکل انسان و حیوان و علامت نذری لرستان مربوط به هزاره‌ی اول پیش از میلاد از آثار پیش از تاریخ این موزه است.

از قرن‌های نخستین اسلام قرآن‌های نفیسی مانند یک جلد قرآن به خط کوفی، بازمانده از قرن سوم هجری قمری که آیه‌ها روی پوست آهو نوشته شده و تعدادی از صفحه‌های آن مذهب و مطلا

### موزه‌ی هخامنشی در تخت جمشید

تخت جمشید حدود ۲۵۰۰ سال پیش توسط سلسله‌ی هخامنشی بنا شده است. این ساختمان، قدیمی‌ترین بنای ایران است که پس از بازسازی در مجموعه کاخ‌های تخت جمشید به کاربری موزه اختصاص یافته است.



این موزه، روز ۲۸ اردیبهشت سال ۱۳۸۱ شمسی مصادف با ۱۸ ماه مه سال ۲۰۰۲ میلادی و روز جهانی موزه گشایش یافت.

آثار موجود در موزه‌ی هخامنشی عبارتند از:

- هشت مهره‌ی چشم ساده به رنگ‌های زرد، سیاه، قهوه‌ای روشن و قهوه‌ای تیره در اندازه‌های گوناگون، این مهره‌ها در سال ۱۳۳۷ در تخت جمشید به دست آمده است.
- ۳۰ هزار گل نبشته، حاوی اسناد خزانه‌ی تخت جمشید به خط ایalamی که در سال ۱۳۱۳ در اتاقی تیغه‌شده و مربوط به دوره‌ی هخامنشیان پیدا شده است.

• چشم گوش گاو‌سنگی، سر و پنجه‌ی شیر از سنگ لاجورد، هم‌چنین مگس‌پران، خنجر، شمشیر، سرنیزه، پیکان، قرقه‌بالابرفلزی، بشقاب، سینی، لیوان، گلدان و هاون سنگی و قستی از پرده‌های سوخته‌ی تخت جمشید، گل میخ طلا، کتیبه‌ی جرم خسایارشا، کرنا (شیپور) مجمر فلزی، خشت لاجوردی و زینت‌آلات طلا و نقره را می‌توان در موزه‌ی هخامنشی تماشا کرد.

• پیکره شکسته‌ی سنگی دو گاو، مجسمه‌ی نیمه‌تمام کشف شده در سال ۱۳۳۲ در تخت جمشید، پنجه‌ی عقاب، جای پاشنه‌ی در، ته ستون، شال زیر ستون همراه با یک کتیبه، سرستون هخامنشی، از



### تئنگ موزه اهدایی امپراتور

آلمان به مظفرالدین شاه، مسلسل ریس علی دلواری و مجموعه تئنگ‌های میرزا کوچک‌خان و یاران وی از آثار دیدنی موزه نظامی به‌شمار می‌آیند.

### موزه‌ی تاریخ طبیعی

این موزه در سال ۱۳۵۳ تأسیس شد و در سال ۱۳۵۹ به ساختمان کنونی دانشگاه شیراز انتقال یافت. این موزه دارای بخش آناتومی، تکنولوژی، هنر، کارگاه هنر و تاکسیدرمی و کتابخانه و بخش سمعی و بصری است و در بخش جانورشناسی آن ۲۵۰ نمونه از بی‌مهرگان وجود دارد. همچنین انواع گوناگون مهره‌داران، دوزیستان، خزندگان و پرنده‌گان در این موزه به نمایش گذاشته شده است.

### موزه‌ی شاهچراغ(ع)

آثار موزه‌ی شاهچراغ از مجموعه‌ای از قرآن‌ها و نسخه‌های خطی، آثار سفالی دوره‌ی پیش از تاریخ و دوران اسلامی، نمونه‌های ظروف سنگی پیش از تاریخ، پارچه و پرده‌های سوزن‌دوزی، آثار شیشه‌ای مانند

انواع لاله، چراغ، شمعدن و گلاب‌پاش، ظروف چینی و فلزی و مجسمه‌های کوچک تشکیل شده است.  
دو لنگه در قدیمی حرم مطهر حضرت شاهچراغ(ع) که در سال ۱۲۸۹ هجری قمری توسط ظل‌السلطان



فرزند ناصرالدین شاه به آستان مبارک هدیه شده، از آثار ارزشمند و قابل توجه این موزه است.

### کتابخانه‌ی ملی و خانه‌های قدیمی

کتابخانه‌ی ملی پارس و خانه‌های تاریخی شیراز از اهمیت فراوانی برخوردارند و به همین سبب از آن‌ها نیز یاد می‌شود:  
کتابخانه‌ی ملی پارس یک مجموعه‌ی معتبر است که ددها هزار عنوان کتاب و نسخه‌های خطی را در خود نگه داشته است. این کتابخانه به همت شادروان رضا مزینی و با کمک‌های مادی و کتاب‌های اهدایی مردم شیراز تجهیز و در سال ۱۳۳۷ شمسی گشایش یافت. تعداد ۳۵۰ خانه‌ی تاریخی بالارزش در شیراز وجود دارد که بیشتر آن‌ها مسکونی است و سازمان میراث فرهنگی به مرمت آن‌ها توجه دارد. خانه‌ی سعادت، خانه‌ی شوریده شیرازی، خانه‌ی کازرونیان، خانه‌ی عطرفروش، خانه‌ی افشاریان، خانه‌ی صالحی، خانه‌ی محتشم و خانه‌ی فروغ‌الملک از جمله همین خانه‌ها به‌شمار می‌آیند.  
دو خانه از ۳۵۰ خانه‌ی تاریخی بهجا مانده، از دوره‌ی صفویه و بقیه از دوره قاجار است.

است و قرآن‌های از قرن‌های هفتم و هشتم و همچنین ظروف سفالی ارزشمندی موجود است.

شمیشیرهای شاه صفی و کریم‌خان زند ساخته شده از فولاد با دسته‌های از عاج، از بالارزش‌ترین آثار فلزی این موزه به‌شمار می‌آیند. همچنین نقاشی‌های سطوح داخلی ساختمان، تابلوهای رنگ و روغن نقاشی شده و آثار لاکی هنرمندان دوران صفویه، زند و قاجار مانند جعبه‌های آرایش، قاب آبینه، قلمدان و جلد‌های کتاب، برای هر بیننده‌ای حیرت‌انگیز و شگفت‌آور است.

### موزه‌ی قاجار

موزه‌ی قاجار در عمارت تاریخی **نصیرالملک** شیراز تأسیس شده است و آثاری از دوره‌ی قاجار در آن نگهداری می‌شود. کاسه‌های چینی منقوش، جعبه‌های لاکی، مرقع‌های خطی، قاب‌های آبینه، جلد کتاب، ظروف فلزی و انواع پوشاش استی از اشیا و آثار موجود در این موزه هستند.

### موزه‌ی سنگ‌های تاریخی

موزه‌ی سنگ‌های تاریخی در تکیه‌ی هفت‌تنان در دامنه‌ی کوه تخت خرابی (کوه چهل مقام) قرار دارد. این تکیه از بناهای کریم‌خان زند است. تالاری با سقفی که بر دو ستون بک پارچه استوار است، از دیدنی‌های این عمارت است. در تاقچه‌های بالای تالار، پنج مجلس روی گچ نقاشی شده که از شاهکارهای نقاشی دوره‌ی زندیه است و عبارتند از: درویشی با تبرزین و کشکول، نقش حضرت موسی در حال شبانی، شیخ صنعت و دختر ترسا، نقش حضرت ابراهیم و نقش درویش جوان.

این مجموعه در سال‌های ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ شمسی توسط شادروان **محمد باقر جهان‌میری** نقاش و هنرمند نامی تعمیر و تجدید شده است.

### موزه‌ی نارنجستان

در موزه‌ی نارنجستان قوام اشیایی مانند ظروف منقوش سفالی، لعابی و فلزی نگهداری می‌شود. عمارت موزه‌ی نارنجستان بخشی از مجموعه‌ی قوامی شیراز است که از مقارن با حکومت ناصرالدین شاه قاجار احداث شده است.

کیفیت معماری، ساختمان موزه را به صورت یک موزه‌ی معماری هنری شیراز، در عصر خود درآورده است.

### موزه‌ی نظامی

در عمارت تاریخی عفیف‌آباد شیراز، موزه‌ای به نام موزه نظامی در سال ۱۳۷۰ شمسی تأسیس شد. آثار نگهداری شده در این موزه نشان‌دهنده سیر تحول سلاح‌های سرد و گرم از دوره‌ی صفویه تا انقلاب اسلامی است.

تئنگ تک لول فتحعلی‌شاه قاجار، تئنگ دولول ناصرالدین شاه،

# بخش دوم سه ابزار ارزش

دکتر مهرم آقازاده

کلیدواژه‌ها: ارزش‌یابی توصیفی، ابزار، ارائه‌ی کلاسی، همایش (کنفرانس)، انشا، نمایشگاه و نمایش.

## اشاره

از شماره‌ی قبل و در درون پرونده‌ی ارزش‌یابی توصیفی، انتشار بخش نخست مقاله‌ی دکتر مهرم آقازاده، استاد دانشگاه و مشاور آموزشی یونسکو در ایران درباره‌ی ابزارهای ارزش‌یابی توصیفی را أغذیه کردیم. طبق تصمیمی که اتخاذ شده بود، قرار شده است ادامه‌ی بخش‌های جدید این مقاله، در شماره‌های دیگر مجله منتشر شود. مؤلف این مقاله در پایان بخش اول، ۱۶ ابزار را نام برد و شرح و بسط آن‌ها را به شماره‌های آتی موکول کرد. آن‌چه در پی می‌آید آشنایی با سه ابزار از ابزارهای ۱۶ گانه‌ای است که مؤلف از آن‌ها نام برد است.

## ۱. ارائه‌ی کلاسی<sup>۱</sup>

### تعريف

ارائه‌ی کلاسی سنجشی است که دانش‌آموز باید براساس آن دانسته‌هایش را به زبان آورد و نمونه‌هایی از کارهایش را که به پایان برد است، انتخاب و ارائه دهد. هم‌چنین، دانش‌آموز در ارائه‌ی کلاسی موظف است افکارش را به گونه‌ای سازمان‌دهی کند که بتواند خلاصه‌ای از آموخته‌هایش را عرضه کند.

### روش استفاده از ارائه‌ی کلاسی

- ارائه از جانب دانش‌آموز
- تدارک معیارهای ارزش‌یابی با هم‌آهنگی دانش‌آموز یا به تنها‌ی از سوی معلم
- تدارک و ارائه بازخورد شفاهی یا نوشتاری از جانب معلم

### مالحظات

- ارائه‌ی کلاسی طبیعی‌ترین شکل برای سنجش گفتارها، مذاکره‌ها و موضوعاتی نظری مطالعه‌ی زبان‌ها، اقواء و قبایل است.
- ارائه‌ی کلاسی باید به گونه‌ای طراحی و به اجرا درآید که دانش‌آموزان نتوانند تحول بیان و توانایی‌های زبان دیگر را به طور منفی قضاؤت کنند.
- ارائه‌ی کلاسی از مهارت‌های اساسی برای برقراری ارتباط است که باید آموخته شود، تمرین گردد، سنجیده و ارزش‌یابی شود.

### هدف

- ارائه‌ی کلاسی را می‌توان در موارد زیر به کار برد:
- ایجاد فرصت برای سنجش پایانی با استفاده از یک پروژه یا نوشتار تکمیل شده.
- زمانی که ارزش‌یابی مداد - کاغذی به درستی آموخته‌های دانش‌آموزان را به نمایش نمی‌گذارد.

### ویژگی‌ها

- ارائه‌ی کلاسی را دانش‌آموزان می‌توانند با مواد ملموسی که در

## ۳. انشا

### تعريف

انشا، گونه‌ای از ارزش‌یابی است که به منظور فهم و آگاهی از توانایی تحلیل و ترکیب اطلاعات از سوی یادگیرنده استفاده می‌شود. در واقع، انشا یک ارزش‌یابی است که با استفاده از آن، دانش‌آموزان برای تولید پاسخ همراه با بیان جزئیات، ارائه‌ی بیانیه‌ها، خلق تیترهای اصلی و فرعی و گاه طرح سؤالات، برانگیخته می‌شوند.

### هدف

از انشا می‌توان در موارد زیر بهره گرفت:

- ارزش‌یابی توانایی دانش‌آموزان در بیان افکار از طریق نوشتن (برای مثال، مقایسه، کاربرد اصول در موقعیت‌های جدید، سازمان‌دهی اطلاعات، استنباط، منقادسازی، تلفیق دانش و عمل، خلاصه‌سازی اطلاعات)
- ایجاد فرست برای یادگیرنده، برای بیان استدلال و برقراری ارتباط
- اندازه‌گیری فهم دانش‌آموزان و تسلط آنان بر اطلاعات پیچیده

### ویژگی‌ها

#### انشا

- زمینه‌ای برای ارزش‌یابی دانش، استدلال، مهارت‌های سازمان‌دهی و مهارت‌های ارتباطی یادگیرنده فراهم می‌آورد.
- به‌طور مستقیم و ملموس شواهدی از عملکرد مورد انتظار از یادگیرنده را در اختیار می‌گذارد.
- فرصت ارزش‌یابی عملکرد را براساس معیارهای زبان‌شناختی و فکری، نظری موجزبودن، ارتباط بیان استدلال‌ها و ارائه‌ی اطلاعات پشتیبان برای ادعاهای در اختیار می‌گذارد.

### روش استفاده از انشا

- استفاده از انشا برای بیان، ترکیب و تلفیق اطلاعات
- استفاده از انشا به مثابه ابزار تلفیق دروس
- استفاده از انشا برای ارزش‌یابی مهارت‌های عمومی و مهارت‌های برقراری ارتباط
- استفاده از انشا برای ارزش‌یابی مهارت‌های تفکر

### ملاحظات

- از انشا می‌توان برای ارزش‌یابی میزان توانایی یادگیرنده برای ارائه‌ی ایده‌ها، زبردستی در نگارش و فهم متون سود جست.
- انشا فرصتی برای ساخت و ساز معاشر فراهم می‌آورد.
- انشا از روش‌های ارزش‌یابی به صرفه، غیر زمان‌بر، پر فایده و اطمینان‌بخش نسبت به توان‌مندشدن یادگیرنده است.

## ۲. همايش

### تعريف

همايش، دیدار رسمی یا غيررسمی معلم با دانش‌آموزان و والدین برای پیجوبی برخی مسائل تربیتی است.

### هدف

از همايش می‌توان در موارد زیر بهره جست:

- تبادل اطلاعات یا ابراز ایده‌ها
- شناخت شیوه‌ی تفکر دانش‌آموزان و ارائه‌ی پیشنهادهای اصلاحی، تقویتی، ترغیبی
- سنجش سطح فهم دانش‌آموزان از مفهوم یا روش معین
- توان مندسازی دانش‌آموزان برای پیشرفت و موفقیت در کاری خاص
- بازبینی، روشن‌سازی و گسترش دادن پیش‌آموخته‌های دانش‌آموزان
- یاری کردن به دانش‌آموزان برای درونی کردن معیارهای یک کار موفق با قابل پذیرش در سطح عالی

### ویژگی‌ها

- همايش نیاز به بحث دارد، یعنی در هر همايشی باید موضوعی باشد تا بحثی در انداخته شود.
- زمانی همايش موفق است که همه‌ی شرکت‌کنندگان در قبال خود و دیگران احساس مسئولیت کنند.
- از همايش می‌توان در آغاز یادگیری یک مفهوم، ایده یا مهارتی از سوی دانش‌آموزان استفاده کرد.
- برای سنجش آغازین می‌توان از همايش بهره‌مند شد.

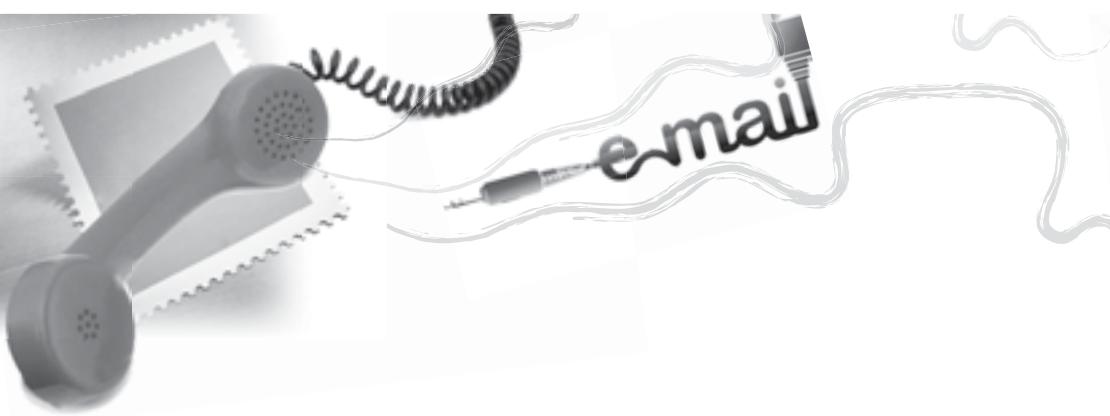
### روش استفاده از همايش

- ارائه‌ی سوال آغازین از سوی معلم و درخواست پاسخ
- ارائه‌ی بازخورد به هر پاسخ دهنده‌ای متناسب با سطح فهم و توان‌مندی‌هایش
- ایجاد امکان پیشرفت برای دانش‌آموزان، متناسب با سیر پیشرفت‌شان
- تأکید بر فرآیند استدلال دانش‌آموزان
- ثبت و ضبط اطلاعات تولید شده در طی همايش و پس از آن

### ملاحظات

- از همايش می‌توان به مثابه بخشی از فرآیند برنامه‌ریزی مشارکتی یا تصمیم‌گیری سود جست.
- همايش را می‌توان با سوال‌های از پیش تعیین شده، غنی ساخت.

پی‌نوشت



# ماهیّم، چون شما هستید و مجله‌ی خودتان را می‌خوانید

اشارة

در صفحه‌ی با همراهان، با مخاطبان مجله همراه می‌شویم. در این شماره نیز به پاره‌ای از نامه‌ها و نوشته‌ها و مکتوباتی که از خوانندگان محترم دریافت داشته‌ایم، اشاره‌هایی کرده‌ایم. برای تماس با ما از راههای ارتباطی گوناگونی که در شناسنامه‌ی مجله نوشته شده است، بهره بگیرید.

چاپ می‌رسد. شما هم می‌توانید از این مطالب استفاده فرمایید.

- خانم رضوانه علیزاده، فوق دیپلم آموزش ابتدایی از مرند، اشعاری که فرستاده‌اید، مناسب مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی نیست و بیشتر به کار مجلات ادبی، بهویژه مجلاتی که در حوزه‌ی نقد ادبی و شعر مدرن کار می‌کنند؛ می‌آید. موفق باشید.

\*\*\*

## □ سپاسگزاریم

- از اکبر احمدیان با غبارانی، مدیر دبستان عدل دانشگاه اصفهان؛ به سبب علاقه، پی‌گیری‌های مداوم و ارسال نوشته‌های فراوان به دفتر مجله در حوزه‌های گوناگون و ارائه‌ی بازخورد به نوشته‌های مجله در حد یک خواننده‌ی حرفه‌ای. نامه‌های ایشان، به تمامی معنا، اعضای تحریریه مجله را سرذوق می‌آورد. از ایشان ممنونیم.

- از فرشته مطاعی، آموزگار دبستان ملک‌الشعرای بهار، کرمانشاه؛ برای ارسال نوشته‌ای درباره‌ی آموزش مفهوم جمع و تفرقی با ورزش در پایه‌ی اول ابتدایی.

- از نیلوفر شمسی، آموزگار دبستان عصمت، خرم‌آباد لرستان؛ برای اجرای طرح «سبحانه در مدرسه» و ارسال عکس‌های مربوط به طرح، به دفتر مجله.

- از پروین اندیش، آموزگار دبستان از شهرستان داراب؛ برای ارسال مقاله‌ای درباره‌ی ارزش‌یابی توصیفی.

- از نرجس مرتضوی، از شهرستان بابلسر؛ به خاطر نگارش مقاله‌ی «از نوشتمن املاکیت لذت ببر» و بهره‌جويی از تجربه‌های چاپ شده در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی در سال‌های گذشته در زمینه‌ی آموزش املا و نیز نگارش مقاله‌ای با عنوان «نگاه شیرین به ادبیات فارسی».

مقالات و نوشته‌های دوستانی را که نام آن‌ها در بی می‌آید، دریافت کردیم. به دلیل بالا بودن آثار دریافت شده از همکاران و محدودیت صفحات مجله، متأسفانه چاپ آثار این همکاران در رشد آموزش ابتدایی میسر نیست:

زهرا ذکریاپور (آموزگار دبستان عفت، بوئین‌زهرا، قزوین)، عباس عبدالحسین‌زاده (کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، تربت‌حیدریه)، هلاله حیدری (فرهنگی از مریوان)، فاطمه عزلتی مقدم (آموزگار پایه‌ی پنجم دبستان محدث قمی، ناحیه‌ی یک قم)، شهپر ازدهایی (آموزگار پایه‌ی دوم، منطقه‌ی دو تهران)، فاطمه اسفندیاری (آموزگار پایه‌ی اول دبستان حافظ، بابلسر)، نسرین امامی‌زاده (مشاور دبیرستان فرزانگان، مشکین‌شهر)، عبدالواحد باهیئت (آموزگار چندپایه، خواف خراسان رضوی) و تبارکه رحیمی (آموزگار دبستان رسول اکرم(ص)، خرم‌دره).

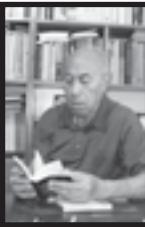
\*\*\*

## پاسخ به برخی نامه‌ها و نوشته‌ها

- خانم مرضیه نیکویی، فوق دیپلم و مرتبی بهداشت از شهر اقلید فارس، از ما خواسته‌اند مجله‌ای را هم برای مریان بهداشت و بهداشت‌یاران منتشر کنیم یا در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی و مجله‌های دانش‌آموزی رشد، ستونی را هم به دانش‌آموزان بهداشت‌یار مدارس اختصاص دهیم.

ضمن سپاس از این همکار محترم، باید به استحضار برسانیم در حال حاضر، امکان افزایش مجله‌ی جدید در زیرمجموعه‌ی ۳۱ گانه‌ی مجلات رشد وجود ندارد. همچنین این که به هر یک از فعالیت‌ها و بخش‌های آموزش و پرورش مانند فعالیت‌های بهداشتی دانش‌آموزان در قالب طرح بهداشت‌یاران مدارس، در مجلات ستونی اختصاص داده شود، منطقی به نظر نمی‌رسد. ولی اگر دقت بفرمایید در همه‌ی مجلات رشد، مباحثی مرتبط با بهداشت معلمان و دانش‌آموزان، به طور مرتبت به

# روان‌شناسی



می‌آیند  
غمازدگی  
از زندگی



## معاصر کودک

امروز و فردای جهان از آن مردمی است که از اطلاعات و ارتباطات روز بربوردارند.

در دنیای امروز، خرد در جمع معاشر پیدا می‌کند و شناخت وی هنگامی معتبر خواهد بود که او را در محیط اجتماعی و فرهنگ حاکم بر زندگی او مطالعه کنیم.

روان‌شناسی علمی امروز، رفتار خرد را، اعم از خردسال و بزرگ‌سال، در محیط اجتماعی مطالعه می‌کند، چون بر این باور است که رفتار آدمی، بدون استثناء، رنگ جامعه و فرهنگ آن را منعکس می‌کند و مطالعه و شناخت آن طبعاً باید به رعایت و پژوهش دقیق ساختار زیر انجام گیرد:

طبیعت × تربیت × زمان = رفتار

پس روان‌شناسی کودک به طور طبیعی کودک را در محیط اجتماعی (خانواده، جامعه و مدرسه) مطالعه می‌کند نه در خالق. به عبارت دیگر، وقتی خواستیم کودکی را بشناسیم و به چند و چون رفتارهای او پی ببریم، حتماً باید به پرسش‌های زیر بیندیشیم:

۱. او چیست و کیست؟

۲. با چه کسانی زندگی می‌کند؟

۳. در چه شرایط اجتماعی زندگی می‌کند؟

۴. چه نوع فرهنگی بر او حاکم است؟

۵. او خود را چگونه می‌بیند؟

۶. انتظار دارد چگونه باشد؟

۷. انتظار دارد چگونه با او رفتار کنند؟

این گونه پرسش‌ها و پاسخ‌های آن‌ها را می‌توان در یک عبارت خلاصه کرد: چند و چون ارتباط‌های کودک

رفتار کودک با دیگران، اعم از والدین و دیگران، چه گونه است. رفتارش اعم از پندار و گفتار و کردار، با خویشتن و ایشان مثبت است یا منفی؟ در واقع روان‌شناسی و به‌طور عمده روان‌شناسی اجتماعی به



۴۱  
آموزش‌اندیشه  
دشی ۱۵۰ انساری ۹۰  
آبان

# برقراری

## ارتباط با

## کودک

### دوره‌ی غیرحضوری

کد دوره: ۹۱۴۰۰۵۲۰

میزان ساعت: ۲۴

قطع و زمینه: ابتدایی

برگزارکنندگان:

• مرکز برنامه‌ریزی و آموزش

نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش

• دفتر انتشارات کمک آموزشی

پرونده‌ی ضمیمه‌ی  
رشد آموزش ابتدایی  
شماره‌های ۱ تا ۴  
(مهر، آبان، آذر و دی ماه ۱۳۹۰)

جز این هدفی ندارد و می‌کوشد رفتار خود را در جمع و آثار متقابل او و جامعه را دریابد، چون بر این باور است که عامل عمده‌ی تعیین و تغییر رفتار فرد بهویشه در دوران کودکی و نوجوانی، محیط اجتماعی است. بنابراین روان‌شناسی، به یک معنا، روان‌شناسی ارتباطات است و سلامت خرد تنها در جامعه و فرهنگ سالم امکان پذیر است. به عبارت دیگر، خانواده‌ی سالم را در جای سالم می‌توان یافت و خرد سالم را در خانواده‌ی سالم، پس، ارتباط‌های اعضای خانواده، مهم ترین و اساسی‌ترین مؤلفه‌ی تعیین‌کننده‌ی چند و چون و ارتباط‌های آن خانواده با جامعه است.

شاید بتوان گفت نتنها روان‌شناسی بلکه همه‌ی علوم و معارف اعم از فلسفه و علم و هنر و اخلاق از روابط و ارتباطات بحث می‌کنند، جز این که روان‌شناسی به‌طور عمده به تأثیر مقابل خرد و جامعه می‌پردازد. تربیت یا آموزش - پرورش نیز طبعاً نوعی ارتباط برقرار کردن است. پس مطالعه‌ی روان‌شناسی کودک در واقع، مطالعه‌ی وضع تاثیر او از اطرافیان و وضع تأثیرش در ایشان است.

در مطالعه‌ی روان‌شناسی کودک در حوزه‌ی آموزش و پرورش باید چند نکته‌ی زیر را به یاد داشته باشیم:

۱. آگاه شدن از احساسات و نیازهای کودک، تنها با مطالعه‌ی چند کتاب، امکان ندارد، بلکه این شناخت به‌ترتیج و در تجربه‌های روز به روز حاصل می‌شود. به همین سبب توصیه می‌شود کلاس‌های دوره‌ی ابتدایی، معلمان ثابت داشته باشند. یعنی معلم کلاس اول ابتدایی، معلم کلاس دوم همان نیز بسود تا شناخت نسبتاً معتبر و مطمئن از ایشان و اولیای ایشان به دست آورد.

۲. معرفت حقایق آموزش - پرورش و نظریه‌های نوین درباره‌ی روش‌های تربیت برای شناخت و تربیت کودکان، ضروری است؛ به شرط این که با بیشن و خلاقیت توأم باشد.

۳. این اختلال را فراموش نکیم که ممکن است نظریه‌های مربوط به رشد و تکامل و یادگیری کودکان گاهی با هم دیگر متناقض باشند. ما ناگزیریم حقایق هر نظریه را بگیریم و به کار ببریم، چون ما معلم هستیم و هدفی جز کمک کردن به تغییر مطلوب رفتار دانش‌آموزان خود نداریم. به عبارت دیگر ما معلمان، روان‌شناسی‌های گوناگون را مطالعه می‌کنیم نه صرفاً برای روان‌شناس شدن، بلکه برای شناخت نسبی و مطمئن کودک.

۴. این حقیقت را همیشه در نظر داشته باشیم که بهترین، کامل ترین و جامع ترین کتاب روان‌شناسی کودک، خود کودک است. از این رو می‌گوییم که معلم شایسته در واقع و عملایک پژوهش‌گر شایسته است و بیوسته و در همه‌ی فعالیت‌های خود می‌کوشد تک‌تک

دانش‌آموزان خود را آن چنان که هستند، بشناسد. چون رد شدن یا تعییر یافتن مستلزم دریافت «بودن» است، چیست؟ یا چه بوده یا چه هست.

اکنون می‌خواهد یا می‌تواند «چه بشود»؟

۵. هرگز این واقعیت را فراموش نکنیم که دانش‌آموزان به‌طور طبیعی با یکدیگر متفاوتند:

- یکسان رشد نمی‌کنند.
- یکسان یاد نمی‌گیرند.
- انتظارات همسان ندارند.
- خانواده‌هایی متفاوتی دارند.

- از دیده‌ها و شنیده‌ها برداشت‌های یکسانی ندارند.

- با تجربه‌های متفاوتی به مدرسه می‌آیند و انتظارهای متفاوتی از آن دارند.

- از تشویق و تنبیه، یکسان متأثر نمی‌شوند.

- بینش‌های متفاوتی دارند.

- هر کودک، خانواده‌ی خود را به مدرسه می‌آورد؛ یا رفتارهای کودک طبعاً نمایان گرفه‌نگ خانواده‌ی اوست.

- هر کودک به محبت، امنیت خاطر، و آزادی رشد و تکامل نیاز دارد.

- محیط عاطفی (هیجانی) که کودک در آن بزرگ می‌شود، طبعاً موجب قوت و ضعف در شکوفا شدن استعدادهای او است. در واقع، مثبت و منفی بودن و شدن رفتارهای کودک عمدتاً از همین عالم متأثر می‌شود.

- کودک در همین دوران است که می‌تواند (یا باید) یاد بگیرد یا مسؤول اعمال خودش است و این مسؤولیت را بپذیرد.

- کودک در همین دوره است که می‌تواند (یا باید) روش‌های درست یادگیری را یاد بگیرد.

با توجه به این گونه یافته‌ها درباره‌ی روان‌شناسی کودک، اولیا و معلمان باید واقعیت‌های زیر را همیشه به یاد داشته باشیم و رعایت کنیم:

۱. هر دانش‌آموز را، آن چنان که هست، پذیریم.
۲. هرگز دانش‌آموزان خود را با یک دیگر مقایسه نکنیم.
۳. هر دانش‌آموز را با اسم کوچک صدا کنیم.
۴. هرگز دانش‌آموزی را پیش هم کلاس‌انش تحقیر نکنیم و راهنمایی‌های خود را به شکل گروهی مطرح کنیم.

۵. هیچ دانش‌آموزی را به سایر دانش‌آموزان ترجیح ندهیم، به‌طوری که همگی علماً دریابند که برای ما مطرح هستند.

۶. دانش‌آموزان از اولیا و ما معلمان یاد می‌گیرند که با مردم چگونه



## نمانند

۱۸. دانش آموزان از ما یاد می گیرند (یا باید یاد بگیرند) چگونه شکسته‌های اجتماعی خود را فرصت‌های تغییر و پیشرفت تلقی کنند و نالامید نشوند.
۱۹. دانش آموزان از ما یاد می گیرند که انعطاف‌پذیری، از شرایط ارتباط‌های سالم است و تعصب و یک‌نندگی، مخرب آن‌ها.
۲۰. رغبت و نیاز به کسب اطلاعات، که شرط ضروری ارتباطات است، یادگیری بر می‌انگیراند. از این‌رو، شناخت رغبت‌ها و نیازهای تک‌تک دانش آموزان و برانگیختن آن‌ها از مهارت‌های اساسی معلم است.
۲۱. مطالعات یادگیری نشان داده‌اند که کودکان هنگامی خوب یاد می‌گیرند که در انتخاب و برنامه‌ریزی فعالیت‌های یادگیری راهنمایی شوند.
۲۲. کودکان از اولیا و معلمان خود یاد می‌گیرند که چگونه به دیگران، به خصوص اولیا و معلمانشان، احترام بگذارند و به ایشان محبت کنند.
- در هر صورت باید این واقعیت را بپذیریم که تربیت یا آموزش-پرورش یعنی معلمی، کاری است بسیار دشوار و مستلزم تحمل خستگی و گاهی ناکامی؛ این نیز بدون برخورداری از عشق و بردباری غیرممکن است. مطالعه‌ی مداوم روان‌شناسی بهویژه روان‌شناسی کودک و نوجوان و دقیق شدن در پندره‌ها، گفтарهای، و کردارهای دانش آموزان، طبعاً عشق و بردباری را در معلمان تقویت می‌کند. دانش آموزان حتی خردسال از گفтарهای و کردارهای معلم به بود و نبود و چگونگی همین عشق و تحمل پی‌می‌برند.

### کارکرد اساسی آموزش این است:

- چشمان انسان‌ها را باز کند تا بیدار شوند و فکر نکنند  
شیوه‌هایی که هم‌اکنون با آن‌ها زندگی می‌کنند روشنی است که هر کس در هر زمان باید با آن زندگی کند.  
مؤلفه‌های اساسی آموزش-پرورش عبارتند از:
- بی‌بود قدرت ذهنی و تفکر انتقادی و خلاق
  - آماده شدن برای مهارت‌های حرفاًی
  - ترویج و توسعه‌ی احساس مطلوب اخلاقی که زندگی اخلاقی است و به هستی افراد، معنا می‌بخشد.

باشند و چگونه خود تعامل کنند. فراموش نکنیم که کودکان در پندر و گفтар و کردارشان از اطرافیان خود تقلید می‌کنند. بنابراین، در بحث‌های اخلاقی باید خودمان الگوی همان باشیم که انتظار داریم دانش آموزان باشند و به جای پند و اندرزهای کلامی، الگوهای زنده نشان دهیم و از پرداختن به احوال در گذشتگان تا حد امکان پرهیز کنیم.

۷. کارهای گروهی را تحریک و تشویق نکنیم تا به گونه‌ای عملی یاد بگیرند که چگونه هم‌زیستی سالم داشته باشند و از آن لذت ببرند.

۸. مدرسه و کلاس‌ها را محیط شاد و شادی برانگیز گردانیم زیرا که شادی از ضرورت‌های یادگیری فعل است.

۹. برای هر یک از دانش آموزان خود پرونده‌ی محربمانه‌ای تشکیل بدھیم و هنگام ارتقای کلاس، آن پرونده‌ها را در اختیار معلم کلاس بعد قرار دهیم.

۱۰. ما معلمان، خود همیشه دانش آموز باشیم. گوش کنیم، بخوانیم، و اطلاعات و تجربه‌های خود را پیوسته براساس یافته‌های علمی و فنی تازه، ارزش‌بابی کنیم.

۱۱. کتاب‌هایی را که خود به طور دقیق نخوانده‌ایم به دانش آموز توصیه نکنیم.

۱۲. تفکر انتقادی و خلاق را در ایشان تحریک و تقویت کنیم. بهترین وسیله برای این فرایند مهم، استفاده از داستان‌هاست.

۱۳. فعالیت‌های آموزشی آزاد (فوق برنامه) را بسیار جدی تلقی نکنیم زیرا که بهترین فرصت شناخت هر دانش آموز و تشویق او برای تفکر انتقادی، خلاق، احساس مسئولیت، اظهار و اثبات وجود، خودشکوفایی، روش‌های درست هم‌زیستی و ارتباط سالم با دیگران، یادگیری چگونه همکاری و همیاری کردن، پی‌بردن به هویت خویش، ارزیابی خویشتن، تقویت عزت‌نفس، شناخت موقعیت‌ها و ارزیابی آن‌ها است.

۱۴. فراموش نکنیم که فرایند «یادگیری» قلب آموزش-پرورش، و «انگیزش» قلب یادگیری است. پس نقش عمد و پایه‌ای هر معلم، برانگیختن فرایند یادگیری دانش آموز است.

۱۵. باید به دانش آموز کمک نکنیم که خود بفهمند، نه این که ما به ایشان بفهمانیم که «فهمیدن» شرط مهم یادگیری است.

۱۶. همواره به یاد داشته باشیم که مدرسه و کلاس، محل نسبتاً مطمئن و مثبت زندگی است، نه آماده شدن برای زندگی. دانش آموزان از ما یاد می‌گیرند چگونه شاد زندگی کنند و چگونه از بودن با دیگران و همیاری با ایشان لذت ببرند.

۱۷. دانش آموزان از ما یاد می‌گیرند (یا باید یاد بگیرند) که کتاب‌ها را بخوانند، اما در کتاب‌ها نمانند و گذشته‌ها را بخوانند اما در گذشتگان

# یادمن باشد که ...

ابراهیم اصلانی

راهنمای برقراری ارتباط با کودکان تصویرگر: سام سلامی

خوب است گاهی به خود ارزیابی پردازیم و ببینیم که تا چه اندازه به این موضوع وفاداریم. فراموش نکنیم که انتظارات و توقعات ما از دانش آموزان، خاستگاهی فلسفی و فکری دارد. تلاش عمده‌ی غیر عمده‌ی برای تحقیر یک فرد، در واقع بیان گریک طرز فکر است. اعمال تعییض خواسته و ناخواسته بین عده‌ای، نشان دهنده‌ی نگاه‌ها به انسان و انسانیت است. به همین ترتیب، هر رفتار ارتباطی می‌تواند بخشی از آن چه که در درون و افکار مارخ می‌دهد را بنمایاند. بیایید با مرور نکته‌هایی که ممکن است در کلاس پیش بیایند به ارزیابی خاستگاه افکارمان پردازیم.

ارتباط فرصتی است تا انسان شخصیت واقعی خود را بشناسد. جرج برنارد شاو می‌گوید: «محک تربیت هر مرد و زنی نحوه‌ی رفتار او در دعوا و مرافعه است.»

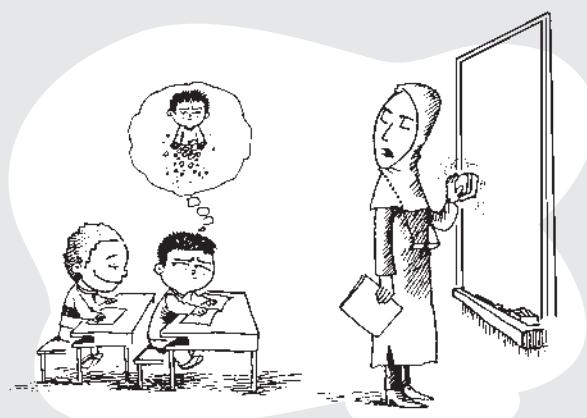
این جا نمی‌خواهیم از بگو و مگو و دعوا صحبت کنیم، ولی می‌توانیم به این واقیت بیندیشیم که پیام‌های کلامی و غیر کلامی در جریان ارتباط، نشان دهنده‌ی شخصیت و طرز تفکرها هستند. گاهی ممکن است به صورت ناخودآگاه از واژه‌ها و اصطلاحاتی در کلاس استفاده کنیم که نه تنها مخل فرایند ارتباط هستند، بلکه با مبانی انسانی تربیت هم منافات دارند.

اگر ذات تربیت را در محبت و احترام به انسان‌ها بدانیم،



۲. با خرده فرهنگ‌ها، باورها و ارزش‌های شهر، منطقه، محله و محیطی که در آن کار می‌کنم، آشنا شوم.

۱. در کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات و جمله‌ها بیشتر دقت کنم.

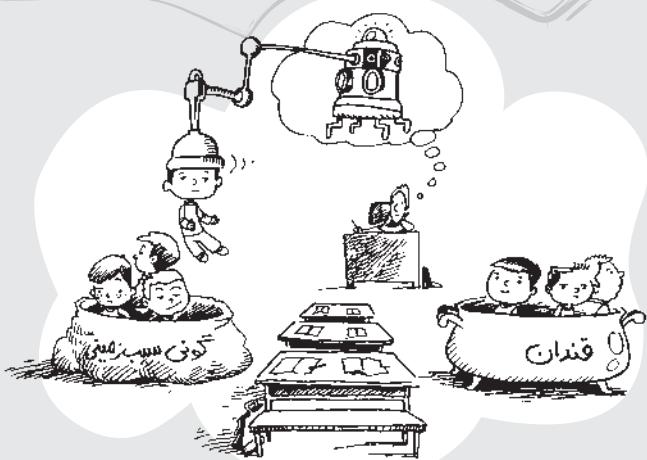


۴. به عمد و غیرعمد، کسی را تحقیر نکنم.

۳. با پیشداوری و قضاوت از روی ظواهر، به سراغ دانش آموزان نروم.

۴۴  
نیزه

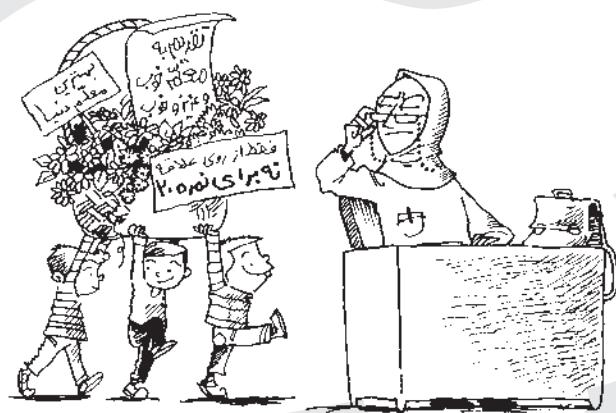
آموزش اسلامی  
دوره‌ی ۱۵ / انسان‌گویی ۲  
آبان ۹۰



۶. گاهی ممکن است بدون آن که بخواهم یا متوجه باشم، رفتارم تبعیض آمیز باشد.



۵. بین دانشآموزان تبعیض قائل نشوم.



۸. نباید زمینه‌ای فراهم کنم که عده‌ای از دانشآموزان چاپلوس و متملق بار بیاپند.



۷. نه بر کسی اسم یا لقب بگذارم و نه به کسی اجازه بدhem این کار را بکند.



۴۵

دانشآموزان  
دویی ۱۵ انساری  
۹۰ آبان

۱۰. گاهی ارزیابی کنم که: «آیا رفتارهایم محیطی آرام و لذت‌بخش برای دانشآموزان فراهم می‌کند یا محیطی به ظاهر آرام، ولی پرتنش؟»



۹. ثبات شخصیت و تعادل عاطفی من موجب آرامش و اطمینان دانشآموزان خواهد شد.

دکتر محمدی محسنیان راد

# زبان بدن

## اهمیت پیام‌های غیرکلامی در ارتباطات

### اشاره

در بحث از ارتباطات انسانی، نمی‌توان به سادگی از موضوع ارتباطات غیرکلامی گذشت. به طور معمول، پیام‌های غیرکلامی همیشه آگاهانه ارسال نمی‌شوند. این بدان معناست که فرستنده باید به اهمیت ارتباطات غیرکلامی واقف بوده و دقت بیشتری در مورد پیام‌های غیرکلامی به خرج دهد.

برای توصیف و توضیح پیام‌های غیرکلامی مناسب دیدیم کتاب «ارتباطشناسی» دکتر مهدی محسنیان راد را که اثری ارزشمند در این ارتباط است، به عنوان منبع انتخاب کنیم. کتاب توسط انتشارات سروش و بارها به چاپ رسیده است. مطلبی که می‌خواهیم توسط نورمحمد خادمی‌فرد تلخیص و تنظیم شده است و دارای تحلیل‌ها و نکات بسیار جالبی است.

### أنواع پیام‌های غیرکلامی

یا آهسته با پایمان ضرب می‌گیریم. پیام‌های غیرکلامی ما در کنش‌های متقابل انسانی می‌توانند بسیار مهم‌تر از اعتباری باشند که برای آن‌ها قائل هستیم. قبل از تکامل شیوه‌های ارتباط کلامی از سوی انسان، ارتباط بدنی از قسمت‌های اصلی سیستم ارتباطی بوده است. اکنون نیز حرکات بدن یکی از وسیله‌های اصلی برای انتقال پیام در ارتباطات انسانی است، زیرا سخن‌گفتن؛ به تنها‌ی قادر به انجام آن نیست.

فرایند ارتباط بیش از تبادل کلام است و در حقیقت ارتباط می‌تواند بدون هیچ کلامی نیز صورت گیرد، چنان که اکثرًا چنین اتفاق می‌افتد. مثلاً هرگاه دو یا چند نفر با هم باشند، می‌بینیم که ارتباط غیرکلامی بین آنان در تمام مدت در حال انجام است در حالی که ارتباط کلامی فقط گاهی صورت می‌گیرد. تفاوت بین ارتباط کلامی و غیرکلامی به سادگی مقابسه‌ای اعمال و صحبت نیست.

از ارتباطات غیرکلامی، می‌نویسد: «واژه‌ی ارتباط غیرکلامی به دامنه‌ی وسیعی از پدیده‌هایی گفته می‌شود که پهنه‌ی وسیعی را می‌پوشانند. از بیان چهره‌ای و اشاره‌ی تا مده، از وضعیت نمادی تا رقص، تئاتر، موسیقی و پاتنومی؛ از جریان تأثیرگذاری تا جریان ترافیک، از حاکمیت‌جویی حیوانات تا تشریفات دیپلماتیک؛ از ادراکات موفق‌حسی تا رایانه‌های تمثیلی و از علم معانی مربوط به خشونت تا علم معانی مربوط به رقص‌های ابتدایی. فیلم‌های صامت چارلی چاپلین نمادی از ارتباط بدون کلام بودند که هنوز هم از آن‌ها تعریف و تمجید می‌شود.»

### رمز و راز حرکات بدن

ما در زندگی روزمره به طور مرتب پیام‌های غیرکلامی می‌فرستیم، چشمک می‌زنیم، ادا درمی‌آوریم، دست‌هایمان را حرکت می‌دهیم، با دست‌ها اشاره می‌کنیم

برخی از پیام‌ها از رمزهای غیرکلامی استفاده می‌کنند. به عنوان مثال برخی از آدمها با قراردادن کف دست بر سینه و پایین آوردن مختصر سر، به دیگران اظهار ارادت و دوستی می‌کنند. این عملی ارادی است که فرد براساس قراردادهایی که در اجتماعش وجود دارد، پیامی را می‌فرستد. ممکن است با فردی شروع به صحبت کنید و بینید که رنگ رخسار او به تدریج سرخ می‌شود. از این سرخ شدن صورت نیز پیامی دریافت می‌کنید. اما در اینجا فرستنده‌ی این پیام، پیام خود را به صورت غیرارادی می‌فرستد. پس می‌توان پیام‌های غیرکلامی را به دو دسته تقسیم کرد:

۱. پیام‌های ارادی که مطابق با قراردادهای اجتماعی هستند.
۲. پیام‌های غیرارادی که ناشی از فعل و انفعالات فیزیولوژیکی بدن هستند.

بوس ماجیان در تعریف توضیحی خود





کند. افراد آن دسته از پیام‌های غیرکلامی را که به آن خو گرفته‌اند

(آموخته‌اند) و از طریق نشانه‌های غیرکلامی قراردادی (رمزهای غیرکلامی)، دریافت می‌دارند، بهتر درک می‌کنند تا تشریح حرکات همان پیام به صورت کلامی. سپس می‌توان نتیجه گرفت که شاید صحیح این باشد که پیام‌های غیرکلامی را به دو دسته پیام‌های حاوی رمزهای قراردادی غیرکلامی و پیام‌های حاوی نشانه‌های غیرکلامی تقسیم کنیم. به این ترتیب حرکت سر به معنی بله، یک رمز قراردادی غیرکلامی و ترس از طریق چشم، پلک و گوش، یک نشانه‌ی غیرکلامی محسوب می‌شود.

## دریافت پیام‌های غیرکلامی آگاهانه است

مردم بیش از آن که آگاهانه پیام‌های غیرکلامی را ارسال کنند، آگاهانه پیام‌های غیرکلامی دیگران را دریافت می‌کنند. شنیدن و دیدن از دیدگاه گیرنده‌ی پیام، مهم‌ترین منابع کسب اطلاعات هستند. دلیل تمایز و برتری دیدن و شنیدن در مقابل سایر حس‌ها چند ویژگی آن‌هاست: عمل دریافت پیام را به‌طور مداوم انجام می‌دهند، می‌توانید پیام‌ها را هم‌زمان و یا به‌طور متوازن دریافت کنند و از این لحظه که گیرنده‌ی پیام، از آن‌ها به‌طور انتخابی برای دریافت پیام‌ها استفاده می‌کند، دارای اهمیت هستند. دیدن در مقابل شنیدن، خود از برتری ویژه‌ای برخوردار است. در حالی که گوش‌های ما همیشه باز است، سیستم شنیدن نسبت به دیدن، کم‌تر فعال است. در واقع مابیشتر با چشم‌هایمان می‌توانیم جستجو کنیم تا با گوش‌هایمان. سیستم شنیداری دارای عملکرد پی‌دریی است، در حالی که سیستم دیداری دارای توانایی بیشتر و ساده‌تری برای دریافت محرك‌های هم‌زمان است. اگرچه ممکن است تمرکز بر روی یکی از جنبه‌های فرستنده‌ی پیام را به‌طور دیداری

یک تفسیر را در صحبت نشان می‌دهند یا اقامی کنند.

(ت) تطبیق‌دهنده‌ها، حرکاتی هستند که مربوط به نیاز فرد یا بیان هیجانات می‌شوند.  
(ث) ابراز احساسات، که ویژه‌ی بیان احساس به وسیله‌ی چهره است.

## رفتار غیرکلامی؛ بیان گرا احساسات حقیقی

حرکات گوناگون انسان در بسیاری از موارد حاوی پیام‌های غیرکلامی است. به هنگام فرستادن پیام‌های غیرکلامی ما نمی‌توانیم متوجه همه‌ی رفتارمان باشیم و آن‌ها را دریابیم. معمولاً صدایمان را می‌توانیم، بشنویم اما نمی‌توانیم حرکات، اشارات و چگونگی بیان خود را درک کنیم، زیرا این گونه از رفتارهای غیرکلامی نمونه‌هایی مبهم‌تر و مدام‌تر از سخن گفتن هستند. مضافاً این که آن‌ها در حوزه‌ی خودآگاهی ما کمتر دارای اهمیتند. این اعتقاد وجود دارد که فرستنده، به رفتار غیرکلامی خود کمتر از سخن گفتن نظارت مستقیم دارد و به همین دلیل این فرضیه از سوی بعضی از پژوهش‌گران مطرح شده است که رفتار غیرکلامی بر احساسات حقیقی مادلات دارد آن‌چنان که یک هنرمند پاتومیم، **مارسل مارسو** گفت: «زبان همیشه غیرقابل اعتماد بوده است، زیرا همیشه در بیان حقیقت دروغ‌هایی وجود دارد. مردم با کلمات، بسیار به اشتیاه انداخته شده‌اند.»

وقتی اشخاص خود و یا دیگران را گول می‌زنند، شاید بدن بیش از چهره، درستی عمل را نشان دهد. از نظر محققان، چهره یکی از منابع آشکارکرن احساسات بهشمار می‌آید. در فرایند ارتباط، نوعی بمباران پیام انجام می‌گیرد، بمباران از منابع متعدد، هم‌زمان، پشت سرهم و واسطه به یکدیگر. گیرنده فقط شمار کوچکی از این پیام‌ها را که مورد توجه او قرار گیرند، انتخاب می‌کند. بنابراین، فرستنده‌ی پیام باید یا قادر باشد، توجه گیرنده را به پیام مورد نظر متمرکز کند و یا این که فرایند را نظارت و موضوع‌های بی‌ربط را حذف

واقعی‌ترین نمونه از ارتباط کلامی، زبان نوشتراری و گفتاری است و بهترین مثال برای ارتباط غیرکلامی، بیان چهره‌ای و اشارات بدنی است. ضمن آن که آهنگ صدا و لحن، سکوت‌های بین کلمات یا تکیه بر کلمه‌ای نیز، نمونه‌هایی از ارتباط غیرکلامی است. از یک طرف بازگوکردن یا ترجمه‌ی زبان غیرکلامی به صورت پیام کلامی مشکل است و از طرف دیگر استفاده از شکل غیرکلامی برای بیان روابط منطقی نیز نامناسب جلوه می‌کند. به علت تمثیلی بودن ارتباط غیرکلامی، یادگیری آن نیاز به آموزش کمتری برای فهمیدن دارد. یک عمل غیرکلامی می‌تواند دارای معانی متفاوت یا برداشت‌های گوناگون باشد. رفتارهای غیرکلامی ممکن است:

۱. در یک حد بالای آگاهی طرح ریزی و انجام شوند.

۲. بدون قصد انجام شوند.

۳. بسیار عادی باشند، به‌طوری که ما از آن آگاه نباشیم.

سیستم ارتباط غیرکلامی هر فرستنده دارای چهار دستگاه اصلی به عنوان شبکه‌ی ارتباطی است: «چهره، چشم‌ها، بدن و صدا». **بیدواستل** طرحی را انجام داده است که سعی شده همه‌ی حرکات بشر کدگزاری شود. در این روش، بدن به هشت قسمت اصلی تقسیم شده است: «مجموعه‌ی سر»؛ «صورت»؛ «بدن»؛ «شانه، بازو و کمر»؛ «دست و انگشت»؛ «لگن، ران و پاشنه‌ی پا»؛ «پا» و «گردن».

**فرایزن و اکمن** نیز طرحی را در پنج مقوله تهییه کرده‌اند که شامل موارد زیر است: (الف) رموز، حرکاتی که جانشین کلمات می‌شود.

(ب) مصورها، حرکاتی که صحبت را همراهی و یا دوی یک کلمه‌ی خاص تکیه می‌کند و در واقع در صحبت کردن جانشین علائمی چون نقطه، ویرگول، علامت سوال و غیره می‌شود که در یک متن به کار می‌رود.

(پ) تنظیم‌کننده‌ها، حرکاتی هستند که

هزار نکته‌ی سربسته، بی‌میانجی حرف ز غنچه‌ی دهن تنگ یار می‌شونم

چون نای، لب بسته سراپای زبانیم  
در ظاهر اگر نیست زبان در دهن ما

برگ خزان رسیده بود ترجمان باع  
از رنگ چهره، حال مرا می‌توان شنید  
نامه‌ی سربسته را چون آب خواندن، حق ماست  
کز سخن فهمان آن لب‌های خاموشیم ما

هر چند نیست در دل ما نوشتني  
از اشک خود دو سطر به اینما نوشتاهیم  
(صاحب تبریزی)

رنگ رویم غم دل پیش کسان می‌گوید  
فاش کرد آن که زیگانه همی بنهفتمن  
گر بگوییم که مرا بی تو پریشانی نیست  
رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر ضمیر  
(سعدي)

گرچه تفسیر زبان روشن‌گر است  
لیک عشق بی‌زبان روشن‌تر است  
رنگ رویم رامی‌بینی چو ز؟  
زاندرون، خود می‌دهد رنگم خبر  
پس زبان محraman خود دیگر است  
هم‌دلی از هم‌زبانی بهتر است  
(مولوی)

تو مو می‌بینی و من پیچش مو  
تو ابرو، من اشارت‌های ابرو  
(وحشی بافقی)

نشود فاش کسی آن که میان من و توست  
تا اشارات نظر نامه‌رسان من و توست

گوش کن، بالب خاموش سخن می‌گوییم  
پاسخ گو به نگاهی که زبان من و توست  
(هوشندگ ابتهاج)

من ندانم به نگاه تو چه رازی است نهان؟  
که من آن راز توان دیدن و گفتن نتوان  
(رعدی آذرخشی)

۱. فاصله‌ی صمیمی (تقریباً حدود ۱۵ تا ۵۰ سانتیمتر). در این فاصله می‌توان انتظار بیشترین حد پیام‌های غیرکلامی را داشت (استفاده از چنین فاصله‌ای برای برقراری ارتباط در محل‌های عمومی در اغلب جوامع پذیرفته نیست).

۲. فاصله‌ی شخصی (تقریباً تا حدود ۱۲۰ سانتیمتر).

۳. فاصله‌ی اجتماعی (از حدود ۱۲۰ تا ۲۲۰ سانتیمتر). در چنین فاصله‌ای ارتباط غیرکلامی دچار اشکال خواهد بود، زیرا افراد آن قدر از یکدیگر دور هستند که ارتباط دیداری به خوبی انجام نخواهد شد.

۴. فاصله‌ی عمومی (از حدود ۳ تا ۷ متر): در چنین فاصله‌ای قسمت اعظم ارتباطات غیرکلامی به ژستها و حالات ایستادن سخنران مربوط می‌شود.

ما معمولاً در زندگی روزمره‌ی خود ارتباط غیرکلامی را انجام می‌دهیم. برای این کار، باید برخی از جنبه‌های جریان اطلاعات را به عنوان اطلاعات مهم و پرمعنی انتخاب و از برخی صرف‌نظر کنیم. آن‌چه را که صرف‌نظر می‌کنیم از نظر ما بی‌معنی یا غیرمهمن است.

مردم می‌توانند حرکات سنجیده و معنی دار را که در ارتباط با پیام شخص سخن‌گوست، فقط از طریق نگاه کردن به حرکات بدن تشخیص دهند. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد این شناسایی حتی در بچه‌های خیلی کوچک نیز انجام می‌شود. ارائه‌ی حرکات بدن و چهره به عنوان چارچوبی برای کنش متقابل عمل می‌کند. ظاهراً فضا و محیط، اطلاعات بیشتری در زمینه‌ی ارتباط غیرکلامی در اختیار گیرنده‌ی پیام قرار می‌دهد. علاوه بر این چهره‌ای، مشاهده‌ی زمینه‌ی بیشتری از بدن، یا حضور فرد در یک مجموعه، متنه‌ی به دریافت پیام بیشتری می‌شود.

در جامعه‌ی ما با پیشینه‌ی فرهنگی که داریم، احتمالاً راز و رمزهای بسیاری برای بیان چهره‌ای در ارتباطات غیرکلامی وجود دارد که نمونه‌ای از آن‌ها در اشعار کهن و معاصر به چشم می‌خورد:

انتخاب کنیم، ولی معمولاً به طور همزمان علائم دیگری را که از طریق موقعیت بدن فرستنده ارسال می‌شود نیز دریافت می‌کنیم. مانند فاصله‌ی فیزیکی و حالات چهره.

البته یکی از راههای بالابردن ادراک، ناظارت روی ادراکات اولیه‌مان از طریق سوال از فرستنده درباره نظراتش است. اما توجه به حوزه‌های پیام‌های غیرکلامی نیز می‌تواند بسیار مفید باشد. حالاتی مثل ترس از طریق چشم، پلک و گوش قابل تشخیص است. به واسطه‌ی حالت چشم و پلک می‌توان به وجود غم در نزد شخص بی‌برد. حالت شادی تقریباً همیشه در گونه و دهان یا در چشم و پلک‌ها همیشه در گونه و دهان یا در چشم و پلک‌ها و یا در گونه و دهان با یکدیگر مشاهده می‌شود. حالت تعجب نیز به طور دقیق در ابروها، مژده‌ها و پیشانی نمایان می‌شود. خشم و غصب را نمی‌توان به درستی از طریق یک قسمت از چهره حدس زد. محققان تصور می‌کنند که علت این مسئله مربوط به دوپهلویودن خشم نسبت به دیگر حالات چهره باشد.

**شولمن** در مورد پیام‌های غیرکلامی که از طریق گوش دریافت می‌شوند، می‌نویسد: «ارتباط غیرکلامی فقط شامل حوزه‌هایی از دریافت پیام از طریق چشم نیست و گوش نیز در این مورد نقش دارد. اطلاعات دیداری معمولاً به طور همزمان با اطلاعات شنیداری و پیام‌هایی که ممکن است هم‌آهنگ و یا متناقض باشند، دریافت می‌شود.»

افرادی که به طور مداوم با پیام‌های متنضاد و متناقض بمباران می‌شوند، قادر به ارتباط مؤثر با افراد دیگر نخواهند بود. دیدن نمی‌تواند همیشه مفیدترین منبع اطلاعاتی باشد. بچه‌ها بیشتر توسط آهنگ صدا، تحت تأثیر قرار می‌گیرند تا حالات چهره.

## فاصله و ارتباط

وجود فاصله‌ی فیزیکی بین فرستنده‌ها و گیرنده، در ارتباطات غیرکلامی نقش مهمی دارد. در این گونه از ارتباطات چهار نوع فاصله وجود دارد:

